

اخلاق

فصلنامه علمی - ترویجی در حوزه اخلاق
سال دهم، شماره ۳۷، پیاپی ۵۹، بهار ۱۳۹۹

شابک: ۷۸۹۸-۷۸۹۸-۲۲۵۱

فصلنامه علمی ترویجی اخلاق

سال دهم، شماره ۳۷، پیاپی ۵۹، بهار ۱۳۹۹

ISSN : 2251-7898

Akhlagh

Quarterly Journal of Extension in Ethics
No.37/ Spring 2020/Tenth Year

قیمت: ۳۵۰۰۰ تومان

- تبیین راهکارهای عملی و نظری کسب تواضع و فروتنی بر مبنای تحلیل محتوای خطبه قاصعه امیرالمؤمنین (علیه السلام)
صدیقه کاشفی، محمد عترت دوست، فتحیه فتاحی زاده
- چارچوبی برای حفظ امنیت و پیشگیری از نقض حریم خصوصی اطلاعات دیجیتال کاربران در صنعت دیجیتال پس از مرگ و مسائل اخلاقی آن
ناهید خوشیان، سعید رضایی شریف آبادی
- بررسی اعتدال و آثار و موانع آن از دیدگاه شهید مطهری
علی احمدپور
- مناسبات اخلاق و اقتصاد در اسلام (تطبیق انتقادی نظریه رشد اخلاقی کلبگ)
حسن بوسلیکی، مهدی علیزاده
- عناصر تأثیرگذار در کارآمدی رسانه جمعی و مصونیت بخشی به آن
(با تأکید بر آموزه‌های اخلاقی و روان شناختی)
علی احمد پناهی
- تفاوت‌های اخلاقی در ازدواج؛ آثار و پیامدهای آن از منظر قرآن و حدیث
سیدمحمد رضا حسینی نیا

Explaining Practical and Theoretical Solutions to Acquire Humility and Modesty based on (the Content Analysis of the Ghase'eh Sermon of the Imam Ali (PBUH
Sedigheh Kashefi, Mohammad Etrat Doost, Fathiyeh Fattahizadeh

Framework for Maintaining Security and Prevention of infringement of users' digital information privacy in the post-mortem digital industry and its ethical challenges
Nahid Khooshian, Said Rezaei Sharifabadi

A study of moderation, its effects and obstacles from the perspective of Martyr Motahhari
Ali Ahmadpour

Relationship between ethics and economics in Islamic: Critical comparison of Kohlberg's theory of moral development
Hassan Boosaliki , Mahdi Alizadeh

Influential elements in the effectiveness of mass media and its immunity (Mass Media with Emphasis on Moral and Psychological Teachings
Aliahmad Panahi

Moral differences in marriage, effects and consequences according to the Qur'an and hadith point of view
Seyed Mohammadreza Hosaininia



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اعتبارنامه علمی - ترویجی فصلنامه اخلاق

شورای اعطای مجوزها و امتیازهای علمی حوزه علمیه به استناد مصوبه شماره ۵۸۵ مورخ ۱۳۸۷/۶/۲۴ شورای عالی حوزه‌های علمیه و با توجه به ارزیابی کمیسیون نشریات علمی حوزه، در جلسه مورخ ۱۳۹۱/۶/۲۸ خود رتبه علمی- ترویجی نشریه اخلاق را تصویب و طی نامه شماره ۳۱/۵۷۰۷ مورخ ۱۳۹۱/۷/۳۰ ابلاغ نمود. مصوبه شماره ۶۲۵ (ماده واحده) جلسه مورخ ۱۳۸۷/۳/۲۱ شورای عالی انقلاب فرهنگی:

«مصوبات شورای عالی حوزه علمیه قم در خصوص اعطای امتیاز علمی به مجلات علمی، تأسیس انجمن‌های علمی و ... دارای اعتبار رسمی بوده و موجد امتیازات قانونی در دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمیه می‌باشد.»

تارنمای اینترنتی فصلنامه اخلاق

فصلنامه اخلاق به منظور تسهیل فرآیند دریافت، پذیرش، ارزیابی، نظارت و نشر مقالات، تمام مراحل را از طریق تارنمای اینترنتی اختصاصی فصلنامه انجام می‌دهد. بر این اساس، ارسال و دریافت مقالات و پیگیری نتیجه ارزیابی و پذیرش آن تنها از طریق این سامانه امکان پذیر است. اطلاعات بیشتر را با مراجعه به تارنمای فصلنامه دریافت نمایید. فصلنامه از پذیرش مقالات به صورت پستی یا حضوری معذور است. فایل متنی فصلنامه از طریق سایت «Morsalat.ir»، پایگاه استنادی علوم جهان اسلام «ISC»، بانک اطلاعات نشریات کشور «Magiran»، مرجع دانش «Civilica»، مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی «SID»، پرتال جامع علوم انسانی «Ensani»، پایگاه مجلات تخصصی نور «Noormags» و کتابخوان همراه پژوهان «pajoohaan»، نمایه و بارگذاری می‌شود.



پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی
پژوهشکدهٔ الهیات و خانواده

فصلنامه علمی - ترویجی اخلاق

سال دهم / شماره ۳۷، (پیاپی ۵۹) بهار ۱۳۹۹
*

صاحب امتیاز: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم
مدیر مسئول: محمد قطبی جشقانی
سر دبیر: اصغر هادی
*

هیئت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا):

سیدحسن اسلامی اردکانی / استاد دانشگاه ادیان و مذاهب
مسعود آذربایجانی / دانشیار پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
مهدی حبیب‌اللهی / استادیار دانشگاه باقرالعلوم (علیه السلام)
حسین دیبا / استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی
محمد رضا سالاری فر / استادیار پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
مهدی علیزاده / استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی
اصغر هادی / استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

*

همکاران علمی این شماره:

سیدحسن اسلامی اردکانی، سیدمهدی سلطانی رنانی، مریم فاتحی زاده، محمدجواد موحدی، اصغر هادی

*

دبیر تحریریه: محمد بهارلو

ویراستار: مریم شیرانی

مترجم انگلیسی: مهدی حبیب‌اللهی

صفحه آرا: فاطمه رجبی

*

نشو: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی اصفهان

چاپ: مؤسسه بوستان کتاب دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم

نشانی: اصفهان، خیابان آیت‌الله شمس آبادی، کوچهٔ سرلت، بن بست سهیل، ساختمان شماره ۲

دفتر تبلیغات اسلامی اصفهان، فصلنامه علمی - ترویجی اخلاق

تارنما: akhlagh.morsalat.ir پست الکترونیک: akhlagh@dte.ir

تلفن: (۰۲۱) ۷۶۵۱ داخلی ۴ - ۳۲۳۴۴۴۱۰ (۰۳۱) صندوق پستی: ۶۹۷-۸۱۴۶۵

دورنگار: ۰۵-۳۲۲۰۸۰۰۵ (۰۳۱) کد پستی: ۸۱۴۶۹۵۷۵۷۱

راهنمای تنظیم مقاله

ویژگی‌های شکلی مقاله

حتماً با الگوی فصلنامه (مندرج در صفحه اول سامانه نشریه) تنظیم شده باشد؛

۱. حجم مقاله تایپ شده همراه با چکیده و کتابنامه (حداکثر ۷۵۰۰ کلمه) به آدرس سامانه نشریه ارسال شود؛

۲. مقاله در محیط Word با پسوند DOCX (با قلم Noorzar نازک ۱۴ برای متن و Times New Roman نازک ۱۰ برای انگلیسی) حروف چینی گردد.

۳. شیوه‌های استناد بایستی به صورت درون‌متنی بین پرانتز به شرح ذیل باشد:

❖ **قرآن:** آیات (همراه با ترجمه) داخل گیومه درج شده و سپس نام سوره و شماره آیه (داخل پرانتز) آورده شود. **نمونه:** «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ؛ ستایش مخصوص خداوندی است که پروردگار جهانیان است» (حمد: ۱).

❖ **کتاب:** (نام خانوادگی نویسنده، سال انتشار اثر، شماره جلد: شماره صفحه، مثال: منبع فارسی با صفحات متناوب (مطهری، ۱۳۶۰، ج ۱: ص ۲۰۰-۲۲۰) و با صفحات متفاوت (امینی، ۱۳۸۷، ج ۱: صص ۲۰۰ و ۲۰۷)؛ **نکته:** درج (حرف ق) برای تاریخ قمری لازم است.

منبع انگلیسی با صفحات متناوب (Kant, 1788: p.224-288) و با صفحات متفاوت Kant, (1788: pp.44, 288).

❖ **مقاله:** (نام خانوادگی، سال انتشار اثر: شماره صفحه. مثال: یاسری، ۱۳۸۵: ص ۷۵).

تذکر:

✓ اگر از یک نویسنده، بیش از یک اثر در مقاله استفاده شود، در صورت اشتراک زمان انتشار آنان، پس از سال انتشار، با ذکر حروف الفبا در گیومه از یکدیگر متمایز شوند.

مانند: (مطهری، ۱۳۶۰ «الف»، ص ۲۰۰) یا (مطهری، ۱۳۶۰ «ب»، ص ۱۴۵).

✓ اگر مؤلفان یک اثر بیش از سه نفر باشند، تنها نام خانوادگی یک نفر می‌آید و با واژه «دیگران» به دیگر مؤلفان اشاره می‌شود.

✓ اگر به دو اثر از یک نویسنده، بدون فاصله ارجاع داده شود، به جای تکرار نام نویسنده، از واژه «همو» استفاده می‌شود و به جای تکرار منبع و سال «همان» درج شود. در ارجاع به منابع لاتین در متن به جای واژه «همان» از «ibid»، «همو» از «Idem» و «پیشین» از «op.cit» استفاده شود.

۴. معادل لاتین کلمات غیرفارسی و تلفظ واژگان و اصطلاحات مهجور داخل متن و پراکنش بیاید؛

۵. عبارات تکریمی: از کلیشه به جای عبارات تکریمی استفاده شود. مانند: صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به جای (ص)؛ عَلَيْهِ السَّلَام به جای (ع)؛ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ به جای (ره) و: به جای (عليهم السلام) و ...

۶. فهرست منابع و مآخذ (کتاب‌نامه) در پایان مقاله به ترتیب حروف الفبا و به روش زیر تدوین و درج شود:

❖ **کتاب‌ها:** نام خانوادگی، نام (سال انتشار)، عنوان کتاب (ایرانیک)، مترجم، جلد، نوبت چاپ، محل نشر: ناشر.

❖ **مقالات:** نام خانوادگی، نام (سال انتشار)، «عنوان مقاله»، نام نشریه (ایرانیک)، دوره و شماره نشریه، شماره صفحات مقاله.

❖ **منابع الکترونیکی:** نام خانوادگی، نام (تاریخ مشاهده منبع در سایت یا وبلاگ)، «عنوان مقاله یا نوشته»، آدرس دقیق اینترنتی یا دسترسی (CD و ...) .

❖ **پایان‌نامه‌ها:** نام خانوادگی، نام (سال دفاع از رساله)، عنوان رساله، مقطع تحصیلی، گروه، نام دانشکده، دانشگاه.

ویژگی‌های محتوایی مقاله

الف) صفحه اول شامل: ۱. عنوان کامل مقاله، نام و نام خانوادگی، مرتبه علمی دانشگاهی و پست الکترونیکی سازمانی نویسنده یا نویسندگان؛ ۲. چکیده فارسی (حداقل ۱۵۰ و حداکثر ۲۵۰ کلمه)؛ ۳. کلیدواژه‌ها (۳ تا ۷ کلمه) (ترجمه و ارسال تمامی موارد به لاتین الزامی است).

❖ در صورتی که مقاله برگرفته از پایان‌نامه باشد یا سازمان و نهادی هزینه مالی پروژه را پرداخت کرده باشد و یا تشکری لازم داشته باشد باید در پاورقی صفحه اول (چکیده) درج شود.

❖ مقاله پیش‌تر یا همزمان به مجله‌های دیگر ارائه نشده باشد و نویسنده به نشر آن در جای دیگر متعهد نباشد.

❖ اعضای هیأت علمی، اساتید و محققان مراکز آموزشی و پژوهشی موظف‌اند در مقاله خود پست الکترونیکی سازمانی خود را وارد کنند.

❖ در صورتی که مقاله مشترک است، عنوان (نویسنده مسئول) در پاورقی و در مقابل اسم او درج شود.

ب) صفحات دوم تا آخر شامل: ۱. مقدمه و طرح مسئله، پیشینه تحقیق، روش تحقیق و گردآوری اطلاعات؛ ۲. تبیین ابعاد مسئله به صورت منطقی شده با رعایت انسجام و هماهنگی مطالب در زیرمجموعه‌سازی استاندارد (پیگیری از الگوی عددی یا حرف و عدد)؛ ۳. نتیجه‌گیری؛ ۴. پی‌نوشت‌ها (در صورت لزوم)؛ ۵. کتاب‌نامه.

اهداف

تولید و توسعه دانش در گستره اخلاق؛ با اولویت اخلاق خانواده
ارایه و نقد مطالعات نظام‌مند اخلاق پژوهان حوزه و دانشگاه؛
مطالعات بین رشته‌ای و مضاف اخلاقی
توسعه روش‌شناسی اخلاق، متناسب با نیازهای پژوهشی جهان معاصر؛
احیاء تراث در زمینه اخلاق؛
تولید و توسعه اخلاق کاربردی و حرفه‌ای.

یادآوری

۱. با توجه به اینکه رویکرد فصلنامه، ناظر به مباحث نظری اخلاق است، مقالات پیمایشی در اولویت پذیرش نیستند.
۲. مقاله ارسالی باید گویای نوآوری در مسائل اخلاق و حوزه‌های مرتبط به‌ویژه اخلاق اجتماعی باشد.
۳. هیئت تحریریه در رد یا قبول و نیز اصلاح مقالات آزاد است.
۴. دیدگاه‌های مطرح شده در مقالات صرفاً نشانگر نظر نویسندگان آنهاست.

فهرست مطالب

- سخن فصلنامه..... ۹
- تبیین راهکارهای عملی و نظری کسب تواضع و فروتنی بر مبنای تحلیل محتوای خطبهٔ قاصعه امیرالمؤمنین علیه السلام ۱۱
صدیقه کاشفی، محمد عترت دوست، فتحیه فتاحی زاده
- چارچوبی برای حفظ امنیت و پیشگیری از نقض حریم خصوصی اطلاعات دیجیتال
کاربران در صنعت دیجیتال پس از مرگ و مسائل اخلاقی آن ۳۹
ناهید خوشیان، سعیدرضایی شریف آبادی
- بررسی اعتدال و آثار و موانع آن از دیدگاه شهید مطهری ۶۵
علی احمدپور
- مناسبات اخلاق و اقتصاد در اسلام (تطبیق انتقادی نظریهٔ رشد اخلاقی کلبرگ) ۸۹
حسن بوسلیکی، مهدی علیزاده
- عناصر تأثیرگذار در کارآمدی رسانهٔ جمعی و مصونیت بخشی به آن
(با تأکید بر آموزه‌های اخلاقی و روان شناختی) ۱۱۵
علی احمد پناهی
- تفاوت‌های اخلاقی در ازدواج؛ آثار و پیامدهای آن از منظر قرآن و حدیث ۱۴۱
سیدمحمدرضا حسینی نیا

سخن فصلنامه

هوالمحبوب

اخلاق دانشی است که همه دانش‌ها بدان نیازمندند؛ و در جهان هستی هیچ عرصه فعالیت اختیاری انسان نیست جز آن که حضور اخلاق در آن مشاهده می‌شود. هر عرصه از فعالیت‌های اختیاری انسان که به دور از اخلاق انسانی است از جایگاه انسانی و الهی و قرب خود دور شده است و جای خود را به فساد و تباهی و دوری از ارزش‌های انسانی داده است. در این شماره فرهیختگان صاحب اثر به عرصه‌های مختلف افعال اختیاری انسان وارد شده و از نگاه اخلاقی به واکاوی آن پرداخته‌اند.

در این راستا، در این شماره، نخست راهکارهای عملی و نظری کسب تواضع برگرفته از خطبه قاصعه امیرمؤمنان صلوات الله و سلامه علیه - تحلیل محتوایی شده است. در اثر نوآورانه بعدی حفظ امنیت و پیشگیری از نقض حریم خصوصی اطلاعات دیجیتال کاربران در صنعت دیجیتال پس از مرگ و چالش‌های اخلاقی آن تبیین شده است.

در مقاله سوم، با عنوان «بررسی اعتدال؛ آثار و موانع آن از دیدگاه شهید مطهری» به نظریه عدالت و اعتدال و نقش بی‌بدیل آن در اخلاقی‌سازی افعال اختیاری انسان از دیدگاه خاص پرداخته است. اقتصاد عرصه دیگر اخلاق است که در اثر علمی بعدی در کار مقایسه‌ای خود به بیان مناسبات اخلاق و اقتصاد، پرداخته است. همچنین رسانه جمعی عرصه دیگر افعال اختیاری انسان است که عناصر تاثیرگذار در

کارآمدی و مصونیت بخشی به آن با تاکید بر آموزه های اخلاقی و روان شناختی کاوش شده است و در پایان در عرصه مهم خانواده، تفاوت های اخلاقی در ازدواج؛ آثار و پیامدهای آن از منظر قرآن و حدیث، بررسی شده است. آنچه در این شماره آمده، مختصری است که گوشه ای از گستردگی دانش اخلاق را در عرصه های گوناگون، آشکار می سازد و ذهن خواننده خوش ذوق را برای ورود به عرصه بی منتهای اخلاق آماده می سازد.

مدیر مسئول
محمد قطبی جشقانی

تبیین راهکارهای عملی و نظری کسب تواضع و فروتنی بر مبنای

تحلیل محتوای خطبه قاصعه امیرالمؤمنین (علیه السلام)

صدیقه کاشفی*، محمد عترت دوست**، فتحیه فتاحی زاده***

چکیده

تواضع و فروتنی از جمله فضایل اخلاقی است که از خود ملکوتی و الهی انسان نشأت می‌گیرد و بدان دلیل که در تکامل شخصیت انسان تأثیر بسزایی دارد، در آموزه‌های دینی بر آن بسیار تأکید شده است. یکی از مصادیق این تأکید را می‌توان در بلندترین و مهم‌ترین خطبه امام علی (علیه السلام) مشهور به خطبه قاصعه که پس از جنگ نهروان ایراد شده، جستجو کرد. حضرت علی (علیه السلام) در این خطبه تلاش کرده است ضمن تبیین اهمیت این فضیلت اخلاقی و تأثیر آن در مقابله با تکبر به منزله مهم‌ترین عامل تسلط شیطان، راهکارهای عملی و نظری کسب تواضع را بیان و در نهایت، تصویر جامعی از این فضیلت ارزشمند اخلاقی ارائه کند.

* کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه الزهراء (علیه السلام)، تهران، ایران.

skashefi255@gmail.com

** استادیار گروه الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، تهران، ایران.

Etratdoost@sru.ac.ir

*** استاد گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه الزهراء (علیه السلام)، تهران، ایران.

f_fattahizadeh@alzahra.ac.ir



در این پژوهش کوشیده‌ایم با تکیه بر روش «تحلیل محتوا» و بهره‌گیری از فن «تحلیل مضامین کیفی»، گزاره‌های مرتبط با موضوع تواضع و فروتنی را در خطبه قاصعه تحلیل و الگوی جامع مفهومی تواضع را از منظر آن حضرت ترسیم کنیم. معرفی عوامل عملی و نظری ایجاد تواضع (مانند اقامه نماز، روزه‌داری، دادن زکات، احسان به والدین و احترام به مربی)، معرفی ویژگی‌های متواضع (مانند توجه به مستضعفان و فقرا، محبت به مؤمنان و سجده کردن)، معرفی نتایج برخورداری از تواضع (مانند دوری از وسوسه‌های شیطانی، دوری از کبر و تفاخر، کسب رضایت الهی و ایجاد الفت و محبت بین مردم) و معرفی مصادیق برگزیده متواضعان از جمله مباحثی است که امام علی علیه السلام در این خطبه بدان اشاره کرده است.

کلیدواژه‌ها

امام علی علیه السلام، تواضع، فروتنی، خطبه قاصعه، روش تحلیل محتوا.

مقدمه

اخلاق، مجموعه صفات روحی و باطنی انسان است و به گفته شماری از دانشمندان، به بعضی از اعمال و رفتاری که از خلیقات درونی انسان ناشی می‌شود نیز اخلاق گفته می‌شود. تکامل اخلاقی در فرد و جامعه، مهم‌ترین هدف ادیان آسمانی و ریشه اصلاحات اجتماعی است. دین اسلام که برای رساندن انسان به سعادت و کمال، در همه زمینه‌های مادی و معنوی، برنامه‌های جامعی دارد، هندسه اخلاق آدمی را به دقیق‌ترین و زیباترین شکل ترسیم کرده و پیروان خویش را به آراستگی به ارزش‌های والای اخلاقی فراخوانده است. در هندسه اخلاقی اسلام، تواضع جایگاهی ویژه و فراتر از حد صرف یک فضیلت ممدوح دارد.

تواضع، از نظر لغوی، از ریشه «وضع» به معنی فرو نهادن (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۱۳: ص ۱۳۰) و خود را کوچک نشان دادن (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۲: ص ۱۹۶؛ راغب





اصفهانی، ۱۳۷۵، ج ۴: ص ۶۶۴) و در مقابل تکبر به معنی خود را بزرگ دانستن است (ابن منظور، ۱۴۰۸ق، ج ۸: ص ۳۹۷). تواضع، در معنای اصطلاحی، آن است که انسان خود را از کسانی که در جاه و مقام از او پایین ترند، برتر نداند؛ به عبارتی، تواضع به معنای شکسته نفسی‌ای است که نگذارد آدمی خود را بالاتر از دیگری ببیند و لازمه آن کردار و گفتاری است که دلالت بر تعظیم دیگران و اکرام ایشان می‌کند (نراقی، ۱۳۶۲، ص ۳۰۰).

تواضع و فروتنی از ارزش‌های اخلاقی مهم در روابط اجتماعی است که در قرآن، احادیث و نهج البلاغه به آن بسیار توجه شده است. اگرچه واژه تواضع در قرآن مجید نیامده است، ولی خداوند متعال با تعبیرهای لطیف دیگری مانند «خفض جناح» در آیات: ﴿وَ اخْفِضْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ﴾ (شعرا: ۲۱۵) و ﴿وَ اخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذَّلِيلِ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا﴾ (اسراء: ۲۴) مردمان را به این فضیلت فراخوانده است. در روایات نیز تواضع از بزرگ‌ترین عبادت‌ها^۱ و کامل‌کننده نعمات^۲ معرفی شده که نشان از جایگاه ویژه این آموزه اخلاقی دارد.

با توجه به اینکه جامعه اسلامی بر مدار مکارم اخلاقی می‌گردد، انتظار می‌رود که این صفت در میان مسلمانان و مؤمنان به بهترین شکل وجود داشته باشد تا جامعه نمونه را به جهانیان معرفی کند. به همین منظور، در این مقاله تلاش شده با استفاده از روش تحلیل محتوا به مثابه یک روش تحقیق میان‌رشته‌ای و متن محور - که می‌تواند پیام‌های آشکار و مضامین پنهان متن را کشف و دسته‌بندی کند و در نهایت، الگوی جامعی از محتوای متن ارائه دهد - به مطالعه عمیق و تخصصی خطبه قاصعه امام علی (علیه السلام) پرداخته، با تجزیه و تحلیل مفاهیم این خطبه به تصویر جامعی از چیستی تواضع و نتایج حاصل از آن دست پیدا کنیم.

۱. عَلَيْكَ بِالتَّوَّاضِعِ فَإِنَّهُ مِنْ أَعْظَمِ الْعِبَادَةِ (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۲: ص ۱۱۹).

۲. بِالتَّوَّاضِعِ تَبِمُ النِّعْمَةُ (امام علی (علیه السلام)، ۱۳۷۶: ح ۳۴۸).

خطبه قاصعه، طولانی‌ترین خطبه منقول از امام علی علیه السلام است و شروح مفصلی بر آن نگاشته شده است. امام در این خطبه درباره موضوعات متعددی مانند پرهیز از اطاعت شیطان (ر.ک: راوندی، ۱۳۶۴، ج ۲: ص ۲۲۷)، پرهیز از کبر و غرور (ر.ک: ابن ابی‌الحدید، ۱۳۸۵ق، ج ۱۳: ص ۱۰۱)، دعوت به مطالعه تاریخ و عبرت گرفتن از آن (ر.ک: خویی، ۱۳۵۸، ج ۱۱: ص ۲۶۶)، ایمان به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و دیگر اولیای الهی سخن گفته است. بررسی این خطبه با استفاده از روش تحلیل محتوا نشان می‌دهد که حضرت به مواردی فراتر از اینها پرداخته و مقوله تواضع فقط یکی از این موارد است؛ بر این اساس، سؤالات اصلی این تحقیق آن است که امام علی علیه السلام در خطبه قاصعه چه تعریفی از «تواضع» ارائه کرده است؟ آیا تواضع صرفاً پسندیده است؟ نتایج متخلق شدن به آن چیست؟ عوامل ایجاد آن چیست؟ فرد متواضع چه نشانه‌هایی دارد؟ و آیا حضرت مصادیقی برای متواضع آورده است؟

پیشینه تحقیق

تحقیقات مختلفی درباره خطبه قاصعه امیرالمؤمنین علی علیه السلام انجام شده است، اما بیشتر این پژوهش‌ها فقط به جنبه‌های تاریخی و اجتماعی خطبه توجه داشته‌اند؛ محمدهادی امین ناجی در پایان‌نامه خود با عنوان «بررسی و تحلیل خطبه قاصعه و پیوند آن با زمینه‌های سیاسی اجتماعی کوفه» عمدتاً به بررسی وضعیت جامعه کوفه در روزگار ایراد خطبه پرداخته و ارتباط محتوایی خطبه قاصعه را با جامعه آن عصر تبیین کرده است و عملاً به حوزه تحلیل محتوایی متن خطبه وارد نشده است (ر.ک: امین ناجی، ۱۳۷۵). کمیلی تخته‌جان نیز در پایان‌نامه خود با عنوان «شرح خطبه قاصعه امام علی علیه السلام»، تلاش کرده با آوردن معانی واژه‌ها از کتب لغت و استفاده از شروح مختلف به توضیح و تفسیر عبارت‌های مبهم خطبه پردازد (ر.ک: کمیلی تخته‌جان، ۱۳۸۲). بخش دیگری از پژوهش‌های انجام‌شده درباره خطبه قاصعه، وجوه ادبی و بلاغی و زبان‌شناختی واژگان این خطبه را در بر می‌گیرد،



مانند پایان‌نامه «اعراب و بلاغت خطبه قاصعه در نهج البلاغه» که نویسنده تلاش کرده وجوه اعرابی و بلاغی برخی از جملات خطبه را واکاوی کند (ر.ک: موسویان، ۱۳۹۳).

بنابراین، باید گفت کتاب یا مقاله مستقلی درباره خطبه قاصعه و مفاهیم آن نگاشته نشده است و در شروح نهج البلاغه هم صرفاً به مباحث ادبی، تاریخی و اجتماعی این خطبه اشاره شده است. بر این اساس، وجوه نوآوری و تمایز مقاله حاضر این است که:

اولاً، با استفاده از یک روش تحقیق میان‌رشته‌ای به اسم روش «تحلیل محتوا» به مطالعه متن و نص اصلی خطبه پرداخته شده و گزارشی دقیق از موضوعات اصلی و فرعی خطبه ارائه شده است؛

ثانیاً، با نگاهی مسئله محور فقط به یکی از موضوعات مهم خطبه (تواضع) توجه کرده و کوشیده‌ایم ابعاد مختلف آن را در قالب ساختاری نظام‌مند تبیین کنیم؛

ثالثاً، الگوی جامع مؤلفه تواضع و فروتنی از منظر امام علی علیه السلام در قالب نمودار ترسیم شد. بی‌شک، توجه به این الگو و مبنا قرار دادن آن می‌تواند نقش تأثیرگذاری در پیمودن مسیر عبودیت و دستیابی به کمال داشته باشد.

۱. جایگاه تواضع در مکارم الاخلاق اسلامی

تواضع، ضد تکبر و به معنای فروتنی، خود را خوار کردن (فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۲: ص ۱۹۶؛ ابن منظور، ۱۴۰۸ق، ج ۸: ص ۳۹۶)، پایین آوردن چیزی و انحطاط است (ابن فارس، ۱۴۱۰ق، ج ۶: ص ۱۱۷-۱۱۸). به گفته عالمان اخلاق، مراد از تواضع، شکسته نفسی‌ای است که نگذارد انسان خود را بالاتر از دیگری ببیند (نراقی، ۱۳۶۲: ص ۳۰۰؛ فیض کاشانی، ۱۳۸۷، ج ۶: ص ۳۲۱).

اخلاق، بخشی از دین است که به فضایل و رذایل انسان می‌پردازد. قرآن کریم، هدف بعثت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را اصلاح اخلاق انسان‌ها معرفی کرده است. در روایات



نیز از مهم‌ترین صفات نیک اخلاقی، با عنوان مکارم الاخلاق یاد شده است. تواضع، یکی از بارزترین مکارم الاخلاق است که بیشتر خصلت‌های پسندیده از آن سرچشمه می‌گیرند و از خلقیاتی است که هم جنبه فردی و هم جنبه اجتماعی دارد. تواضع یعنی شکسته نفسی‌ای که نگذارد آدمی خود را بالاتر از دیگری ببیند و لازمه آن، رفتار و گفتاری است که بر احترام به دیگران دلالت می‌کند (نراقی، ۱۳۶۲، ص ۳۰۰).

تواضع و فروتنی اهمیت خاصی در اخلاق اسلامی دارد تا آنجا که خداوند به پیامبرش امر فرمود: ﴿وَ اخْفِضْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ﴾؛ [ای رسول من] پر و بال رحمت [را] بر تمام پیروان باایمانت به تواضع بگستران (شعراء: ۲۱۵). این سفارش به پیامبری است که خداوند در وصف اخلاق او فرموده است: ﴿وَ اِنَّكَ لَعَلٰی خُلِقْتَ عَظِيْمًا﴾؛ و تو اخلاق عظیم و برجسته‌ای داری (القلم: ۴). پیامبری که به حق مصداق کامل خشوع و فروتنی است و این خود یکی از رمزهای موفقیت آن حضرت در پیشبرد اهداف مقدس رسالت و جذب مردم به سوی دین اسلام بود.

۲. تحلیل محتوای خطبه قاصعه امام علی علیه السلام

برای تحلیل نصوص دینی به روش تحقیق متن محوری نیاز است که بتواند تمامی جوانب متن و فرامتن را سنجیده، لایه‌های عمیق مضمونی متن را شناسایی کند؛ لذا در این پژوهش از روش تحلیل محتوا استفاده شد تا پس از استخراج مضامین اصلی و فرعی بتوان با توجه به ساختار کلی خطبه، الگویی را به تصویر کشید.

روش تحلیل محتوا یکی از روش‌های تحقیق میان‌رشته‌ای برای تبیین اندیشه‌های بیان شده در متن است. در این روش، با بهره‌گیری از قواعد علمی منتظم و قابل تعمیم، نتایج دقیقی از تجزیه متن و مؤلفه‌های آن دریافت می‌شود (جانی‌پور، ۱۳۹۰: ص ۳۴-۵۷). در حقیقت، هدف این روش، گویاسازی و استخراج کامل مفاهیم و پیام‌های پنهان در متن است. «تحلیل محتوا در حقیقت، فن پژوهش



عینی، اصولی و کمی و به منظور تفسیر و تحلیل محتواست و تفکر بنیادی تحلیل محتوا عبارت است از شناسایی اجزای یک متن (کلمات، جملات، بندها و مانند آن برحسب واحدهایی که انتخاب می‌شوند) و تعیین جایگاه و رتبه آن‌ها در نظام مقوله‌ها» (باردن، ۱۳۷۵، ص ۲۹). برای کاربست این روش، در رشته‌های گوناگون، متناسب با موضوع پژوهش از فنون مختلفی استفاده می‌شود (برای آگاهی بیشتر از نمونه کارهای انجام‌شده با این روش ر.ک: عترت دوست، ۱۳۹۸، ص ۲۹۱-۳۲۰).

اولین مرحله عملی در پیمایش روش تحلیل محتوا برای فهم و تحلیل دقیق متن این است که برای تجزیه متن به قطعات کوچک‌تر و استخراج کلیدواژگان، موضوعات اصلی و موضوعات فرعی هر قطعه از متن، جدولی ترسیم شود. سپس، بر مبنای این جداول، ادامه فرایند روش تحلیل محتوا - که سنجش فراوانی موضوعات اصلی و فرعی متن است - ادامه می‌یابد و در نهایت، با شناسایی مهم‌ترین موضوعات به پیام اصلی متن دست می‌یابیم.

گفتنی است محور تحلیل در این پژوهش، متن خطبه قاصعه است که از نسخه کتاب «منهاج البراعه» از حبیب‌الله خویی استخراج شده است (هاشمی خویی، ۱۳۶۴، ج ۱۱). در این جدول، عبارات خطبه بر اساس پیام اصلی هر جمله، تقطیع شده و مضامین اصلی و فرعی آن استخراج و در نهایت، کدگذاری شده است. این جدول به شکلی کدگذاری شده است که در تحلیل کیفی با نگاهی اجمالی به کدهای شناسه می‌توان به سند و منبع و علت آن تحلیل دست یافت.

در این جدول حرف «A» نماد سخنان امام علی علیه السلام حرف «Q» نماد آیات قرآن و حرف «P» نماد کلام پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است. به دلیل حجم زیاد جدول فقط بخشی از آن برای نمونه درج شده است:



ردیف	متن	کلیدواژه	پیام اصلی	پیام فرعی	کد
۲۷	<p>فَلَوْ رَخَّصَ اللَّهُ فِي الْكِبْرِ لِأَخِيذٍ مِنْ عِبَادِهِ لَرَخَّصَ فِيهِ لِيَخَاصَّةِ أَنْبِيَائِهِ وَأَوْلِيَائِهِ وَ لِكِنَّةِ سُبْحَانَهُ كَرَاهَةِ إِلَيْهِمُ التَّكَايُورِ وَ رَضِي لَهُمُ التَّوَاضُّعَ، فَأَلْصَقُوا بِالْأَرْضِ حُدُودَهُمْ وَ عَقَرُوا فِي الشَّرَابِ وَجُوهَهُمْ. وَ حَفَّضُوا أَجْبَحَتَهُمْ لِلْمُؤْمِنِينَ؛</p> <p>اگر بنا بود خداوند به بعضی از بندگانش رخصت بدهد که به او کبر بورزند، قطعاً به پیامبران و اولیای خاص خود اجازه می‌داد، و لکن خداوند سبحان تکبر و خودپسندی را برای آنان ناپسند دانست و فروتنی را برای آنان پسندید. پس آنان گونه‌های خود را بر زمین چسبانیدند و صورت‌هایشان را به خاک مالیدند و بال‌های خود را برای مؤمنان از روی تواضع گسترده‌تر کردند.</p>	رخص	<p>تواضع و پرهیز از کبر از شاخص‌های ویژه انبیا</p>	عدم جواز تکبر برای هیچ یک از بندگان	A121
		کبر		دوری از تکبر نشانه بندگی	A122
		انبیاء و اولیاء		اولویت انبیا و اولیا نسبت به دیگر بندگان	A123
		کره		مغایرت جواز تکبر برای بندگان با تنزیه خداوند	A124
		رضی		ناپسندی تکبر از منظر الهی	A125
		تواضع		تواضع عامل خشنودی خداوند	A126
				انبیا و اولیا مظهر تواضع در میان بندگان	A127
				سجده از نشانه‌های تواضع	A128





ردیف	متن	کلیدواژه	پیام اصلی	پیام فرعی	کد
		مؤمنین		توجه به اصل وجودی انسان	A129
				عامل تواضع	
۲۸	<p>وَ كَانُوا قَوْمًا مُسْتَضَعِّفِينَ وَ قَدِ احْتَبَرَهُمُ اللَّهُ بِالْمَحْمَصَةِ وَ ابْتَلَاهُمْ بِالْمَجْهَدِ وَ امْتَحَنَهُمْ بِالْمَخَاوِفِ وَ مَخَصَّصَهُمْ بِالْمَكَارِهِ؛</p> <p>آنان مردمانی مستضعف بودند که با گرسنگی و انواع فقر آنان را آزمایش کرد و به مشقت و سختی مبتلا فرمود، در رویدادهای وحشتناک امتحان کرد و با ناگواری‌ها تصفیه‌شان نمود.</p>	مستضعفین	چگونگی امتحان الهی با فقر و بیماری	محبت به مؤمنان نشانه تواضع	A130
		قرار گرفتن در میان مستضعفان نشانه تواضع		A131	
		تأثیر گرسنگی بر ایجاد تواضع		A132	
		تأثیر سختی و جدایی از رفاه در ایجاد تواضع		A133	
		تأثیر ترس و حوادث بیمناک زندگی در ایجاد تواضع		A134	
		عوامل پدیدآورنده ایمان در میان		A135	

ردیف	متن	کلیدواژه	پیام اصلی	پیام فرعی	کد
				انبیا و اولیا	
۲۹	<p>فَلَا تَعْتَبِرُوا الرُّضَىٰ وَ السُّخَطَ بِأَمْوَالِ وِ الْوَالِدِ جَهْلًا بِمَوَاقِعِ الْفِتْنَةِ وِ الْإِحْتِبَارِ فِي مَوْضِعِ الْغِنَى وِ الْإِقْتَارِ، فَقَدْ قَالَ تَعَالَى: «أَيَحْسَبُونَ أَنَّمَا نُضِلُّهُمْ بِهِ مِنْ مَّالٍ وِ بَيِّنٍ * نُسَارِعُ لَهُمْ فِي الْخَيْرَاتِ بَلْ لَا يَشْعُرُونَ»؛</p> <p>از روی نادانی به موارد فتنه و آزمایش، در موقعیت بی‌نیازی، ملائک خشنودی و ناخشنودی خداوندی را مال و اولاد تلقی نکنید. خداوند سبحان و با عظمت چنین فرموده است: «آیا گمان می‌کنند اینکه ما به وسیله مال و فرزندان آنان را کمک می‌کنیم و آنان را در وصول به خیرات سرعت می‌دهیم؟ [نه چنین است] آنان نمی‌فهمند.»</p>	لا تعتبروا	چگونگی امتحان الهی با مال و فرزند	عدم اعتبار ارتباط مستقیم میان خشنودی خداوند و دارا بودن مال و فرزند	A۱۳۶
		رضی		تأثیر آگاهی در شناخت و مواجهه با امتحان الهی	A۱۳۷
		سخط		مال و فرزند و قدرت بستری برای ابتلا و امتحان	A۱۳۸
		مال		سخن خداوند درباره امتحان الهی و رابطه آن با مال و فرزند	Q۹
		ولد		عدم اختصاص خیرات به مال و فرزند	Q۱۰
		جهل		تأثیر درک و	Q۱۱
		فتنه			
		نسارع			





ردیف	متن	کلیدواژه	پیام اصلی	پیام فرعی	کد
				فهم در مواجهه با امتحان الهی	
۳۰	<p>فَإِنَّ اللَّهَ شَبَّحَانَهُ يَحْتَبِرُ عِبَادَهُ الْمُسْتَكْبِرِينَ فِي أَنْفُسِهِمْ بِأَوْلِيَائِهِ الْمُسْتَضَعْفِينَ فِي أَعْيُنِهِمْ</p> <p>زیرا خداوند سبحان آزمایش می کند بندگان مستکبر خود را که نزد خویشان بزرگ و چشمگیرند، به وسیله دوستان خود که در چشمان آن مستکبران بینوایانند.</p>	یختبر	مستضعفان ابزاری برای ابتلای مستکبران	چگونگی آزمایش مستکبران	A۱۳۹
		مستکبرین		ظاهرینی از ویژگی های مستکبران	A۱۴۰
		مستضعفین			
۳۱	<p>وَقَدْ دَخَلَ مُوسَىٰ بَنُ عِمْرَانَ وَ مَعَهُ أَخُوهُ هَارُونَ عَلَىٰ فِرْعَوْنَ وَ عَلَيْهِمَا مَدَارِعُ الصُّوفِ وَ بِأَيْدِيهِمَا الْعِصَى، فَشَرَطَا لَهُ إِنْ أَسْلَمَ بَقَاءَ مُلْكِهِ وَ دَوَامَ عِزِّهِ، فَقَالَ: «أَلَا تَعَجِبُونَ مِنْ هَذَيْنِ يَشْرِطَانِ لِي دَوَامَ الْعِزِّ وَ بَقَاءَ الْمُلْكِ وَ هُمَا بِمَا تَرَوْنَ مِنْ خَالِ الْفَقْرِ وَ الدُّلِّ، فَهَلَا أَلْقَىٰ عَلَيْهِمَا</p>	موسی	الگو گرفتن از پیامبران الهی برای کسب عزت	رویارویی موسی و فرعون نماد مواجهه مستضعفان با مستکبران	A۱۴۱
		هارون		ویژگی های	A۱۴۲

ردیف	متن	کلیدواژه	پیام اصلی	پیام فرعی	کد
	أَسَاوِرَةٌ مِّنْ ذَهَبٍ؟ إِيَّاهُمْ لِلذَّهَبِ وَجَمْعِهِ وَاحْتِقَاراً لِلصُّوفِ وَ لُبَيْبِهِ؛			ظاهری موسی و هارون	
	حضرت موسی بن عمران علیه السلام با برادرش هارون به فرعون وارد شدند در حالی که لباسی از پشم داشتند و عصایی به دست. آن دو با فرعون شرط کردند که اگر اسلام را بپذیرد، ملکی که در اختیار دارد برای او باقی بماند و عزتش پایدار. فرعون مستکبر [به قوم خود] چنین گفت: «آیا تعجب نمی کنید از اینکه این دو نفر با حال فقر و ذلتی که دارند، به من شرطی پیشنهاد می کنند که اگر آن را پذیرفتم [اسلام را قبول کردم] عزتم پایدار و ملک باقی بماند؟ آیا برای ادعای چنین مقامی شایسته نبود که دستبندهای طلا بر دست داشتند؟». این سخن باطل فرعون ناشی از باعظمت دانستن طلا و اندوختن آن و پست شمردن پشم و پوشیدن آن بوده است.	اسلام	تسلیم شدن در برابر خداوند عامل دوام حکومت و عزت	A143	
		عزت		عامل جاودانگی حکومت از نظر فرعون	A144
		فقر		نشانه های فقر از نظر فرعون	A145
				تمسخر و تحقیر ثمره خودبرتربینی	A146

جدول ۱: نمونه ای از جدول تحلیل محتوای خطبه قاصعه امام علی علیه السلام





۳. تحلیل محتوای کیفی مقوله «تواضع» در خطبه قاصعه امام علی علیه السلام

تحلیل محتوای کیفی، یعنی به کار بستن شیوه‌ای نظام‌مند برای تفسیر ذهنی محتوای داده‌های متن، از طریق کدگذاری‌های طبقه‌بندی شده؛ به گونه‌ای که بررسی لایه‌های عمیق‌تر متن میسر شود و به نظریه‌پردازی بینجامد. هرگونه استنباط از موضوعات یک متن منوط به گزارش‌های تحلیل کمی است؛ لذا با توجه به نتایج حاصل از آن، مسیر ورود به تحلیل کیفی فراهم می‌شود (ر.ک: جانی‌پور و شکرانی، ۱۳۹۲، ص ۲۸).

با توجه به اهمیت معرفی مصادیق برای تبیین بهتر موضوعات مهم، حضرت علی علیه السلام در خطبه قاصعه کوشیده کبر را مهم‌ترین راه نفوذ شیطان معرفی کند و همگان را از آن برحذر دارد و در مقابل، به شماری از رهبران نیک و صالح مانند پیامبران الهی علیهم السلام اشاره و ویژگی تواضع را بارزترین خصیصه آنها دانسته است. مجموع آنچه امام علی علیه السلام در این خطبه درباره تواضع بیان فرموده، در ادامه مقاله دسته‌بندی شده و در قالب یک الگوی منتظم آمده است. پیش از شروع مبحث یادآوری می‌شود که تمام مطالب این مقاله مستند به کلمات حضرت علی علیه السلام و مضامین برداشت‌شده از محتوای خطبه قاصعه است که استنادات آن با حروف انگلیسی کدگذاری شده است.

۳-۱. عوامل ایجاد تواضع از منظر امام علی علیه السلام در خطبه قاصعه

از منظر امام علی علیه السلام انسان همواره در مسیر حوادث و ناملايمات زندگی قرار دارد و تنها در صورتی می‌تواند از میان آنها به سلامت عبور کند که به قدرت بزرگی چون قدرت الهی متکی باشد (A1186). رجوع به خداوند در سخت‌ترین حوادث، گواه بر این واقعیت است که هنگام قطع امید از همه نیروها، انسان تنها به یاری خداوند امیدوار است؛ در نتیجه، وجود «نگرانی از حوادث آینده» یکی از عوامل ایجاد تواضع و فروتنی در آدمی است (A1185).

عامل دیگر ایجاد تواضع از دیدگاه امام علی علیه السلام، توجه و عنایت ویژه انسان به «اصل وجودی خویش و خلقت از ماده ناچیز» است. در این صورت، آدمی خود را برتر نمی‌بیند و همواره در آستان بندگی مطیع اوامر ربوبی می‌شود تا رشد یابد و به کمال برسد (A۱۸۸).

راهکارهای دیگر ایجاد تواضع از منظر امام علی علیه السلام، عباداتی چون اقامه نماز، روزه‌داری و پرداختن زکات است. هنگام اقامه نماز، آدمی خود را در محضر پروردگار می‌بیند، با شروع نماز همه چیز را در برابر خداوند کوچک و بی‌مقدار می‌داند و در برابر بزرگی پروردگار تعظیم کرده، به رکوع می‌رود و چون محو قدرت و بزرگی بی‌نهایت خداوند می‌گردد، سر تعظیم بر آستان بندگی فرود می‌آورد و به سجده می‌رود تا در نهایت تواضع، به بلندمرتبه بودن پروردگار اقرار کند و اصل و خلقت اولیه خود را به یاد آورد (A۷۳).

سجده، بیش از هر عمل عبادی دیگری موجب نارضایتی شیطان می‌شود و عامل دوری از کبر است (A۱۸۴).

فرد با «روزه‌داری» می‌تواند تا اندازه زیادی با درد گرسنگان آشنا شود و به این ترتیب، نفس خود را پرورش دهد. روزه‌دار برای آنکه در برابر امر الهی خضوع نشان دهد، از خوردن و آشامیدن دست می‌کشد؛ زیرا خضوع در برابر قدرت پروردگار وقتی معنا می‌یابد که فرد در کمال فروتنی به اطاعت محض و بی‌چون و چرا از خداوند بپردازد (A۲۹).

بر اساس خطبه قاصعه، یکی دیگر از راه‌های ایجاد تواضع، پرداختن زکات است. اینکه انسان خود را مالک هیچ چیز نداند و با داشتن سرمایه به فکر مستمندان باشد، باعث ایجاد تواضع می‌شود. در این صورت، اموال و دارایی‌ها به جای اینکه عامل تفاخر فرد شود، او را از تکبر دور می‌کند. انسان با دستگیری از دیگران، هم موجب



تعالی خود می‌شود و هم با ایجاد تعادل در جامعه از رفاه‌زدگی جلوگیری و به اقتصاد جامعه کمک می‌کند.

البته زکات شامل موارد متعددی است که امام علی علیه السلام در روایت مفصلی مصادیق آن را بیان کرده است (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۷: ص ۴۶، ح ۷۶۱۶)؛ برای مثال، یکی از انواع زکات، زکات دانش است که پرداختن آن، علم‌آموزی به دیگران است. فرد با آگاهی‌بخشی به دیگران، آن‌ها را متوجه معروف و منکر می‌کند؛ زیرا تا زمانی که افراد معروف و منکر را نشناسند، امر به خوبی‌ها و پرهیز از بدی‌ها بی‌معنی است. به همین دلیل، امام علی علیه السلام در خطبه قاصعه، بر علم‌آموزی و آگاهی‌بخشی، به‌عنوان زکاتی مهم و لازم بر همگان، تأکید کرده و برای آن جایگاه ویژه‌ای قائل شده است (۲۴۶A).

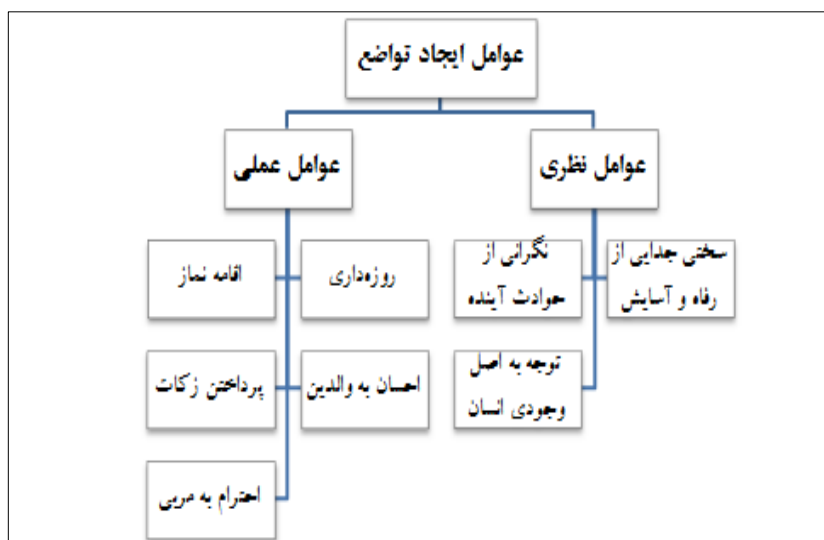
از منظر امام علی علیه السلام، فروتنی در برابر مقام والدین و مریبان از دیگر عوامل ایجاد تواضع است (۲۷۰A). امام علیه السلام بر ضرورت فروتنی در برابر والدین و مریبان تأکید کرده و آن را یکی از عوامل ایجاد تواضع و دوری از تکبر شمرده است. گفتنی است خداوند متعال نیز در قرآن کریم بر این مسئله تأکید کرده و آیات متعددی در این باره وجود دارد (ر.ک: بقره: ۸۳؛ نساء: ۳۶؛ انعام: ۱۵۱؛ اسراء: ۲۳).

وجود پربرکت امام علی علیه السلام نمونه کامل تواضع در برابر مربی خود یعنی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است. این سخن حضرت علی که در روایتی می‌فرمایند: «هر کس کلامی به من بیاموزد، مرا بنده خود ساخته است» (نراقی، ۱۳۶۶، ص ۶۴۱)، در واقع، علاوه بر اهمیت جایگاه علم‌آموزی، گویای تواضع ایشان در برابر مربی است.

موارد یادشده در مقابل تکبر مانند پادزهر عمل می‌کنند. این موارد، انسان را در برابر برتری‌طلبی به زانو درمی‌آورد و به او می‌آموزد که هر چیز زیبایی شایسته تواضع نیست؛ مگر آنکه انسان را از تکبر دور و به خداوند نزدیک گرداند



(A۲۸). بر این اساس، می‌توان نمودار عوامل ایجاد تواضع را در دو بُعد نظری و عملی چنین ترسیم کرد:



شکل ۱: نمودار دسته‌بندی عوامل ایجاد تواضع از منظر امام علی علیه السلام در خطبه قاصعه

۳-۲. نشانه‌های متواضع از منظر امام علی علیه السلام در خطبه قاصعه

از منظر امام علی علیه السلام، کرنش و تعظیم در برابر خالق، یکی از نشانه‌های تواضع است. ایشان در خطبه قاصعه، علامات ظاهری تواضع را بیان کرده و خم شدن کردن را که به دنبال آن سر نیز (که بالاترین و مهم‌ترین قسمت بدن است) پایین می‌آید، نشانه تواضع دانسته است. این حالت در هنگام نماز (رکوع و سجده) بروز می‌یابد (A۲۹). علاوه بر آن، همچنان که گردن عامل اتصال سر به بدن است، می‌تواند مرز میان تعزز و تذلل نیز باشد. گذاشتن سر بر خاک، عامل ایجاد تواضع است؛ یعنی فرد خود را برتر نمی‌پندارد و با گذاشتن جوارح خود بر زمین، به کوچکی و بی‌مقداری خود در برابر خداوند اعتراف می‌کند و این همان فلسفه سجده بر خاک است (A۱۸۴). اگر انسان در عمل نیز خود را از بند تکبر



رها کند، می تواند به همان اندازه رنگ تواضع به خود گیرد و به بزرگی حقیقی دست یابد (A۷۶).

افزون بر اینکه در نماز، گذاشتن بالاترین قسمت بدن، یعنی سر، بر خاک نشانه تواضع و خاکساری است و آدمی را به اصل خود یادآور می شود، تذکری است برای یاد مرگ؛ چرا که همه با مرگ به خاک برمی گردند و در برابر خداوند در نهایت کوچکی هستند (A۱۱۷). در سجده، علاوه بر پیشانی، قسمتی از دست ها و پاها نیز بر زمین قرار می گیرد. یکی از چیزهایی که موجب کبر و غرور می شود، قدرت بدنی و زیبایی چهره است. در عبارت «فَالْأَصْقُوا بِالْأَرْضِ حُدُودَهُمْ وَعَفَّرُوا فِي الثَّرَابِ وَجُوهَهُمْ»، توجه به کلمات «خود» و «وجه» به دلیل اشاره به چهره زیبای انسان یا قدرت بدنی اوست. انسان باید بداند که خداوند، خالق است و همه در برابر او ناچیزند و به خاک بازمی گردند (A۱۲۷).

از منظر امام علی علیه السلام، یکی دیگر از نشانه های تواضع و دوری از تکبر این است که آدمی، همه انسان ها را همانند خودش بداند و به همگان و خود به چشم «امت واحده» بنگرد. در این صورت، به همه مهر و محبت می ورزد، کمبودهای دیگران را کمبود خود می داند و برای رفع مشکل آن ها اقدام می کند. با این نگرش، جامعه می تواند با سرعت مسیر کمال و تعالی را بیاماید و همه مشکلات و سختی ها را از سر راه بردارد.

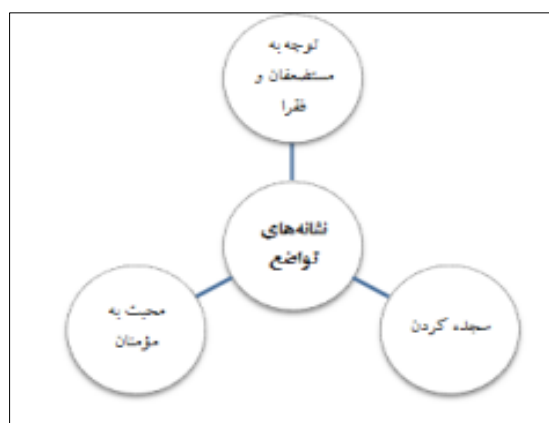
حضرت این نشانه را با عبارت «وَ حَفَّضُوا أَجْنَحَتَهُمْ لِلْمُؤْمِنِينَ» بیان کرده که در قرآن کریم نیز مشابه آن آمده است: ﴿وَ اخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا﴾؛ و بال های تواضع خویش را از محبت و لطف، در برابر آنان فرود آر و بگو: پروردگارا، همان گونه که آن ها مرا در کوچکی تربیت کردند، مشمول رحمتشان قرار ده» (ر.ک: الاسراء: ۲۴).



این عبارت قرآنی، امر به محبت و فروتنی در برابر پدر و مادر است، اما در خطبه قاصعه با توجه به موضوع امت واحده، فرد به فروتنی در برابر خانواده بزرگ‌تر یعنی جامعه توصیه شده است. آنچه در جامعه محبت و همدلی می‌آفریند و سبب قوام جامعه می‌شود، همین تواضع و ماحصل آن، محبت است. در پرتو این مهربانی‌ها و فروتنی در برابر مؤمنان، اتحادی شکل می‌گیرد که جامعه را شکست‌ناپذیر خواهد کرد (A۱۲).

نشانه دیگر برای تشخیص فرد متواضع در کلام امام علی علیه السلام، حضور در جمع فقرا و توجه به احوال و رسیدگی به امور آنان است؛ بدین معنا که فرد متواضع نباید به فقرا و تنگ‌دستان بی‌اعتنا باشد و با بی‌خیالی از کنار آنها بگذرد. یکی از عوامل تکبر، سرمایه‌داری و زراندوزی است.

کسی که در عین داشتن ثروت و جایگاه اجتماعی والا، از خوی سرمایه‌داری به‌دور باشد و به‌نوعی در گروه مستضعفان قرار گیرد و سختی‌ها و مشکلات را لمس کند، نمی‌تواند از روی جهل، خود را برتر از دیگران بداند و موجب سقوط خود شود (A۹، A۱۳۰). به همین دلیل، امام علی علیه السلام، دستگیری از مستضعفان و همنشینی با آنها را یکی از نشانه‌های متواضع معرفی کرده است. بر این اساس، الگوی نشانه‌های تواضع در کلام امام علی علیه السلام بدین شکل است:



شکل ۲: نمودار دسته‌بندی نشانه‌های تواضع از منظر امام علی علیه السلام در خطبه قاصعه



۳-۳. مصادیق تواضع از منظر امام علی علیه السلام در خطبه قاصعه

امام علی علیه السلام در فراز «فَلَوْ رَحَّصَ اللَّهُ فِي الْكِبْرِ لِأَحَدٍ مِنْ عِبَادِهِ لَرَحَّصَ فِيهِ لِخَاصَّةِ أَتْبَائِهِ وَ أَوْلِيَائِهِ» (R۲۷) این نکته را یادآوری کرده است که اگر تکبر برای بندگان روا بود، خداوند، قبل از هر کس به پیامبران و امامان که الگوی مردم هستند، اجازه می داد تکبر بورزند، اما خداوند، فروتنی را برای آنان برگزید و بلندمرتبه‌گی را تنها برازنده ذات بی آرایش خویش دانست.

این عبارت حضرت نشان می دهد که انبیای الهی و ائمه اطهار علیهم السلام، در عین بزرگی مقام و منزلت، متواضع ترین افراد و مهم ترین مصادیق فروتنی طی تاریخ بوده اند. روشن است که پیامبران و اولیای الهی، انسان هایی خاکی، متواضع، کوخ نشین و مستضعف بودند که با سختی ها و مشکلات زندگی دست و پنجه نرم می کردند. آنان از طبقه زحمت کش و سخت کوش جامعه خود بودند، نه از قشر مرفه و خوش گذران که تنها به عیش و نوش خویش می اندیشند (ر.ک: کلینی، ۱۳۸۵، ج ۱: ص ۴۵). آنان در آستان مقدس ربوبی، سر بر خاک می نهادند و با همه قرب و منزلتی که داشتند، به تضرع و انابه می پرداختند و از خداوند در انجام درست رسالت و وظیفه سنگینی که بر دوش داشتند، کمک می خواستند و نهایت تلاش خود را در هدایت مردم به سوی خدا به کار می بردند؛ تا آن جا که خداوند خطاب به رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرمود: ﴿فَلَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسِكَ عَلَى آثَارِهِمْ إِنْ لَمْ يُؤْمِنُوا بِهَذَا الْحَدِيثِ أَسَفًا﴾؛ شاید اگر به این سخن ایمان نیاورند، تو جان خود را از اندوه در پیگیری [کار]شان تباہ کنی» (کهف: ۶).

به همین دلیل، امام علی علیه السلام، پیامبران و پیروان صادق آنان را انسان هایی پرتلاش و مهربان و دلسوز برای هدایت جامعه معرفی کرده است؛ کسانی که با تحمل سختی های طاقت فرسا، راه دستیابی به قله های رفیع کمال و تعالی را به بشریت آموختند و خورشید تابان و کشتی نجات مردم گشتند (R۴۵، R۱۲۶، P۵).



امام علی علیه السلام در خطبه قاصعه برای افراد متواضع، مصادیقی برشمرده‌اند که بارزترین آن‌ها، انبیا و اولیای الهی هستند؛ به همین دلیل، در این خطبه نام شماری از پیامبران، به‌ویژه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بارها آمده است. اطلاعات آماری حاصل از جدول کمی تحلیل محتوا نشان می‌دهد که پیامبر خاتم بیش از دیگران مورد توجه حضرت بوده است. طبیعی است که به تناسب زمان ایراد سخن، وجود نورانی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نزد مردم آن عصر، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده و به همین دلیل، حضرت علی درباره بسیاری از وقایع عصر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و نتایج حاصل از اطاعت و عدم اطاعت از ایشان سخن گفته است.

از منظر امام علی علیه السلام، همه کسانی که انبیا و ائمه اطهار علیهم السلام را تصدیق کنند و در پرتو راهنمایی ایشان قرار گیرند، به سعادت می‌رسند و خود مصداق متواضعان می‌شوند. در این میان رابطه پیامبر اکرم با امام علی و تربیت خاص امام علی توسط شخص پیامبر، آن حضرت علیه السلام را به نمونه والا و بارز شی از انسان متواضع در تاریخ بشریت تبدیل کرده است. تحلیل محتوای عبارات خطبه قاصعه نشان می‌دهد بخش زیادی از جملات امام علی علیه السلام، تعظیم و تکریم انبیای الهی و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است. این مطلب نشان می‌دهد که حضرت علی خود نماد و مصداق تواضع در برابر پیامبران و یکی از الگوهای کامل برای این فضیلت اخلاقی بوده است.

۳-۴. نتایج تواضع از منظر امام علی علیه السلام در خطبه قاصعه

همانگونه که گفته شد، امام علی علیه السلام در خطبه قاصعه، راهکارهای متعددی برای دوری از کبر و نفوذ شیطان در انسان ارائه فرموده است و کوشیده با تبیین اهمیت فرایضی مانند اقامه نماز، روزه‌داری، پرداختن زکات و کثرت سجده و رکوع، معرفی پیامبران و اولیای الهی به منزله مهم‌ترین الگوهای انسانی، دعوت به عبرت گرفتن از حوادث تاریخی و... انسان‌ها را به تواضع و فروتنی رهنمون کند و از کبر و غرور بازدارد (A۱۵۷، A۲۹۵، A۱۲۱ و...). از منظر آن حضرت علیه السلام، تکبر مهم‌ترین



راه نفوذ شیطان در وجود انسان است و بهترین راه مقابله با او، تواضع و فروتنی در برابر خالق و اطاعت از امر الهی است.

امام علی علیه السلام در بخش دیگری از کلام خود برای تشویق مردم به بهره‌مندی از این فضیلت اخلاقی، شماری از نتایج تواضع را بیان کرده است. از دیدگاه ایشان، یکی از مهم‌ترین نتایج تواضع، دور شدن از ابلیس و مقابله با نقشه‌های شیطانی است. آن حضرت با عبارت «وَاتَّخِذُوا التَّوَّاضِعَ مَسْلِحَةً بَيْنَكُمْ وَ بَيْنَ عَدُوِّكُمْ إِبْلِيسَ وَ جُنُودِهِ» به زیبایی نقش تواضع را در زدودن کبر و مقابله با شیطان ترسیم کرده است. در این عبارت، کلمه «مَسْلِحَةً» به معنی محدوده‌ای است که مردان مسلح برای جلوگیری از حمله دشمن، به حال آماده‌باش، مستقر می‌شوند (بحرانی، ۱۴۱۵ق، ج ۲: ص ۶۷).

در اینجا کلمه مسلحه برای تواضع، استعاره است؛ متواضعان به دلیل داشتن این خصلت پسندیده، دین و معنویت خود را از دستبرد ابلیس و لشکریانش محافظت می‌کنند و نمی‌گذارند خوی ناپسند تکبر و دیگر رذایل اخلاقی و عملی بر آنان حمله‌ور شوند؛ چنان‌که فرد مسلح، خود و افراد موردنظرش را از شر دشمنان نگهداری و محافظت می‌کند. در واقع، تواضع از نفوذ شیطان و ابتلا به بیماری کبر پیشگیری می‌کند (R۱۸).

این ویژگی مانع ایجاد کبر و به دنبال آن، غوطه‌ور شدن در جهل می‌گردد. اعراب جاهلی هرگز به این فضیلت مسلح نبودند و تاریخ گواه است که در روزگار جاهلیت، تواضع و فروتنی از فضایل (به اصطلاح) شریف به شمار نمی‌آمد و حتی گاهی عرب جاهلی پرستش‌بها را تا جایی پسندیده می‌دانست که با غرور وی تعارضی نداشت (ایزوتسو، ۱۳۸۰، ج ۱: ص ۲۸۷).

از نگاه امام علی علیه السلام، تواضع دارویی برای پیشگیری و درمان بیماری تکبر است و بهره‌مندی از آن موجب در امان ماندن از نفوذ شیطان می‌شود (R۱۸). به تبع انسان با دوری از شیطان و وسوسه‌های او، در مسیر حق قرار می‌گیرد و با انجام عبادات،



موجبات خشنودی باری تعالی را فراهم می کند (A۲۸). بنابراین، یکی دیگر از نتایج تواضع، خشنودی خداوند متعال است. از منظر حضرت، این ویژگی مانع گرفتاری در منجلاب جهل و هلاکت می گردد (A۸۷).

همان گونه که گفته شد، یکی دیگر از نتایج تواضع از دیدگاه امام علی علیه السلام، دوری از هرگونه کبر و تفاخر است. امام این نتیجه را با عبارت «وَاعْتَمِدُوا وَضْعَ التَّدَلُّلِ عَلٰی رُؤُوسِكُمْ» بیان کرده است. در این عبارت، حرف «علی» در معنای استعلا به کار رفته و مراد از این تعبیر استعاری آن است که فروتنی را به گونه ای در رفتار خود نهادینه کنید که کوچک ترین شوقی برای تکبر و فخرفروشی نداشته باشید. حضرت در این عبارت، فروتنی را مانند تاج پادشاهان دانسته است. نکته قابل توجه آن است که فرمانروایان، شوکت و عزت و ابهت خود را وامدار کلاهی به نام تاج هستند و در واقع، تاج سمبل حکومت است (A۱۸).

در نتیجه، فرد با بر سر داشتن تاج تواضع و اقرار به کوچکی و بی مقداری، عزت و بزرگی می یابد و در پیشگاه الهی رفیع می گردد. در این صورت، لازم است همچنان که بر نیفتادن این تاج از سرش مراقبت می کند، در امر تواضع نیز استمرار داشته باشد و با مراقبه مستمر و پرهیز از تکبر، در همه حالات و جایگاه ها، این خصلت پسندیده را حفظ کند و از سرگذشت شیطان و کثرت عبادات او عبرت بگیرد تا هرگز با تکبر، از رحمت خدا دور نشود و از جایگاهش که بهشت است، رانده نشود (A۷۶).

علاوه بر آن، متخلق شدن به صفت پسندیده تواضع، عاملی برای ایجاد الفت و مهربانی در میان جوامع معرفی شده است. امام علی، این مطلب مهم را با عبارت «وَاحْفَظُوا أَجْنَحَتَهُمْ لِلْمُؤْمِنِينَ» بیان فرموده است؛ یعنی با مؤمنان نرمی و ملامت کن و بر آنان درشتی و تندی مکن (R۲۷).



«خفض جناح» که در قرآن کریم نیز آمده (ر.ک: الحجر: ۸۸)، کنایه از نرمی و ملایمت و ایجاد دوستی و محبت است. اعراب درباره کسی که سنگین و باوقار باشد، می‌گویند: فلانی دارای خفض جناح است (بحرانی، ۱۴۱۵ق، ج ۲: ص ۴۶۳). خفض جناح از ویژگی‌های بارز انسان متواضع است که می‌تواند با ایجاد الفت میان جوامع، آن‌ها را در پرتو اتحاد و همدلی قرار دهد و موجبات سعادت آن‌ها را فراهم آورد.



نتیجه گیری

تکامل اخلاقی فرد و جامعه، مهم ترین هدف ادیان آسمانی و ریشه اصلاحات اجتماعی است. تواضع و فروتنی از ارزش های اخلاقی مهم در روابط اجتماعی است که باعث تکامل اخلاقی افراد و جوامع بشری می شود.

در مقاله حاضر، خطبه قاصعه امام علی علیه السلام که بلندترین خطبه آن حضرت است، با استفاده از روش تحلیل محتوا (به عنوان یک روش تحقیق معتبر و کاملاً عینی) بررسی و تحلیل شد. این بررسی نشان داد که مهم ترین موضوع مطرح شده در این خطبه، مسئله «کبر» و راه های پرهیز از آن است. آن حضرت موضوع «تواضع» را یکی از مهم ترین راهکارهای عملی مقابله با تکبر دانسته و در این زمینه به تفصیل سخن گفته است.

تحلیل محتوای مقوله «تواضع» در این خطبه نشان می دهد که آن حضرت علیه السلام این مقوله را از چند جنبه بررسی کرده است:

الف) عوامل ایجاد تواضع و فروتنی در انسان؛ حضرت علی علیه السلام عوامل متعددی را در این باره مطرح فرموده که می توان آن ها را به دو دسته نظری و عملی تقسیم کرد. عوامل نظری عبارتند از: نگرانی از حوادث آینده، سختی جدایی از رفاه و آسایش کنونی و توجه به اصل وجودی انسان. عوامل عملی نیز عبارتند از: اقامه نماز، روزه داری، دادن زکات، احسان به والدین و احترام به مربی؛

ب) برشمردن نشانه های فرد متواضع که عبارتند از: توجه به مستضعفان و فقرا، محبت به مؤمنان، سجده کردن؛

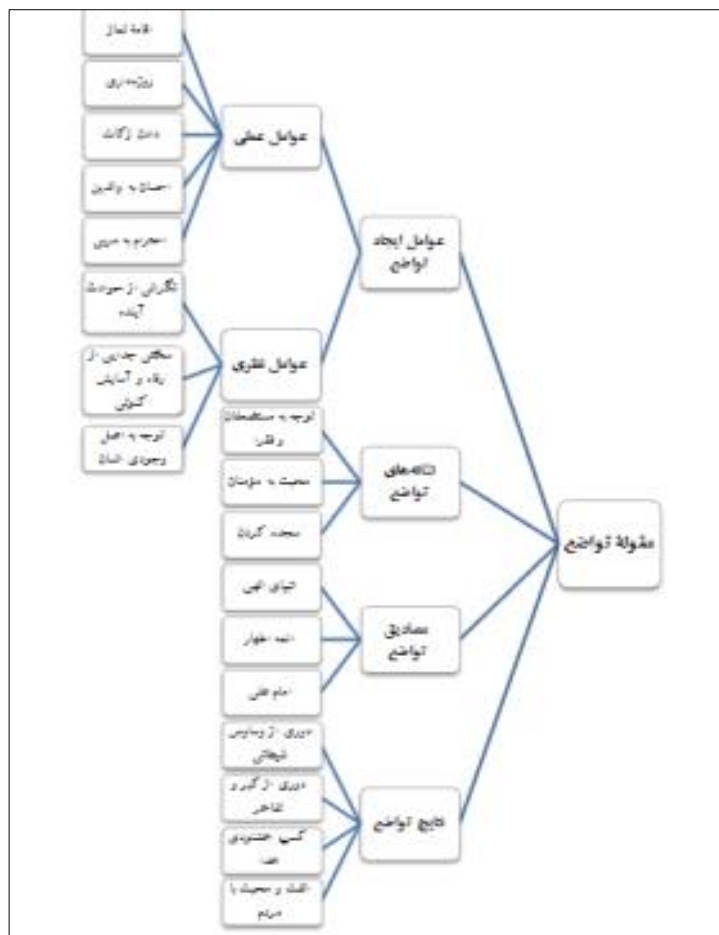
ج) معرفی مصادیق افراد متواضع به عنوان الگوهای شایسته در این فضیلت اخلاقی؛ حضرت علیه السلام در این باره به معرفی انبیا و ائمه اطهار علیهم السلام پرداخته است. البته با توجه به احترام و تواضع فوق العاده آن حضرت در برابر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و دیگر انبیای الهی، خود آن حضرت علیه السلام بهترین الگوی تواضع هستند؛





۵) بیان نتایج تواضع برای مقابله با کبر؛ حضرت علی علیه السلام در بخش دیگری از کلام خود نتایج بهره‌مندی از این فضیلت اخلاقی را چنین برشمرده است: دوری از وسوسه‌های شیطانی، دوری از کبر و تفاخر، کسب رضایت الهی، ایجاد انس و الفت و محبت بین مردم.

درنهایت، با توجه به یافته‌های حاصل از روش تحلیل محتوای خطبه قاصعه و به‌ویژه تحلیل کیفی مقوله «تواضع» در این خطبه، می‌توان الگوی جامع «تواضع و فروتنی» را از منظر امام علی علیه السلام چنین ترسیم کرد:



شکل ۳: نمودار دسته‌بندی مقوله تواضع از منظر امام علی علیه السلام در خطبه قاصعه

کتاب نامه

۱. قرآن کریم (۱۳۷۳)، ترجمه محمد مهدی فولادوند، تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
۲. ابن ابی الحدید، عزالدین عبدالحمید (۱۳۸۵ق)، شرح نهج البلاغه، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳. ابن فارس، احمد (۱۴۱۰ق)، معجم مقاییس اللغة، بیروت: دار الاسلامیه.
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۰۸ق)، لسان العرب، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۵. امام علی علیه السلام (۱۳۷۶)، نهج البلاغه، ترجمه محمد تقی جعفری، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۶. امین ناجی، محمد هادی (۱۳۷۵)، بررسی و تحلیل خطبه قاصعه و پیوند آن با زمینه سیاسی اجتماعی کوفه، پایان نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: محمد علی مهدوی راد، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
۷. ایزوتسو، توشیهیکو (۱۳۸۰)، خدا و انسان در قرآن، ترجمه احمد آرام، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۸. باردن، لورنس (۱۳۷۵)، تحلیل محتوا، ترجمه ملیحه آشتیانی و محمد یمنی دوزی، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
۹. بحرانی، سید هاشم (۱۴۱۵ق)، البرهان فی تفسیر القرآن، تهران: مؤسسه بعثت.
۱۰. جانی پور، محمد (۱۳۹۰)، اخلاق در جنگ؛ تحلیل محتوای مکاتبات امیرالمؤمنین علی علیه السلام و معاویه، تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام.
۱۱. _____ و رضا شکرانی (۱۳۹۲)، «رهاوردهای استفاده از روش تحلیل محتوا در فهم احادیث»، فصلنامه پژوهش های قرآن و حدیث، سال ۴۶، ش ۲.
۱۲. عترت دوست، محمد (۱۳۹۸)، «روش شناسی فهم حدیث در فرایند سه گانه تحلیل متن، تحلیل محتوا و تحلیل گفتمان»، دوفصلنامه علمی - پژوهشی حدیث پژوهی، سال ۱۱، ش ۲۱، ص ۲۹۱-۳۲۰.





۱۳. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰ق)، کتاب العین، قم: هجرت.
۱۴. فیض کاشانی، محسن (۱۳۸۷)، الرسائل، تهران: انتشارات مدرسه عالی شهید مطهری.
۱۵. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۸۵)، اصول کافی، ترجمه محمدباقر کمره‌ای، تهران: اسوه.
۱۶. کمیلی تخته‌جان، غلامحسین (۱۳۸۲)، شرح خطبه قاصعه امام علی (علیه السلام)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: محمدهادی معرفت، مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
۱۷. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، بحار الانوار الجامعة لدرر الاخبار الائمة الاطهار، بیروت: دار احیاء التراث الاسلامی.
۱۸. مصطفوی، حسن (۱۳۶۸)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۹. موسویان، طاهره (۱۳۹۳)، اعراب و بلاغت خطبه قاصعه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: محمدابراهیم خلیفه شوشتری، تهران: دانشگاه قرآن و حدیث.
۲۰. نراقی، احمد (۱۳۶۲)، معراج السعادة، مشهد: ندای اسلام.
۲۱. نراقی، مهدی (۱۳۶۶)، علم اخلاق اسلامی، ترجمه سید جلال‌الدین مجتبوی، تهران: حکمت.
۲۲. نوری، میرزا حسین (۱۴۰۸ق)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، بیروت: مؤسسه احیاء التراث.
۲۳. هاشمی خویی، میرزا حبیب‌الله (۱۳۶۴)، منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغه، تصحیح سید ابراهیم میانجی، تهران: مکتبه الاسلامیه.

چارچوبی برای حفظ امنیت و پیشگیری از نقض حریم خصوصی اطلاعات دیجیتال کاربران در صنعت دیجیتال پس از مرگ و مسائل اخلاقی آن

ناهید خوشیان*، سعید رضایی شریف آبادی**

چکیده

عصر دیجیتال با تکیه بر فناوری‌های اطلاعاتی فرصت حضور افراد و آثار آن‌ها را در اینترنت و شبکه‌های اجتماعی فراهم آورده است. حجم زیادی از فضای وب را اطلاعات کاربرانی اشغال کرده که از دنیا رفته‌اند. شرکت‌های استارت‌آپ تجاری با هدف کسب درآمد به کسب و کاری با عنوان صنعت زندگی دیجیتال پس از مرگ (DAI) روی آورده‌اند. هدف از این مقاله معرفی صنعت دیجیتال پس از مرگ و تبیین ضرورت تدوین چارچوب اخلاقی برای این صنعت است. روش پژوهش حاضر سندی یا کتابخانه‌ای و متکی به رویکرد تحلیل مفهومی است. بر اساس یافته‌های پژوهش، صنعت زندگی دیجیتال پس از مرگ، چهار دسته از خدمات پس از مرگ را در بر می‌گیرد: ۱- خدمات مدیریت اطلاعاتی ۲- خدمات پیام‌رسان پس

* دانشجوی دکتری بخش علم اطلاعات و دانش‌شناسی دانشگاه الزهراء، تهران، ایران.

nkhooshian@gmail.com

** استاد بخش علم اطلاعات و دانش‌شناسی دانشگاه الزهراء، تهران، ایران.

srezaei@alzahra.ac.ir

تاریخ تأیید: ۱۳۹۹/۰۳/۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۲/۲۱



از مرگ ۳- خدمات یادبود و گرامی داشت آنلاین ۴- خدمات خلق دوباره. حفظ یا حذف کاربران در فضای دیجیتال به سیاست‌ها و چارچوب اخلاقی ویژه‌ای نیاز دارد که این شرکت‌ها برای تضمین شأن و کرامت انسانی، حریم خصوصی و دیگر مسائل مرتبط اخلاقی باید این چارچوب‌ها را در نظر بگیرند. توسعه و رشد بقایای دیجیتال پس از مرگ در شبکه‌های اجتماعی مسائل و مشکلات اخلاقی پیچیده‌ای را پدید می‌آورد که به بررسی دقیق نیاز دارند.

کلیدواژه‌ها

صنعت دیجیتال پس از مرگ، شرکت‌های استارت‌آپ تجاری، زندگی پس از مرگ، چارچوب اخلاقی.

مقدمه

سرتاسر وب با اطلاعات کاربران متوفی اشغال شده است. هنگامی که کاربران فوت می‌کنند، حجم زیادی از اطلاعات آنلاین را از خود به جا می‌گذارند که به آن «بقایای دیجیتال» گفته می‌شود. میراث دیجیتالی افراد متوفی به بخشی از میراث دیجیتالی فرهنگی به اشتراک گذاشته شده در اینترنت تبدیل می‌گردد. این میراث نه تنها برای پژوهشگران امروز بلکه برای ارتقای دانش نسل‌های آینده نیز همچون اسناد و مدارکی باارزش سودمند خواهد بود (ohman & Watson, 2019). مسئله مهم این است که با اطلاعات کاربران متوفی چه باید کرد؟ حفظ یا حذف این کاربران به سیاست‌ها و اصول اخلاقی ویژه‌ای نیاز دارد که رعایت این اصول زمینه را برای رویارویی با مسائل مربوط به حفظ کاربران متوفی در فضای دیجیتال فراهم می‌کند. شمار پروفایل‌های کاربران متوفی در شبکه‌های اجتماعی از جمله فیس‌بوک در حال افزایش است (Little, 2018)؛ به نحوی که ممکن است در پایان قرن جاری، تعداد کاربران متوفی حتی بیشتر از تعداد کاربران زنده باشد. تحقیقات روان‌شناسی و



جامعه‌شناسی اثبات می‌کند که پروفایل کاربران متوفی شبکه‌های اجتماعی - به‌منزله سایت‌ها و مکان‌های برقراری تعاملات و ارتباطات قوی و برگزاری یادبود و گرامی‌داشت - از نظر اجتماعی نقش مهمی ایفا می‌کنند؛ تا جایی که ماه‌ها و حتی سال‌ها بعد از آنکه شخص می‌میرد، می‌توان وی را در فضای دیجیتال ردیابی کرد، مخاطب قرار داد و با او صحبت کرد (Stokes, 2014).

شرکت‌هایی مانند اِترنیم (Eternime) و رپلیکا (Replica) اکنون با کمک ربات‌های چت آنلاین (Chatbots)، بقایا و ردپای دیجیتالی (Digital footprint & Digital remnants) و آثار اطلاعاتی به‌جا مانده از کاربران متوفی، موجبات حضور آن‌ها را در فضای دیجیتالی فراهم می‌کنند. این کار، ادامه زندگی کاربران متوفی و تعامل آن‌ها با کاربران زنده را در فضای دیجیتال میسر می‌سازد. همچنین، فضایی را برای سوگواری و گرامی‌داشت و یادبود کاربران متوفی در دنیای الکترونیکی و آنلاین مهیا می‌کند. بعضی از شرکت‌های استارت‌آپ تجاری (Start-ups) با بهره‌گیری از روش‌های کسب درآمد از آثار و بقایای دیجیتال، از این فرصت استفاده می‌کنند؛ به گونه‌ای که آنلاین نگه‌داشتن پروفایل کاربران متوفی موجب کسب منافع اقتصادی برای این شرکت‌ها شده و استقبال زیاد از سرمایه‌گذاری در زمینه صنعت دیجیتال پس از مرگ را در پی داشته است. شرکت‌هایی مانند اتر ۹ (Eter9)، لایف‌نوت (Lifenaut) و اِترنیم قادرند در غیاب کاربر، یک موجودیت مجازی از وی منتشر سازند که به‌طور هوشمند توانایی تعامل و ارسال پیام به دیگران را دارد.

در واقع، این شرکت‌ها برای متوفی یک همتای دیجیتالی خلق می‌کنند که می‌تواند درست مانند زمانی که کاربر زنده بود، تعامل و ارتباط برقرار کند. این پدیده موجب جاودانگی دیجیتال (Digital Immortality) می‌شود. می‌توان گفت هدف از جاودانگی دیجیتال، حفظ دوام و پایداری آثار و اطلاعات ثبت‌شده، پس از مرگ کاربر است (Savin-Baden & Burden, 2018). صرف نظر از اینکه چنین



شرکت‌هایی در الگوی تجاری کسب و کار خود با یکدیگر تفاوت دارند، همه آن‌ها زیرمجموعه اصطلاح «صنعت زندگی دیجیتال پس از مرگ» (Digital afterlife industry) قرار می‌گیرند. دی‌ای‌آی (DAI) مانند چتری است که تمام شرکت‌هایی را که با اهداف تجاری‌سازی و کسب درآمد به دیجیتال‌سازی آثار و بقایای اطلاعاتی کاربران مرحوم در اینترنت می‌پردازند، در بر می‌گیرد (Ohman & Floridi, 2012) و چهار دسته از خدمات پس از مرگ را به شرح زیر ارائه می‌دهد: ۱- خدمات مدیریت اطلاعاتی (Information Management Services)؛ ۲- خدمات پیام‌رسان پس از مرگ (Online Memorial Services)؛ ۳- خدمات یادبود و گرامی‌داشت آنلاین (Posthumous Messaging Services)؛ ۴- خدمات خلق دوباره (Recreation Services).

توسعه این چهار دسته خدمات موجب ایجاد یک هویت جدید به نام «هویت دیجیتالی» برای متوفی می‌گردد. روش‌های دیجیتال‌سازی هویت پس از مرگ اساساً با ارائه دو نوع از این خدمات، یعنی پیام‌رسانی پس از مرگ و خدمات ایجاد یا خلق دوباره، حاصل می‌گردد. دیجیتال‌سازی هویت در فضای مجازی موجب توسعه یک هویت جاودانه آنلاین می‌شود. بنابراین، علیرغم از بین رفتن کالبد و هویت فیزیکی، هویت دیجیتالی به کاربران متوفی وجودی جاودانه و ماندگار می‌دهد. در واقع، فناوری هوش مصنوعی، هویت فردی آفلاین کاربران را به سوی هویتی که کاملاً آنلاین شکل گرفته است، هدایت می‌کند.

بر این اساس، هنگامی که کاربر دارای پروفایل فوت می‌کند، نشانه یادبود در بالای پروفایل شخصی وی یادداشت و بدین وسیله، حساب کاربری او امن می‌گردد. اعضای خانواده و بستگان متوفی می‌توانند درخواست کنند که پروفایل متوفی حذف شود. در غیر این صورت، شرکت‌های تجاری بر اساس سیاست‌ها و اصول اخلاقی منسجم می‌توانند پروفایل را حذف کنند یا نگه‌دارند (Boeters, 2018, Bläser, Brown & Baroud).





۱- خدمات مدیریت اطلاعات:

چنین خدماتی به کاربران کمک می‌کند تا بتواند دربارهٔ مسائلی نظیر مدیریت میراث دیجیتالی پس از فوت خود یا دیگران تصمیم بگیرند. برای تضمین اطمینان کاربران از اینکه آثار دیجیتالی آن‌ها پس از مرگشان انتقال می‌یابد و از بین نمی‌رود، این خدمات به وسیلهٔ شرکت‌های تجاری و استارت‌آپ نوپا ارائه می‌گردد (Ohman & Floridi, 2017).

این شرکت‌ها، قبل از مرگ کاربران، از آنان یا خانواده‌هایشان هزینه‌ای می‌گیرند تا در فضای دیجیتال برای آن‌ها پروفایل‌هایی ایجاد کنند. این پروفایل‌ها حاوی آثار و اطلاعات و دارایی‌های دیجیتالی کاربران متوفی است. با اینکه بسیاری از شرکت‌های استارت‌آپ در زمینهٔ خدمات مدیریت اطلاعات مربوط به صنعت دیجیتال پس از مرگ منسوخ گردیده‌اند، گوگل در آوریل ۲۰۱۳ خدماتی را با عنوان «مدیر حساب غیرفعال» (Inactive Account Manager) ارائه کرده که موجب استمرار زندگی کاربران متوفی در فضای دیجیتال می‌شود. نتایج سرمایه‌گذاری در این صنعت نشان می‌دهد که کسب و کار در این زمینه پررونق است.

۲- خدمات پیام‌رسان پس از مرگ:

در این نوع خدمات، یک ایمیل از طرف متوفی برای خانواده و وابستگان او ارسال می‌گردد. اگر این پیام بی‌پاسخ بماند، تعدادی پیام و ایمیل یا برخی از اشکال محتوای دیجیتالی هم از پروفایل متوفی برای بعضی از کاربران که از قبل مشخص شده‌اند (خانواده، دوستان و کسانی که متوفی در زمان حیات با آن‌ها ارتباط داشته است) فرستاده می‌شود. البته فقط ارسال یک یا دو پیام رایگان است. این خدمات، سالانه و در ازای پرداخت حق بیمه ارائه می‌گردد.

۳- خدمات یادبود آنلاین:

تأکید این خدمات بر افراد داغدیده و سوگوار است و یک فضای آنلاین را برای گرد هم آوردن وابستگان متوفی فراهم می‌کند. بدین ترتیب، شیوه و گستره سوگواری و بزرگداشت متوفی، از شکل سنتی به آنلاین و از سطح محلی به سطح جهانی تغییر یافته است. مواردی مانند عکس‌ها، فیلم‌ها و دیگر اشکال محتوایی که از دارایی دیجیتال کاربر متوفی بوده و میراث دیجیتالی وزین و باارزشی است، در این فضا قرار می‌گیرد. هدف از سوگواری و یادبود، تهیه یک زندگی‌نامه ماندگار از کاربر متوفی است که به بازماندگان این امکان را می‌دهد که یک مکان ایمن و پایدار را برای درگذشتگان خود فراهم آورند. یادبود دیجیتالی فعالیتی است که از جاودانگی دیجیتال و میراث دیجیتالی برای ارائه خدمات خاص یادبود بهره می‌برد (Savin-Baden & Burden, 2018).

اکنون فیس‌بوک میزبانی بیشتر یادبودهای آنلاین را به‌طور رایگان بر عهده دارد و با وجود مطالبات بعضی از شرکت‌ها، هیچ هزینه‌ای دریافت نمی‌کند. پروبایر و همکارانش دریافته‌اند که سایت‌های شبکه‌های اجتماعی (Social networking sites (SNSs)) مانند فیس‌بوک نه تنها بایگانی کاربران متوفی به‌شمار می‌آیند، بلکه به‌منزله فضاهایی اجتماعی برای افراد سوگوار محسوب می‌شوند و بدین ترتیب، افزون بر سوگواری برای متوفی موجب پیوند و همبستگی افراد در گرامی‌داشت و یادبود شخص مرحوم می‌شوند (Brubaker, Hayes & Dourish, 2013).

فیس‌بوک، از سال ۲۰۰۹، گزینه‌ای را طراحی کرده تا افراد سوگوار بتوانند برای نگهداری یا حذف کامل پروفایل و حساب کاربری متوفی تصمیم بگیرند. حفظ و گرامی‌داشت این حساب کاربری مستلزم ارسال یک فرم آنلاین، شامل ایجاد پیوند به آگهی درگذشت و اعلان فوت یا دیگر اشکال اثبات مرگ کاربر متوفی است. برای حذف کامل حساب کاربری متوفی نیز بازماندگان باید گواهی تولد و مرگ او





را ارسال کنند و برای مدیریت دارایی‌های دیجیتال او مجوز قانونی داشته باشند. البته چنانچه وابستگان متوفی به اطلاعات ورودی مرحوم دسترسی داشته باشند، روند حذف حساب کاربری بسیار ساده‌تر می‌شود (Wright, 2014).

۴- خدمات ایجاد دوباره از اطلاعات شخصی:

از این خدمات برای تولید محتوای جدید درباره رفتار اجتماعی اشخاص مرحوم استفاده می‌شود و به نوعی بازسازی رفتار اجتماعی متوفی به کمک داده‌های شخصی او در زمان حیات است. ایجاد یک نسخه مجازی از کاربر (که در غیاب وی فعال است) به وسیله ربات‌های چت مانند برنامه‌هایی که پیام‌های جدیدی را بر اساس داده‌های گذشته ایجاد می‌کنند و نیز فناوری هوش مصنوعی انجام می‌گیرد (Ohman & Floridi, 2017).

همان گونه که گفته شد، شرکت‌های تجاری به ارائه این چهار دسته از خدمات می‌پردازند. شماری از این شرکت‌ها خدمات خود را رایگان ارائه می‌دهند و بعضی از آن‌ها در ازای گرفتن هزینه، میراث و بقایای دیجیتالی متوفی را به اشتراک می‌گذارند و از این طریق سود می‌کنند. این خدمات در واقع، نسخه و جایگزین دیجیتالی شخص متوفی است که کاربران را جذب می‌کند و برای شرکت‌ها سودآور است؛ به بیان دیگر، تصاویر و بازنمودهای دیجیتالی ما به منزله نمایندگان ما و اشیای فیزیکی هستند.

لذا با وجود این واقعیت که هنوز ممکن است مصنوعات و تصاویر و نامه‌ها را داشته باشیم، تولید و تجربه و به اشتراک گذاری آن‌ها به طور معنی‌داری تغییر کرده است. می‌توان گفت این دارایی‌ها به منزله میراث دیجیتال برای کمک به وراثت و کارگزاران متوفی شناخته می‌شوند. کانر، دارایی‌های دیجیتالی را شامل همه فایل‌های دیجیتالی در رایانه شخصی، به علاوه حساب‌های کاربری آنلاین و عضویت در آن‌ها می‌داند (Connor, 210). کارول و رومانو، ادعا می‌کنند که این آثار و

مصنوعات دیجیتالی، بخشی از یک مجموعه شخصی در حال رشد است که حاوی اطلاعات کافی برای تفسیر زندگی ماست (Carroll & Romano, 2011).

سئوالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که آیا نگه‌داشتن پروفایل متوفیان صرفاً در صورت دریافت هزینه و کسب درآمد قابل توجه است؟ در پاسخ به این پرسش باید گفت در غیر این صورت با چیزی شبیه قبرستان دیجیتالی روبرو می‌شویم که پروفایل و میراث دیجیتالی همه افراد متوفی بدون پرداخت هزینه و بدون هیچ گونه ملاک و معیاری در آن جمع می‌شود. پرسش دیگر این است که چنانچه بخواهیم برخی از پروفایل‌ها را حذف کنیم، فرایند انتخاب باید چگونه باشد؟ آیا می‌توان بدون در نظر گرفتن هیچ معیاری پروفایلی را حذف کرد یا اینکه باید پروفایل‌ها را اولویت‌بندی کرد و سپس برای حفظ یا حذف آن‌ها تصمیم گرفت؟ این گونه مسائل، نگرانی‌ها را درباره رعایت اصول اخلاقی مربوط به حضور در فضای دیجیتالی افزایش داده است.

با توجه به نکات گفته شده و نگرانی‌هایی که در زمینه حفظ میراث دیجیتالی پس از مرگ وجود دارد، باید بدانیم که حفظ یا حذف آثار و میراث اطلاعاتی افراد پس از مرگشان در فضای دیجیتال تابع اصول و قواعد اخلاقی است؛ به بیان دیگر، حفظ یا حذف میراث اطلاعاتی افراد با کسب اجازه از خود آن‌ها (قبل از فوتشان) یا نزدیکان و وابستگان‌شان صورت می‌گیرد. در غیر این صورت، دستکاری پروفایل اطلاعاتی کاربران، بدون کسب مجوز، نقض حریم خصوصی محسوب می‌شود و امنیت اطلاعات آنان را به خطر می‌اندازد. بنابراین، نگهداری از میراث اطلاعاتی متوفیان در صنعت دیجیتال پس از مرگ مستلزم چارچوب‌های اخلاقی است تا امنیت اطلاعات کاربران و حریم خصوصی آن‌ها حفظ شود. بنا بر اهمیت این موضوع، مسئله پژوهش حاضر ارائه چارچوبی اخلاقی برای حفظ میراث اطلاعاتی افراد در صنعت دیجیتال پس از مرگ است؛ به گونه‌ای که امنیت اطلاعات کاربران تضمین و از اطلاعات شخصی آن‌ها حمایت شود و از ارتکاب جرم علیه حریم خصوصی افراد پیشگیری شود.



اهمیت و ضرورت پژوهش

تاکنون تلاش‌های اندکی برای تدوین اصول اخلاقی در زمینه حفظ میراث دیجیتالی افراد پس از مرگ آنها انجام شده است. اهمیت و ضرورت ایجاد چارچوب و اصول اخلاقی برای نگهداری از این میراث نشان می‌دهد که میراث دیجیتالی باید به منزله بقایایی از بدن آلی انسان در نظر گرفته شود. البته این بقایا غیرآلی و از جنس اطلاعات است و در واقع، شخصیت فرد متوفی را شکل می‌دهد. این دیدگاه با قوانین اتحادیه اروپا مطابقت دارد؛ قوانینی که توصیه می‌کنند از الگوهای تجاری شرکت‌هایی بهره بگیریم که استفاده از بقایای انسان ارگانیک یا انسان آلی را (که همان میراث اطلاعاتی و دیجیتالی وی است)، ترویج می‌کنند. در این راستا، الگوی خوبی از سوی موزه‌های باستان‌شناسی و پزشکی ارائه گردیده است. این موزه‌ها بقایایی از بدن آلی و اشیایی را که شبیه میراث دیجیتالی هستند، حفظ و نگهداری می‌کنند.

این اشیا به مجموعه‌هایی دیجیتالی تبدیل می‌شوند و به‌طور آنلاین در دسترس قرار می‌گیرند. نگرانی‌های اخلاقی این موزه‌ها همانند نگرانی‌های صنعت زندگی دیجیتال پس از مرگ است. لذا شرکت‌های تجاری ارائه دهنده خدمات دیجیتال پس از مرگ نیز باید از اصول اخلاقی و باید‌ها و نبایدهایی که در موزه‌های باستان‌شناسی رعایت می‌شود، پیروی کنند.

تدوین اصول اخلاقی از سوی شورای بین‌المللی موزه‌ها (ICOM) کوششی است برای ارائه یک چارچوب قانونی و رفع نگرانی‌های اخلاقی موزه‌ها. این چارچوب، آشکارا تأکید می‌کند که بقایای انسانی (اشیا و آثار دیجیتالی) باید در تطابق با حفظ شأن و کرامت انسانی سازماندهی و استفاده شوند و صرفاً ابزاری برای کسب سود و اهداف تجاری قلمداد نگردند. مفهوم کرامت یا شأن انسانی، پیوند مستقیمی با حوزه حریم خصوصی اطلاعات دارد. از نظر اخلاقی، موضوع حفظ شأن و کرامت انسانی در گرو آن است که به میراث و آثار و اشیای دیجیتالی مانند جسد اطلاعاتی متوفی



نگریسته شود. این جسد تنها وسیله‌ای برای پایان دادن به بهره‌مندی و زندگی نیست، بلکه به‌مثابه یک موجودیت، دارای ارزش ذاتی است. برای تجزیه و تحلیل دقیق‌تر باید با بدن غیرآلی با احترام رفتار گردد؛ صرف نظر از اینکه این کالبد متعلق به شخص مرده یا زنده است. این امر به‌صراحت در اصول اخلاقی ICOM بیان شده است. بر پایه این اصول اخلاقی، تمام جنبه‌های سرمایه‌گذاری تجاری باید با نظر به ارزش ذاتی شیء اصلی ایجاد گردد. شرکت‌های تجاری ارائه‌دهنده خدمات صنعت زندگی دیجیتال پس از مرگ نیز مشابه موزه‌ها به رعایت برخی اصول اخلاقی مانند پرهیز از سخنان توهین‌آمیز در فضای دیجیتال و بهره‌برداری تجاری از پروفایل‌های یادبود ملزم می‌باشند.

منافع اقتصادی این شرکت‌ها باید در راستای رعایت اصول اخلاقی در زمینه میراث و دارای‌های دیجیتال باشد (Ohman & Floridi, 2017)، به‌ویژه که مهم‌ترین نگرانی اخلاقی در زمینه زندگی دیجیتال پس از مرگ، «دروغ» است؛ بدین مفهوم که وقتی چت‌بات‌ها یا ربات‌های چت بهبود می‌یابند و به روز می‌گردند، تصویری که از شخص ترسیم می‌کنند، طی زمان (حتی در عرض پنج سال پس از مرگ کاربر) کاملاً تغییر می‌کند، به نحوی که کاربران هنگام تعامل با شخص متوفی احساس می‌کنند شخصیت او کاملاً تغییر یافته و دگرگون شده است. احتمال دارد که چت‌بات‌ها از زمانی که افراد ثبت‌نام کرده‌اند تا زمان مرگ آن‌ها، پیچیده‌تر شده باشند و لذا تصویری پیچیده و متفاوت با شخصیت واقعی متوفیان ارائه دهند.

این امر نقض اصول اخلاقی است و نگرانی‌های زیادی را پدید آورده است. همچنین، نکته قابل تأمل این است که با اینکه تلاش‌های زیادی در زمینه صنعت دیجیتال پس از مرگ انجام شده و ربات‌های چت در تقلید از کاربران و رفتار اجتماعی آن‌ها خوب عمل کرده‌اند، هنوز جایگزین‌های رضایت‌بخشی برای افراد واقعی محسوب نمی‌شوند. با توجه به این نگرانی‌های اخلاقی، حداقل توقع از





شرکت‌های تجاری این است که موارد زیر را برای استفاده کنندگان این خدمات تضمین کنند:

۱- کاربران از اینکه داده‌های آن‌ها پس از مرگشان چگونه نمایش داده می‌شود، مطلع گردند.

۲- کاربران اطمینان حاصل کنند که تصاویر ارائه شده از متوفیان همان تصاویری است که ربات‌ها هنگام ثبت نام از آن‌ها جمع‌آوری کرده‌اند.

۳- کاربران اطمینان حاصل کنند که ربات‌های چت فقط داده‌هایی را که به متوفی وابسته به آن‌ها تعلق دارد گردآوری می‌کنند. همچنین، فقط خانواده و دوستان و وابستگان متوفی حق گردآوری داده‌ها و آثار دیجیتالی او و استفاده از آن‌ها را داشته باشند.

فناوری هوش مصنوعی از طریق ربات‌های چت موجب افزایش سئوالات جدی و مهمی در زمینه رعایت اصول اخلاقی می‌گردد و مسائل اخلاقی را پیش روی سیاست‌گذاران قرار می‌دهد.

سئوالی که مطرح می‌شود این است که آیا همان‌گونه که بابن (Buben, 2015) هشدار می‌دهد، این فناوری‌ها شکلی از بهره‌کشی و استثمار متوفی هستند؟ آیا آن‌ها حقوق زندگی یا مرگ را زیر پا می‌گذارند؟ آیا این فنون فقط برای یادبود و گرامی‌داشت متوفی به کار گرفته می‌شوند یا در صدد ایجاد جایگزین برای متوفی هستند؟ درباره اهمیت و ضرورت ایجاد چارچوب اخلاقی برای محافظت از اطلاعات و میراث دیجیتالی کاربران باید گفت دسترسی به اطلاعات و پروفایل کاربران به‌طور نامحدود و بدون توافق با آنان، تجاوز به حریم خصوصی محسوب می‌گردد.

افراد سودجو بدون کسب اجازه از کاربران وارد حریم خصوصی آن‌ها در فضای دیجیتال می‌شوند و برخلاف اصول انسانی و اخلاقی، از اطلاعات آن‌ها برای تحقق اهداف خود بهره می‌برند؛ برای مثال، هک کردن پروفایل شخصی افراد و دانلود و

انتشار اطلاعات در فضای دیجیتال به نام خود، نقض حقوق مالکیت فکری و معنوی پدیدآوران این اطلاعات و آثار است و به نوعی سرقت علمی و ادبی شمرده می‌شود که خلاف شئون اخلاقی است. بنابراین، تدوین یک چارچوب اخلاقی جامع و منسجم و توسعه و پویاسازی آن برای پشتیبانی از امنیت اطلاعاتی کاربران و میراث فکری و دیجیتال آنها که سرمایه فکری و اجتماعی جامعه محسوب می‌شود و نیز پیشگیری از ارتکاب جرایم علیه حریم خصوصی آنها بسیار مهم است.

پیشینه پژوهش

بررسی‌ها نشان داد هیچ‌گونه پیشینه تحقیقی فارسی درباره صنعت دیجیتال زندگی پس از مرگ و مسائل اخلاقی آن و جاودانگی شخص و آثار و اطلاعاتش در فضای دیجیتال وجود ندارد. در این باره فقط چند منبع لاتین وجود دارد که به سه مورد از مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود:

اُهمَن و واتسن (۲۰۱۹)، در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که تا چند دهه دیگر تعداد پروفایل‌های مرده در فیس‌بوک بسیار افزایش خواهد یافت و احتمال اینکه متوفیان آنلاین غیرقابل شمارش باشند، باورپذیر است. بر این اساس، آنها در آینده طرحی را برای محافظت از انبوه پروفایل‌های متعلق به کاربران مرده فیس‌بوک پایه‌ریزی می‌کنند. این دو پژوهشگر، ضمن بیان مسائل ناشی از تغییر و اصلاح پروفایل افراد متوفی، استدلال می‌کنند که رویکرد تجاری منحصر به فرد برای حفظ داده‌های کاربران پس از مرگ، مخاطرات مهم اخلاقی و سیاسی را در پی دارد که باید فوراً بررسی شود.

لذا آنها برای محافظت از پروفایل متوفیان، در پی یک الگو و چارچوب مقیاس‌پذیر و پایدار هستند. چنین رویکردی به مشارکت فعالانه سرمایه‌گذاران و ذینفعان متعددی نیاز دارد که این چارچوب و الگو، علایق و منافع آنها را در بر بگیرد. میراث دیجیتال افراد متوفی به بخشی از میراث دیجیتال فرهنگی به اشتراک



گذاشته شده در اینترنت تبدیل می گردد که برای پژوهشگران و نسل های آینده به منزله اسنادی برای ارتقای دانش ذهنی مفید خواهد بود.

اُهمَن و فلوریدی (۲۰۱۸)، با بیان اینکه وب به طور فزاینده ای با بقایای دیجیتالی کاربرانی که وب را ترک می کنند و می میرند، به فعالیت و زیستن خود ادامه می دهد، این پدیده را صنعت زندگی دیجیتالی پس از مرگ نامیده و تأکید می کنند که این صنعت برای مقابله با پیامدهای اخلاقی خود به چارچوبی نیاز دارد. به گفته آن ها، معاهدات و نشست هایی که نمایشگاه های باستان شناسی را هدایت و سرپرستی می کنند و بر آن ها نظارت دارند، می توانند مبنای چنین چارچوبی را برای محافظت از آثار و میراث دیجیتالی افراد متوفی فراهم کنند. همچنین، آن ها توسعه یک چارچوب قانونی و تصویب شده را برای تضمین شأن و کرامت انسانی کسانی که در فضای آنلاین دوباره از آنان یاد می شود، ضروری و مهم می دانند.

اُهمَن و فلوریدی، در پژوهشی دیگر (۲۰۱۷)، گفته اند که فناوری های آنلاین موجب می شوند مقادیر زیادی از داده ها، تولید کنندگان خود را آنلاین و زنده نگه دارند و از این طریق، شکل دیجیتالی جدیدی از حضور پس از مرگ ایجاد می شود. محققان، مطالعاتی را درباره ماهیت چنین حضوری آغاز کرده اند، اما این پژوهش ها تاکنون نتوانسته اند نقش منافع تجاری را در شکل دادن به حضور پس از مرگ تصدیق کنند.

به گفته اُهمَن و فلوریدی، این هدف در سه مرحله دنبال می شود: اول، مفهوم صنعت دیجیتال پس از مرگ معرفی می شود؛ دوم، منافع اقتصادی - سیاسی صنعت دیجیتال پس از مرگ شناسایی و مشخص می گردد. بدین منظور، یک رویکرد تحلیلی مبتنی بر تفسیر اطلاعاتی درباره اقتصاد مارکسیستی توسعه داده می شود؛ و در آخر، مظاهر عملی منافع اقتصادی - سیاسی صنعت دیجیتال پس از مرگ با استفاده از ارائه چهار مورد خدمات زندگی پس از مرگ در فضای دیجیتال به طور واقعی تشریح می گردد. یافته های این پژوهش انگیزه صنعت دیجیتال پس از مرگ را برای



تغییر آنچه در متون گوناگون با عنوان اجساد و بقایای اطلاعاتی مردگان به آن اشاره شده است، تقویت می‌کند. البته این تغییر به نوبه خود نقض اصل کرامت انسانی تلقی می‌شود. برای جلوگیری از چنین عواقبی، این پژوهشگران تأکید می‌کنند که معاهدات و همایش‌ها و نشست‌های اخلاقی که بر تجارت با بقایای بدن‌های ارگانیک نظارت می‌کنند، می‌توانند الگوی مناسبی برای تنظیم صنعت زندگی دیجیتال پس از مرگ باشند.

هدف پژوهش

بررسی اصول اخلاقی برای حفظ میراث اطلاعاتی و حریم خصوصی کاربران در صنعت دیجیتال پس از مرگ.

سؤالات پژوهش

- ۱- آیا بازسازی هویت آنلاین متوفی به نظارت و مقررات نیاز دارد؟
- ۲- چه کسی حق دارد تعیین کند که بقایای دیجیتالی در چه شرایطی و برای چه مدت زمانی باید با این روش‌ها به کار گرفته شوند؟
- ۳- آیا بازماندگان متوفی یا دیگر احزاب و اشخاص علاقه‌مند (Interested parties) به این موضوع باید قدرت نظارت بر حق و تو (Veto) و تعیین استفاده یا منع استفاده از این منابع آنلاین را داشته باشند و اگر چنین است، در چه شرایطی می‌توانند این موارد را اعمال کنند؟
- ۴- چه مواد و منابعی باید برای چنین اهدافی در دسترس باشند و چه کسی مالکیت این مواد و منابع را با این شرایط بر عهده دارد؟



روش‌شناسی پژوهش

روش پژوهش حاضر سندی یا کتابخانه‌ای و متکی بر رویکرد تحلیل مفهومی است. برای بررسی و تحلیل این موضوع، ابتدا مقالاتی که در این زمینه وجود داشت، بررسی شد. البته به دلیل نو بودن موضوع (فلوریدی آن را در سال ۲۰۱۷ مطرح کرد) تعداد این مقالات بسیار کم بود. سپس، مقالات جمع‌بندی و نتایج حاصل از روش تحلیل مفهومی آن‌ها ارائه گردید.

مسائل اخلاقی در صنعت دیجیتال پس از مرگ

در پاسخ به سئوالات پژوهش باید گفت بر اساس تحلیل مقالات، برای جلوگیری از نقض اصول اخلاقی در بازسازی آنلاین شخصیت متوفی، اعمال نظارت و مقررات ضرورت دارد. فقط شرکت‌های استارت‌آپ تجاری و خانواده و وابستگان مرحوم حق دارند تعیین کنند که از پروفایل و بقایای دیجیتالی متوفی در چه شرایطی، برای چه مدتی و توسط چه کسانی بهره‌برداری گردد.

شرکت‌های تجاری باید سیاست‌هایی را برای تصمیم‌گیری درباره حفظ یا حذف پروفایل‌های یادبود اعمال کنند. بر اساس این سیاست‌های از پیش تعیین شده، شرکت‌ها و خانواده متوفی می‌توانند برای حفظ یا حذف پروفایل‌ها اقدام کنند. در نهایت، اینکه چه مواد و منابعی باید برای چنین اهدافی در دسترس باشد و چه کسی مالکیت این مواد و منابع را بر عهده بگیرد نیز موضوعی است که شرکت‌های تجاری و خانواده و وابستگان متوفی باید آن را تعیین کنند. موضوع بحث‌انگیز دیگر این است که چه استفاده‌هایی (برای نمونه در بازسازی شخص متوفی با اهداف نژادپرستی، تبعیض جنسی، پورنوگرافی و مستهجن‌نگاری یا دیگر ساختارها و زمینه‌های آسیب‌زا) باید از این فناوری مجاز دانسته شود، به شکل قاعده‌مند و تحت نظارت درآید، تهیه و تنظیم شود یا ممنوع گردد (Stokes, 2014).



یکی دیگر از مسائل دربارهٔ صنعت دیجیتال زندگی پس از مرگ، مدت زمان دوام پروفایل افراد در شبکه‌های اجتماعی است؛ برای مثال طبق برآورد محققان، دوام پروفایل متوفیان در فیس‌بوک نزدیک به پنجاه سال است. این امکان وجود دارد که شبکه‌های اجتماعی، از جمله فیس‌بوک، در آینده به‌طور غیرمنتظره ورشکست شوند و این مسئله، وضعیت را بحرانی‌تر می‌سازد؛ زیرا شرکت مجبور می‌شود اطلاعات کاربران خود را بفروشد یا حذف کند.

نکته قابل تأمل این است که طول عمر سایت‌های رسانه‌های اجتماعی به توانایی آن‌ها در تکامل بستگی دارد و با وجود موفقیت‌های اخیر آن‌ها هنوز مطمئن نیستیم که در آینده نیز بتوانند این کار را انجام دهند و مدیریت جامعی بر پروفایل‌های افراد متوفی داشته باشند. از سوی دیگر، به گفتهٔ محققان، فناوری‌های جدید رایانه‌ای هنوز برای تشخیص مرگ حتمی کاربران به گونه‌ای کارا و مؤثر طراحی نشده‌اند (Massimi & Charise, 2009). همچنین، اطلاعات دیجیتال گاهی شکننده به نظر می‌رسند؛ بدین معنا که قالب فایل‌ها تغییر می‌کند، سخت‌افزارها باید روزآمد گردند و داده‌ها برای آنکه ماندگار و سودمند باشند باید مرتب به‌روزرسانی و سازماندهی شوند. این شکنندگی موجب می‌شود در آینده تضمینی برای دسترسی به اطلاعات دیجیتالی وجود نداشته باشد.

به‌طور کلی، رفع این نگرانی‌های اخلاقی نیازمند تحقیقات دقیق و گفتگوهای کارشناسانه بین سیاست‌گذاران، سرمایه‌گذاران، ذینفعان و متخصصان است. بدین منظور، توسعهٔ یک چارچوب قانونی تصویب‌شده برای دسترسی جهانی به میراث دیجیتال و تضمین شأن و کرامت انسانی کسانی که پس از مرگ دوباره در فضای آنلاین زندگی می‌کنند، از آن‌ها یاد می‌شود و با کاربران تعامل دارند، بسیار مهم است. این چارچوب موجب برطرف شدن نگرانی‌های اخلاقی دربارهٔ زندگی پس از مرگ در فضای دیجیتال گردیده، حفظ حقوق معنوی و حریم خصوصی متوفی را تضمین می‌کند.



فلوریدی و اُهمن، در مؤسسه اینترنتی آکسفورد، یک چارچوب اخلاقی برای صنعت دیجیتال پس از مرگ ارائه دادند. بر اساس یافته‌های آن‌ها، این چارچوب باید از مقررات اخلاقی موزه‌ها و قواعد استفاده تجاری از بقایای آلی انسان پیروی کند. کارل اُهمن در این باره می‌گوید: اشیای نمایشگاه‌های پزشکی و باستان‌شناسی مانند استخوان‌ها و اجزای بدن آلی بسیار شبیه به بقایا و آثار دیجیتالی انسان‌ها هستند. همان‌گونه که نمایشگاه‌ها، به‌طور روزافزون، به‌شکل دیجیتالی و آنلاین در دسترس قرار می‌گیرند، به نظر می‌رسد نگرانی‌های اخلاقی در این زمینه نیز به‌طور فزاینده‌ای با نگرانی‌های صنعت زندگی دیجیتال پس از مرگ ادغام گردد (Little, 2018; Ohman & Floridi, 2018).

اصول اخلاقی برای زندگی دیجیتال پس از مرگ

همان‌طور که می‌خواهیم با استفاده از خدمات پس از مرگ و فناوری هوش مصنوعی کاری کنیم که هر کس امکان جاودانه شدن را داشته باشد، باید حقوق مربوط به امنیت و مصونیت داده‌ها را نیز رعایت کنیم. حق امنیت و حق دسترس - پذیری دو مسئله اساسی هستند که نباید از آن‌ها غفلت کرد. با کمک خدمات دیجیتال پس از مرگ، افراد می‌توانند نمایش و بازنمون شخصی تاریخچه مربوط به خود را به سیستم ارائه دهند. اخلاق‌گرایان استدلال می‌کنند که آثار و بقایای دیجیتالی ما پس از مرگ، درست همان کرامت و شأن کالبد فیزیکی ما را دارد و حفظ آثار دیجیتالی باید در تطابق با شأن، عزت نفس و کرامت انسانی صورت گیرد؛ بدین مفهوم که با بقایای دیجیتالی باید مانند بقایای انسانی رفتار شود (Boeters, 2018; Bläser, Brown & Baroud).

بنابراین، تغییر و دستکاری در بقایای دیجیتالی افراد کرامت انسانی را نقض می‌کند. مسائل و مشکلاتی که در حفظ حریم خصوصی و مالکیت محتوای آنلاین وجود دارند، در حوزه حساب‌های کاربری و پروفایل‌های متوفیان بغرنج و پیچیده‌تر



می‌شوند؛ برای مثال، در وبلاگ‌ها که نوع دیگری از حساب‌های کاربری آنلاین هستند، مسائل اخلاقی مربوط به مالکیت و حریم خصوصی پیچیده می‌شود. کانر (۲۰۱۰) در این باره می‌گوید زمانی که دارنده حساب کاربری وبلاگ فوت می‌کند، محتوای وبلاگ وی در معرض سرقت قرار می‌گیرد و عموماً تنها راه جلوگیری از این آسیب، کنار زدن و حذف محتواست.

البته این امر فقط در صورتی امکان‌پذیر است که علاوه بر دسترسی اعضای خانواده متوفی (یا وراث دارایی دیجیتال) او) به جزییات ورود به سیستم (Log in details)، خواسته خود متوفیان درباره اینکه آیا تمایلی به آنلاین ماندن وبلاگ خود دارند یا خیر، در نظر گرفته شود. معمولاً حریم خصوصی صاحب حساب عامل مهمی است که افشای اطلاعات را تحت تأثیر قرار می‌دهد، اما بر مبنای مشاهدات حقوق حریم خصوصی عموماً این تأثیر با مرگ کاربر متوقف می‌شود. از سوی دیگر، واگذاری حق ورود به اطلاعات حساب کاربری به وابستگان و آشنایان مرحوم موجب می‌شود سیاست‌های حساب کاربری تا اندازه زیادی نادیده گرفته شود. با وجود این، حتی اگر وابستگان متوفی به حساب کاربری آنلاین وی دسترسی داشته باشند، همچنان سئوالاتی درباره اثبات وجود حق قانونی برای استفاده از نام کاربری، کلمه عبور و نوع مالکیت دسترسی به حساب‌های کاربری وجود دارد. آیزنبرگ، در نشریه نیویورک تایمز، مقاله‌ای درباره اهمیت ایجاد مقرراتی برای دارایی‌های دیجیتال به چاپ رسانده است (Eisenberg, 2013).

او در این مقاله به شرح و معرفی بعضی از خدمات قابل دسترس، مسائل مربوط به طراحی واسط کاربری، خط‌مشی‌هایی برای مدیریت حساب‌های کاربری آنلاین، رمز عبور و مسائل مربوط به حریم خصوصی و مالکیت مربوط به آن‌ها پرداخته است. کالیم نیز در مقاله خود درباره گستره رو به رشد شرکت‌های استارت‌آپ آنلاین (Online startups) که هدفشان کمک به کاربران برای مدیریت اموال دیجیتالشان است، بحث می‌کند (Kaleem's, 2013).





یکی دیگر از مسائل نگران کننده درباره بقایای دیجیتال، رفتارهای اجتماعی کاربران زنده در سایت‌های یادبود و گرامی‌داشت آنلاین است. این سایت‌ها فضایی برای فعالیت کسانی است که پست‌ها، پیام‌ها و یادداشت‌های فریبکارانه و توهین آمیز درباره متوفی ارسال می‌کنند. ممکن است این افراد تا آنجا پیش بروند که صفحات گرامی‌داشت و یادبود جعلی برای متوفی ایجاد کنند یا حتی از روی دشمنی و تنفر، در این صفحات جعلی، بی‌پرده شخص متوفی را استهزا کنند.

این کار به جذب سوگواران مرحوم منجر می‌شود و آن‌ها را به نظارت بر فضای یادبود و سوگواری دیجیتالی رهنمون می‌سازد. ویتنی، چنین رفتارهای اجتماعی ناپسند درباره سایت‌های یادبود و گرامی‌داشت آنلاین را ترولینگ (Trolling) - به معنی هرزه‌گری و کلاه‌برداری - می‌نامد و بیان می‌دارد که این افراد شرور برای فعالیت غیراخلاقی خود عمدتاً از اسامی مستعار استفاده می‌کنند (Whitney, 2011). این فعالیت‌ها دردسرساز و مشکل‌آفرین است و موجب آسیب‌ها و خسارات عاطفی بسیاری می‌گردد.

بنابراین، ضرورت دارد شرکت‌های تجاری و خانواده و دوستان متوفی برای پیشگیری از فعالیت‌هایی مانند هرزه‌گری، کلاه‌برداری و بی‌پروایی اخلاقی و برای حفظ حریم شخصی و خصوصی متوفی و رعایت اصول اخلاقی سوگواری و یادبود، به مدیریت احساسات، افکار، عقاید و باورهای متوفی اهمیت بدهند. ممکن است آن‌ها احساس کنند پاسخ دادن به پست‌ها و یادداشت‌های آسیب‌رسان و مزاحم و نظر دادن درباره آن‌ها برای حمایت و پاسداری از احساسات و عقاید و افکار شخص متوفی، مسئولیت سنگینی است.

گاهی افراد داغ‌دیده احساس می‌کنند که مدیریت صفحات یادبود و گرامی‌داشت بسیار سخت و ناامیدکننده است (Wright, 2014). در ادامه سه خطر را که خدمات دیجیتال پس از مرگ را تهدید می‌کنند و باید رفع شوند، بیان می‌کنیم.



سه خطر اخلاقی در زمینه خدمات دیجیتال پس از مرگ

خطر ۱: اطلاعات هویت دیجیتالی افراد متوفی در سایت‌های شرکت‌های تجاری، خطر بزرگی برای حفظ حریم خصوصی است؛ زیرا چنین شرکت‌هایی ممکن است دچار رکود و ورشکستگی شوند یا درباره استفاده‌ای که از داده‌های کاربران می‌کنند، دروغ بگویند. از دست دادن داده‌های مربوط به هویت کاربر یا در معرض خطر بودن این داده‌ها، خطر بزرگی برای هویت دیجیتالی کاربران متوفی محسوب می‌شود.

خطر ۲: افشای اطلاعات ورود به حساب کاربری (log in) و پروفایل متوفیان در صنعت دیجیتال پس از مرگ موجب دسترسی اشخاص به اطلاعات متوفی می‌شود و حریم خصوصی وی را دچار مخاطره می‌کند. هر گونه دسترسی غیرمجاز به حساب‌های کاربری آنلاین و تحریف و تقبیح شخصیت متوفی و هتک حرمت وی، سرپیچی از اصول اخلاقی و جرم محسوب می‌شود و مجازات‌های کیفی در پی دارد. لذا شرکت‌های استارت‌آپ دیجیتال پس از مرگ، نام کاربری و رمز عبور فرد را برای هیچ کس، غیر از دوستان، بستگان و خانواده کاربر متوفی، آشکار نمی‌سازند تا امنیت و محرمانگی اطلاعات او حفظ شود.

خطر ۳: نقض حریم خصوصی و شخصی کاربران پس از مرگشان، خطر دیگری است که رفع آن به برنامه‌ریزی و مدیریت میراث دیجیتالی نیاز دارد و شرکت‌های تجاری باید با تهیه و تنظیم اصول و قوانین مرتبط از اعتماد کاربر حمایت کنند. هر گونه نقض حریم خصوصی حتی برای کاربر فوت شده، غیرقانونی است و بر منافع کسب و کار و یکپارچگی نام تجاری شرکت‌های تجاری تأثیر منفی دارد. از میان این سه خطر، میزان آسیب نقض حریم خصوصی بیشتر است. اینکه چه میزان دسترسی به میراث دیجیتالی متوفی در آینده مجاز خواهد بود، موضوعی بحث‌برانگیز است که شرکت‌های نوپا و فعال در زمینه کسب و کار پس از مرگ باید برای آن برنامه‌ریزی کنند (Mauer, 2013).

نتیجه گیری

در عصر دیجیتال تجربه فرهنگی از مرگ در بسیاری از موارد تغییر کرده است. کاربران متوفی در فضای دیجیتالی حضور دارند و این روند به طور روزافزونی ادامه دارد. اینکه حضور متوفیان در فضای دیجیتال باید به چه اندازه و در چه شرایطی باشد، به افراد جامعه و صنعتی وابسته است که واسطه دسترسی این افراد به فضای دیجیتالی است (شرکت‌های تجاری ارائه‌دهنده خدمات دیجیتال پس از مرگ). مسائل و مشکلات دسترسی به میراث دیجیتالی متوفی، تجربه ما را پیچیده تر می‌سازد.

زندگی دیجیتال پس از مرگ پدیده‌ای نسبتاً جدید برای مطالعه و پژوهش است. این پدیده نگرش درباره زندگی پس از مرگ را تغییر داده و با فراهم آوردن فضایی برای تعامل احساسات بین متوفی و وابستگان وی طی زمان موجب عادی‌سازی گفتگو درباره مرگ شده و تحمل رنج از دست دادن عزیزان را آسان‌تر کرده است. بدین ترتیب، اضطراب و ترس از مرگ کاهش می‌یابد؛ چون افراد می‌دانند که با مرگ کاملاً از بین نمی‌روند و آثار دیجیتالی آن‌ها در قالب پروفایل و حساب کاربری برای تعامل با کاربران حفظ و نگهداری می‌شود. این پدیده از آن رو که مدیریت اطلاعات دیجیتالی متوفیان و سوگواری برای آن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد، بحث‌برانگیز است.

بنابراین، مرگ و از دست دادن کالبد و هویت فیزیکی دیگر به معنای پایان زندگی نیست، بلکه شروع عصر جدیدی به نام زندگی دیجیتالی پس از مرگ است که موجب دسترسی به هویت دیجیتالی متوفی می‌گردد. شرکت‌های متعددی مسئولیت نگهداری یا حذف پروفایل در گذشتگان را در شبکه‌های اجتماعی برعهده دارند و می‌توانند آن را در اختیار دیگران قرار دهند. داده‌های دیجیتالی کاربران متوفی در شبکه‌های اجتماعی باید با به روشی ذخیره و نگهداری شود که دسترسی به آن برای همه وابستگان و آشنایان آنان امکان‌پذیر باشد. به نظر



می‌رسد پیشرفت و توسعه فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی و هوش مصنوعی موجب تأثیرات اجتماعی-سیاسی بسیاری مانند تغییر نگرش درباره مرگ و زندگی پس از مرگ و تحول در ارتباطات مالی، عاطفی، اجتماعی و تجاری با همکاران، دوستان، خانواده‌ها و مؤسسات می‌شود و شکل جدیدی از زندگی اجتماعی را برای متوفیان به وجود می‌آورد.

مسائل و مشکلات مرتبط با محافظت و نگهداری از میراث دیجیتال افراد و حفظ حریم خصوصی آن‌ها و پیامدهای قانونی آن در فضای دیجیتال، همچنان از نظر اخلاقی و قانونی، پیچیده، دشوار و نیازمند بررسی دقیق است. در حال حاضر، سیاست‌گذاران صنعت دیجیتال پس از مرگ، توجه خود را به این مسائل معطوف کرده‌اند. البته اکنون هیچ‌گونه ساختار قانونی و یکپارچه برای سیاست‌های مربوط به حساب کاربری متوفیان و آینده مدیریت اموال و دارایی‌های دیجیتال وجود ندارد. لازم است دست‌اندرکاران و سرمایه‌گذاران این صنعت با تلاش جمعی و همه‌جانبه، این سیاست‌ها و اصول اخلاقی را تدوین و اجرا کنند تا در ادامه زندگی کالبدی، زندگی دیجیتالی موجب جاودانگی کاربران در فضای مجازی شود.





Bibliography

1. Boeters, B; Bläser, C; Brown, M & Baroud, R. (2018). Data after Death: Shaping Our Human Identity and the Construction of the Self through Our Digital Footprint. Available at:
<https://mastersofmedia.hum.uva.nl/blog/2018/10/18/data-after-death-shaping-our-human-identity-and-the-construction-of-the-self-through-our-digital-footprint/>
2. Brubaker, JR; Hayes, GR & Dourish, P. (2013). Beyond the Grave: Facebook as a Site for the Expansion of Death and Mourning. *The Information Society*, 29(3): 152-163.
3. Buben, A. (2015). Technology of the Dead: Objects of Loving Remembrance or Replaceable Resources? *Philosophical Papers*, 44(1):15-37.
4. Carroll, E & Romano, J. (2011). *Your digital afterlife: When Facebook, Flickr and Twitter are your estate, what's your legacy?* London: Pearson Education. Kindle version. Available at <http://amazon.com>
5. Connor, J. (2010). Digital life after death: The issue of planning for a person's digital assets after death. *Texas Tech Estate Planning & Community Property Law Journal*.1(2): 54-73. Available at <http://papers.ssrn.com/abstract=1811044>
6. Eisenberg, A. (2013). Bequeathing the keys to your digital afterlife. *New York Times Magazine*. 1(6): 73-99. Available at <http://www.nytimes.com/2013/05/26/technology/estate-planning-is-important-for-your-online-assets-too.html>.

7. Kaleem, J. (2013). End Of Life Tech Companies Grow With Changes In Death Traditions. Available at: http://www.huffingtonpost.com/2012/12/07/death-facebook-dead-profiles_n_2245397.html.
8. Kasket, E. (2012). Being-Towards –Death in the Digital Age. *Existential Analysis: Journal of the Society for Existential Analysis*. 23(2): 105-118.
9. Little, C. (2018). Digital afterlife industry should be regulated. *Journal of Science & tech*. 2(5): 17-42. Available at: <http://www.thecourieronline.co.uk/digital-afterlife-industry-should-be-regulated>.
10. Massimi, M & Charise, A. (2009). Dying, death, and mortality: Towards thanatosensitivity in HCI. *Proceedings of the 27th International Conference on Human Factors in Computing Systems, Extended Abstracts Volume*. pp: 20459-20468 DOI: 10.1145/1520340.1520349.
11. Matei, A. (2017). New technology is forcing us to confront the ethics of bringing people back from the dead. Available at: <https://qz.com/896207/death-technology-will-allow-grieving-people-to-bring-back-their-loved-ones-from-the-dead-digitally>
12. Mauer, J. (2013). Risks in Digital Identity After Death. Available at: https://anniesearle.com/webservices/Documents/ResearchNotes/ASA_Research_Note_RisksinDigitalIdentityAfterDeath_July2013.pdf.





13. Ohman, C & Floridi, L. (2017). The Political Economy of Death in the Age of Information: A Critical Approach to the Digital Afterlife Industry. *Minds and Machines*, 27(4): 662-639.
14. Ohman, C & Floridi, L. (2018). An ethical framework for the digital afterlife industry. *Nature Human Behavior*. 1(5): 10-25. Available at https://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=3172038
15. Öhman, C & Watson, D. (2019). Are the Dead Taking Over Facebook? A Big Data Approach to the Future of Death Online. Available at: https://www.researchgate.net/publication/328826140_Are_the_Dead_Taking_Over_Facebook_A_Big_Data_Approach_to_the_Future_of_Death_Online.
16. Savin-Baden, M & Burden, D. (2018). Digital Immortality and Virtual Humans. *Postdigital Science and Education*, 1(1): 87-103.
17. Stokes, PA. (2014). Digital Remains: Ethical Preservation, Disposal And Reuse Of Online Artefacts Of The Dead. Available at: <http://www.patrickstokes.com/wp-content/uploads/NSWLRC-Submission.pdf>.
18. Whitney, P. (2011). LOLing at tragedy: Facebook trolls, memorial pages and resistance to grief online. *First Monday*, 16 (12): 93-115.
19. Wright, N. (2014). Death and the Internet: The implications of the digital afterlife. *First Monday*, 19(6): 43-66.

بررسی اعتدال و آثار و موانع آن از دیدگاه شهید مطهری

علی احمدپور*

چکیده

اعتدال یکی از مهم‌ترین مباحث اخلاقی در دین مقدس اسلام است و همواره مورد توجه بسیاری از فیلسوفان و اندیشمندان از جمله شهید مطهری بوده است. اسلام نه تنها انسان‌ها را به اعتدال توصیه‌هایی می‌کند بلکه سعادت جامعه و تشکیل مدینه فاضله را در گرو اعتدال و دوری از افراط و تفریط می‌داند. هدف این مقاله تبیین نظریه اعتدال از دیدگاه شهید مطهری است. سعی شده با روش توصیفی - تحلیلی درباره عوامل و موانع اعتدال بررسی و کنکاش شود تا معلوم شود مهم‌ترین آثار و موانع اعتدال از دیدگاه شهید مطهری کدامند؟ یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که از دیدگاه شهید مطهری آثار اعتدال عبارتند از: کمال، سعادت، هماهنگی در رشد ارزش‌ها و پیشرفت علمی و مادی، و از موانع اعتدال می‌توان به جمود، جهالت، هوی و هوس و نابودی جامعه اشاره کرد. نتیجه اینکه رعایت اعتدال باعث سعادت فرد و در سطح وسیع‌تر جامعه خواهد شد.

کلیدواژه‌ها

اعتدال، شهید مطهری، کمال، افراط، تفریط.

* استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران.



مقدمه

یکی از مهم‌ترین مباحثی که به سبب هماهنگی و سازگاری با آموزه‌های دینی در میان اندیشمندان اسلامی رواج پیدا کرد، نظریه اعتدال و حد وسط بود. حد وسط به منزله یک قاعده، شیوه‌های صحیح رسیدن به فضیلت و سعادت را، براساس به‌کارگیری درست قوای نفس، به آدمیان توصیه می‌کند. طبق این دیدگاه، برای کسب فضایل اخلاقی باید اعتدال بر قوای نفس حاکم شود و همه عواطف و امیال انسان تابع عقل باشند. در غیر این صورت، افراط و تفریط به رفتارهای فردی راه می‌یابد و در نهایت، به جامعه سرایت می‌کند.

مبحث اعتدال یا حد وسط، پیشینه و قدمتی طولانی دارد؛ به طوری که از زمان خلقت آدم، همه انبیاء، حکما، اندیشمندان اخلاق و عارفان بر تأثیر اعتدال در زندگی فردی و اجتماعی تأکید داشته‌اند. عده‌ای این نظریه را انعکاس عقیده یونانیان می‌دانند مبنی بر اینکه عواطف و شهوات به خودی خود عیب شمرده نمی‌شوند، بلکه مواد خامی هستند که اگر به افراط و تفریط بگرایند، عیب و رذیلت خواهند شد و اگر به اندازه و اقتصاد به کار برده شوند، جزو فضایل محسوب خواهند شد (دورانت، ۱۳۳۵، ص ۶۷؛ سیدقربشی، ۱۳۹۳، ص ۱۱۴).

افلاطون این نظریه را تبیین کرد و بعد از او، ارسطو آن را تکمیل کرد و گسترش داد. افلاطون شرط تحقق فضایل اخلاقی را در دو چیز می‌داند: «تابعیت قوای شهوی و غضبی از قوه عقلی» و «رعایت اعتدال آن دو قوه در عمل». در صورت رعایت این دو مقوله، از اعتدال قوه شهویه، صفت عفت و از اعتدال قوه غضبیه، صفت شجاعت حاصل می‌شود و با تربیت قوه عاقله، فضیلت حکمت به دست می‌آید.

در صورت رسیدن این سه قوه به حد فضیلت خود، از انسجام و هماهنگی آنها، فضیلت چهارمی به نام «عدالت» در نفس ایجاد می‌گردد (اترک و خوشدل، ۱۳۹۳، ص ۱۳۲).



درباره نسبت حد وسط اخلاق در فلسفه یونان با اعتدال در اخلاق اسلامی می توان گفت آنچه از نظر اخلاق یونانی، فضیلت به شمار می رود، همان چیزی نیست که در اسلام ارزش و فضیلت قلمداد شده است؛ چون در نظریه اخلاق فضیلت مدار یونانی، به دلیل ساختار دنیوی، تعداد فضایل و مفهوم آن ها بر اخلاق اسلامی منطبق نیست. اخلاق برای یونانیان امری دنیوی بود که تنها روابط شخص و جامعه را معین می کرد؛ در نتیجه، هیچ یک از این فضایل اصلی، اشاره ای به دین ندارند و کارکرد اصلی آن ها تنظیم رابطه فرد با جامعه است (اسلامی، ۱۳۸۷، صص ۱۵ و ۱۸).

حکمای اسلامی، بر اثر آشنایی با مباحث افلاطون و ارسطو، نظریه اعتدال را در متون اخلاقی و دینی گنجانده و به بررسی و تبیین این دیدگاه و تطبیق آن با آیات و روایاتی که به اعتدال اشاره دارند، پرداختند. فارابی اولین اندیشمند اسلامی بود که به شرح کتاب «اخلاق نیکوماخوس» ارسطو پرداخت و در کتابی به نام «فصول منتزعه» به تبیین اعتدال همت گماشت (ارسطو، ۱۹۷۹، ص ۱۸؛ فارابی، ۱۹۷۱، ص ۳۶).

بعد از فارابی، اندیشمندانی چون یحیی بن عدی در تهذیب الاخلاق، ابن مسکویه در تهذیب الاخلاق و تطهیر الأعراف، ابوالحسن عامری در السعاده و الاسعاده، شیخ اشراق در مصنفات، ابن سینا در کتاب شفاء، محمد غزالی در کتاب احیاء علوم الدین، خواجه نصیرالدین طوسی در اخلاق ناصری، ملامهدی نراقی در جامع السعادات، ملا احمد نراقی در معراج السعاده، ملاصدرا در شرح اصول کافی و علامه طباطبایی در تفسیر المیزان به بیان دیدگاه خود درباره اعتدال پرداخته اند (اترک و خوشدل، ۱۳۹۳، ص ۱۲۹).

اعتدال از دیدگاه علامه طباطبایی، استعمال درست قوا از نظر کمی و کیفی و جلوگیری از افراط و تفریط است (طباطبایی، ۱۳۶۵، ج ۱: ص ۳۷۶). اعتدال قوه شهویّه، «عفت» و افراط آن، «شره» و تفریط آن، «خمود» نام دارد. اعتدال قوه غضبیّه



را «شجاعت»، افراط آن را «تهور» و تفریط آن را «جبن» می‌گویند. اعتدال قوه عاقله یا فکریه، «حکمت»، افراط آن، «جریزه» و تفریط آن، «بلادت و کودنی» است. از ترکیب سه قوه عفت و شجاعت و حکمت، ملکه‌ای به نام «عدالت» به وجود می‌آید که افراط آن، «ظلم» و تفریط آن، «انظلام یا ظلم‌پذیری» است (همان، ص ۳۷۷). علامه تأکید می‌کند که اگر آدمی به اعتدال همه قوا همت بورزد، تأثیر بسزایی در جامعه خواهد گذاشت و در نهایت، عالی‌ترین اجتماع شکل خواهد گرفت (همان: ص ۳۸۴).

شهید مطهری نیز به مبحث اعتدال پرداخته و آن را یکی از مهم‌ترین بحث‌ها در سعادت فردی و اجتماعی می‌داند، اما وی در این باره نظر خاصی دارد. او معتقد است راه اعتدال را ائمه علیهم‌السلام تأسیس کرده‌اند و انسان با پیروی از راه و روش آنان، از افراط و تفریط دور می‌شود (مطهری، ۱۳۷۹، ج ۲۱: ص ۸۵). بنابراین شهید مطهری معتقد است برای رعایت اعتدال، قوای انسان باید تابع تدبیر عقل سلیم و وحی باشند. در این صورت، می‌توان در امور فردی و اجتماعی به اعتدال دست یافت؛ به این شکل که اگر هرکس اخلاق فردی را رعایت کند، به سهم خود در اجتماع اثرگذار خواهد بود و همین باعث تشکیل مدینه فاضله خواهد شد.

با توجه به مطالب بالا، اعتدال در دین اسلام از اهمیت خاصی برخوردار است و از نظر شهید مطهری نیز انسان باید به تمام آموزه‌های دین و عقل به‌طور هماهنگ پایبند باشد و به آن‌ها عمل کند تا در نهایت به کمال برسد. با توجه به اینکه اعتدال در زمینه‌های مختلف کاربرد دارد، در این مقاله سعی شده با تبیین بُعد اخلاقی اعتدال و آثار و موانع آن از دیدگاه شهید مطهری، اهمیت این فضیلت اخلاقی آشکارتر شود. از این‌رو، این پژوهش به دنبال پاسخ دادن به این سؤال اساسی است: اعتدال چیست و آثار و موانع آن از دیدگاه شهید مطهری کدام است؟



سوالات پژوهش

هدف پژوهش حاضر بررسی مفهوم اعتدال، آثار و موانع آن در اندیشه استاد مطهری است؛ بنابراین، مهم‌ترین پرسش‌های تحقیق عبارتند از:

- اعتدال و معیار آن از دیدگاه شهید مطهری چیست؟

- آثار اعتدال از دیدگاه شهید مطهری چیست؟

- موانع اعتدال در اندیشه استاد مطهری کدامند؟

پیشینه پژوهش

پژوهش‌های متعددی درباره اعتدال انجام شده است، اما بیشتر این تحقیقات از بُعد قرآن و سنت به این مهم پرداخته‌اند؛ سوسن عبداللهی (۱۳۹۳) در پایان‌نامه کارشناسی خود با موضوع «اعتدال، مؤلفه‌ها و آثار آن در قرآن و حدیث» بیشتر به مؤلفه‌های اعتدال در امور فردی، اجتماعی و اقتصادی از دیدگاه آیات و روایات پرداخته است.

مهین حدادیان (۱۳۹۰) در پایان‌نامه خود با عنوان «بررسی و نقد نظریه اعتدال از دیدگاه علامه مهدی نراقی» بر دیدگاه‌های ملامهدی نراقی تکیه دارد؛ نراقی حدوسط و اعتدال را معیار و میزان فضیلت هر عمل معرفی می‌کند و در تبیین حدوسط می‌گوید هر فضیلتی حد معینی دارد که اگر از آن بگذرد و به افراط یا تفریط برسد به رذیلت تبدیل می‌شود.

بهنام و فامیان (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان «اعتدال در نظر استاد مطهری و شاعران پارسی‌گو» به عنوان یکی از شاخصه‌های تربیتی «اعتدال را یکی از اصول تربیتی دین اسلام از نظر شهید مطهری دانسته‌اند.

با بررسی پژوهش‌های پیشین معلوم شد که بیشتر تحقیقات انجام‌شده در حوزه آموزه‌های دینی یا اندیشمندان دیگر بوده و تاکنون پژوهش مستقلی درباره اعتدال و آثار و موانع آن از دیدگاه شهید مطهری صورت نگرفته است. بنابراین، وجه تمایز



این تحقیق این است که مستقلاً و به طور جامع به تبیین دیدگاه شهید مطهری دربارهٔ اعتدال و آثار و موانع آن پرداخته است.

۱. ملاحظات نظری

۱-۱. تعریف مفاهیم

۱-۱-۱. اعتدال در لغت

واژهٔ اعتدال از «عدل» گرفته شده و عدل، در لغت، به معنی میانه‌روی است و مفهوم مساوات نیز از آن فهمیده می‌شود. (قرشی، ۱۳۷۱، ص ۳۰۱). همچنین، اعتدال یعنی میانه‌روی و راست و استوار شدن (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۸: ص ۵۳). ابن منظور در لسان العرب می‌گوید: اعتدال مصدر باب افتعال، از ریشهٔ عدل، به معنی حد وسط و رعایت تناسب در امور کمی و کیفی است (ابن منظور، ۱۴۱۲ق، ج ۱۱: ص ۴۳۳). بعضی هم گفته‌اند: تعادل، یعنی توازن در مقدار، هم‌وزنی، برابر بودن دلایل، تناسب ادله و برابری و یکسانی در کم و کیف (جر، ۱۳۷۲، ج ۱: ص ۵۹۳).

آلوسی می‌نویسد: واژهٔ «وسط» استعاره است برای خصلت‌های پسندیدهٔ بشر؛ زیرا آن‌ها در میانهٔ خصلت‌های نکوهیده قرار دارند؛ مانند جود که میانهٔ «اسراف» و «بخل» است یا شجاعت که میانهٔ «تهور و بی‌باکی» و «جبن و ترس» است و یا حکمت که میانهٔ «جربزه» و «کندذهنی و کودنی» است (آلوسی، ۱۴۲۰ق، ج ۱: ص ۴۰۳).

کلمهٔ اعتدال در قرآن نیامده، اما مفهوم آن با کلماتی چون «قوام» (فرقان: ۶۷)، «وسط» (بقره: ۱۴۳)، «قصد» (لقمان: ۱۹)، «سواء» (قصص: ۲۲)؛ «حنیف» (آل عمران: ۶۷) در قرآن وجود دارد. در روایات نیز این مفهوم با الفاظی مانند «قصد»^۱

۱. «المؤمن سیرته القصد و سنته الرشید» (آمدی، ۱۳۶۶ق، ص ۳۵۳).

۲. «الاقتصاد ینمی القلیل» (همان‌جا).



و «وسط»^۱ به کار رفته است. همه این کلمات به وضعیت میانه و حد وسط دلالت دارند.

۱-۱-۲. اعتدال در اصطلاح

ملاصدرا درباره مفهوم اعتدال می گوید: هر رفتار، عمل و فکر معتدل آن چیزی است که حد وسط بین اضداد یا ضدین است و از حالت افراط و تفریط به دور است (صدرالدین شیرازی، ۱۳۸۸، ج ۲/۴: ص ۱۲۵).

خواجه نصیرالدین طوسی به اعتدال در حکمت عملی و حکمت نظری اشاره کرده است؛ در حکمت نظری، مراد از اعتدال مخلوقات هستی همان تعادل و انسجام اشیا در کنار یکدیگر، توازن و نظم است (طوسی، ۱۳۷۳، ص ۳۰۶) و در حکمت عملی، اعتدال در سه مقوله «علم النفس»، «حکمت مدنی» و «حکمت منزلی» برقرار می شود که منظور از آن هم حاکمیت عقل بر سایر قوای انسان است و هم تدبیر عقل برای امور جامعه، منزل و نظام سیاسی. اعتدال بر پایه این دو شرط اولاً، مانع افراط و تفریط می شود و ثانیاً، افراد، خانواده و جامعه را به تکامل و در نهایت، به سعادت می رساند (همان، ص ۲۵۴).

عده ای معتقدند اعتدال یک «فرایند» و در عین حال یک «روش» است، برخلاف عدل که یک «ارزش» است؛ همان طور که «آزادی» ارزش است، اما «دموکراسی» روش تحقق آن است. باید توجه داشت که اعتدال روشی بی بنیان نیست؛ چه، از یک سو به «عدل» نظر دارد و از سوی دیگر به «عدل». در واقع، اعتدال مراعات الزامات و التزامات عدل و عدل است؛ زیرا «عدل» با همان «تناسب» باید بر «حق» و «عدل» مبتنی باشد، اما «عدل» در مقام نبوت (و نه در مقام اثبات) و اجرا، هیچ گاه به طور مطلق قابل اجرا نیست و اجرای آن امری نسبی است. پس، اعتدال به ما کمک



۱. «و نحن امة الوسط» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۲: ص ۴۴۱).

می‌کند تا تشخیص دهیم با چه روشی می‌توان «عَدَل» را مبتنی بر «عَدَل» (تناسب) بیشتر به اجرا گذاشت. اینجاست که «اعتدال» به مثابه یک روش در برابر ما رخ می‌نماید؛ چنانکه «عَدَل» یک ارزش است. از این روست که اعتدال، نفوذ و مدخلیتی در خود «ارزش»ها ندارد و از مقام داوری درباره ارزش‌ها بهره‌مند نیست؛ زیرا ارزش‌ها مطلقند و روش‌ها (که اعتدال نیز یک روش است) نسبی‌اند. اما اعتدال در مقام عمل و اجرا دلالت و دخالت دارد و این موضع هم موضع نسیبیت است (امانی، ۱۳۹۴، صص ۴۸ و ۴۹). در روایات هم اعتدال و حدّ وسط تبیین شده است؛ امام علی علیه السلام در خطبه ۱۶ نهج البلاغه می‌فرماید: «الْيَمِينُ وَالشَّمَالُ مَضَلَّةٌ، وَالطَّرِيقُ الْأَوْسَطِيُّ هِيَ الْجَادَّةُ؛ چپ و راست گمراهی است و راه میانه، جاده مستقیم الهی است» (امام علی علیه السلام، ۱۳۸۰، ص ۶۱). تعادل و اعتدال در بعضی از روایات به این معناست که انسان از سویی، به کارهای خیر اشتغال و اهتمام داشته باشد و از سوی دیگر، از امور شرّ دوری کند (فرجی، ۱۳۸۰، ص ۱۴).

۲- یافته‌های پژوهش

۲-۱. اعتدال و معیار آن از دیدگاه استاد مطهری

شهید مطهری دور بودن از افراط و تفریط و پرهیز از کندروی و تندروی و چپ‌روی و راست‌روی را اعتدال می‌نامد (مطهری، ۱۳۷۹، ج ۲۱: ص ۶۱). او در ادامه می‌گوید: حد وسط یعنی اینکه آدمی عقل خود را پیشوا و راهبر قرار داده، در کارها شتابزده عمل نکند و همه افعال را با تدبیر عقل انجام دهد. در نهایت، انسان با عقل می‌تواند تمایلات نفسانی خود را رام و مهار کند (همان، ص ۸۴).

شهید مطهری با اعتقاد به اینکه پرهیز از افراط و تفریط و گرایش به اعتدال دشواری‌هایی دارد، می‌گوید: همیشه راه اعتدال یک خط باریک است که اندک بی‌توجهی موجب خروج از آن می‌شود. اینکه در آثار دینی وارد شده که «صراط» از «مو» باریک‌تر است اشاره به همین نکته است که رعایت اعتدال در هر کاری



دشوار است (همان، ج ۲۴: ص ۸۷). برای هر یک از قوای انسان که از طرف خداوند متعال به او عطا شده، اهداف و غایاتی تعیین شده است که اگر آدمی آن اهداف را به موقع تشخیص دهد، به تعادل در آن قوا دست می‌یابد و از افراط و تفریط کناره می‌گیرد (همان، ج ۲۱: ص ۴۵۱-۴۵۲). بنابراین، با شناسایی و تشخیص غایت غرایز و قوای انسانی و ایمان به اینکه همه آن قوا را خالق حکیم در وجود آدمی نهاده است و هر کدام دستورالعمل‌های خاص خود را دارند تا در جای صحیح خود استفاده شوند، می‌توان حد وسط استفاده از قوا را تشخیص داد و دچار افراط یا تفریط نشد (همان، ص ۴۵۱-۴۵۲).

از نظر شهید مطهری عقل و وحی و راهی که ائمه پیش پای ما گذاشته‌اند، معیارهای حقیقی اعتدال هستند؛ بنابراین، انسان باید به تمام ارزش‌ها به‌طور هماهنگ عمل کند و به شکوفایی آن‌ها مبادرت ورزد تا به کمال برسد. اگر اعتدال درباره قوای تعبیه شده در وجود انسان رعایت شود، آثار آن در اجتماع هم بروز پیدا خواهد کرد. در بخش آثار و موانع به این موضوع اشاره شده است.

۲-۲- آثار اعتدال در اندیشه شهید مطهری

اگر آدمی در همه جوانب زندگی مادی و معنوی تعادل داشته باشد و میانه‌روی مورد توصیه دین مقدس اسلام را عمل کند، موجب آثار و برکات عدیده‌ای می‌شود که از جمله آن‌ها می‌شود به موارد زیر اشاره کرد:

۲-۲-۱. اعتدال منشأ رسیدن به کمالات

شهید مطهری ایجاد تعادل میان قوای انسان را لازمه رسیدن به کمالات معنوی و روحی می‌داند و می‌گوید: انسان بالقوه کمالاتی دارد، اما وقتی به آن کمالات می‌رسد که همه قوا در حد اعتدال باشند؛ یعنی انسان از نظر جهازات روحی درست مثل انسان از نظر جهازات بدنی است. در جهازات بدنی هیچ عضو زائدی وجود



ندارد، نه دست زائد است و نه پا و نه چشم، ولی هر یک از اینها حد و اندازه‌ای دارد که از قبل از طرف خداوند تعیین شده است؛ مثلاً این دست باید وجود داشته باشد، اما اگر این دست بخواهد دو برابر اندازه‌ای که هست باشد، تعادل را به هم می‌زند، کما اینکه اگر بخواهد از این اندازه که هست کوچک‌تر باشد باز هم تعادل را به هم می‌زند. همین‌طور انسان به همه قوای روحی خود نیاز دارد - به شهوت، غضب و به همه قوای دیگر - همچنان که یک سلسله نیازهای دیگر روحی و معنوی دارد که همه باید باشند. عدالتی که از جنبه اخلاقی مطرح است، همین تعادل و توازن روحی است و اینکه همه قوا باید در حد اعتدال باشند (مطهری، ۱۳۷۹، ج ۸: ص ۵۴۵).

شهید مطهری کمال نظری و عملی را به نقل از قدما تبیین کرده و معتقد است تدبیر نفس و تعدیل قوای انسان در سیطره عقل، مقدمه کمال است. بنابراین، برای نفس انسان دو کمال وجود دارد: ۱. کمال نظری؛ چون فلاسفه ماهیت و جوهر انسان را علم می‌دانند و انسان کامل و کمال الانسان را در علم می‌دانند، برخلاف عرفا که کمال نهایی انسان را علم نمی‌دانند و معتقدند انسان کامل انسانی است که به حقیقت برسد. ۲. کمال عملی؛ قدما درباره عقل عملی می‌گفتند نفس مدبّر بدن است و برای آنکه بدن را بهتر تدبیر کند، یک سلسله احکام دارد و این «چگونه تدبیر کردن»، مقدمه‌ای است برای چگونه کامل شدن.

قدما مسئله عدالت را به آزادی برمی‌گرداندند؛ چون نفس از یک نظر به بدن نیاز دارد و نمی‌تواند بدون آن به کمال‌های نظری خود برسد، ولی برای اینکه از بدن (این وسیله و این مرکب) حداکثر استفاده را ببرد باید نوعی تعادل میان قوا برقرار کند و قوه‌ای که این تعادل را برقرار می‌کند، قوه عاقله است. اگر بین قوا تعادل برقرار باشد، نفس مقهور بدن نیست، بلکه بدن مقهور نفس است. قدما عدالت را هیئت انقهاریه‌ای از بدن در برابر نفس و هیئت قاهریه‌ای از نفس در برابر بدن می‌دانستند (همان، ج ۱۳: ص ۷۱۳).



۲-۲-۲. اعتدال عامل پیشرفت علمی و مادی

شهید مطهری اعتدال و میانه‌روی را توصیه دین مقدس اسلام می‌داند و معتقد است ترغیب و تهییج اسلام به اعتدال و نبودن افراط و تفریط در آموزه‌های دینی باعث پیشرفت مادی و معنوی مسلمانان شد. او در این زمینه به سخن عبدالحسین زرین کوب در کتاب «کارنامه اسلام» اشاره می‌کند و می‌گوید: آنچه این مایه ترقیات علمی و پیشرفت‌های مادی را برای مسلمین میسر ساخت، در حقیقت، همان اسلام بود که با تشویق مسلمین به علم و ترویج نشاط حیاتی، روح معاضدت و تسامح را جانشین تعصبات دنیای باستانی کرد و در مقابل رهبانیت کلیسا که ترک و انزوا را توصیه می‌کرد، با توصیه مسلمین به «راه وسط» توسعه و تکامل صنعت و علم انسانی را تسهیل کرد. در دنیایی که اسلام به آن وارد شد، این روح تساهل و اعتدال در حال زوال بود (همان، ج ۱۴: ص ۱۴۰).

۲-۲-۳. اعتدال راه وصول به سعادت

شهید مطهری درباره راه رسیدن به سعادت به سخن ارسطو اشاره کرده و می‌گوید: فضایل اخلاقی وسیله‌ای هستند برای وصول به سعادت که هدف نهایی است. ارسطو فضایل را حد وسط بین افراط و تفریط می‌داند و معتقد است اگر آدمی به طرف افراط یا تفریط گرایش پیدا کند، در واقع مرتکب رذایل خواهد شد. وی قوای غضبیه، شهویه و عاقله را نام برده که برای هر کدام حالت افراط و تفریط و حد وسطی وجود دارد. قوه شهویه، تفریطش خُمود و افراطش شَره می‌باشد و عفت هم حد وسط آن است یا در قوه غضبیه، جُبْن حالت تفریط و تهور حالت افراط است و حد وسطش هم شجاعت است.

درباره قوه عاقله هم جُربزه حالت افراط، بلاهت حالت تفریط و حکمت حد وسط است. ارسطو معتقد است برای به دست آوردن فضیلت، علاوه بر علم و آگاهی، تربیت نفس بر اساس فضایل هم لازم است؛ یعنی باید آن قدر برای



فضیلت‌های اخلاقی و رعایت اعتدال در نفس تمرین و ممارست صورت بگیرد تا ملکهٔ نفس گردد. در این صورت، نفس از افراط و تفریط پرهیز خواهد کرد (مطهری، ۱۳۷۹، ج ۲۲: ص ۴۷-۴۶).

البته شهید مطهری دیدگاه اخلاقی ارسطو را فقط جزئی از حقیقت دانسته که بیانگر تمام حقیقت نیست. بزرگ‌ترین اشکالات دیدگاه ارسطو آن است که اولاً، ارسطو وظیفهٔ علم اخلاق را به تعیین راه وسط برای رسیدن به سعادت که مقصد نهایی است، منحصر دانسته است؛ ثانیاً، اخلاقی که ارسطو بر آن تأکید می‌کند، راه وصول به هدف را به آدمی نشان می‌دهد اما به وی هدف نمی‌دهد، در حالی که مهم‌ترین وظیفهٔ یک مکتب اخلاقی، مشخص کردن هدف انسانی است؛ ثالثاً، اخلاق ارسطویی تا حدودی از قداست فاصله گرفته است؛ چون ارسطو سعادت را هدف نهایی تلقی کرده و معتقد است انسان در پی سعادت‌مندی خود است و باید بهترین راه رسیدن به سعادت به آدمی نشان داده شود. بنابراین، ارسطو به خودخواهی و خودمحوری تأکید کرده است، در حالی که اصل قداست اخلاق با دوری از خودخواهی و خودبرتربینی حاصل می‌شود (همان، ص ۴۷).

۲-۴. رسیدن به اخلاق متعادل و جامعهٔ متعادل (تشکیل مدینهٔ فاضله)

شهید مطهری معتقد است اخلاق فردی در جامعه اثر می‌گذارد و بالعکس، اخلاق اجتماع در شخص اثرگذار است. اگر این دو حالت اعتدال داشته باشند و به افراط و تفریط میل نکنند، مدینهٔ فاضله شکل می‌گیرد و سعادت فرد و جامعه محقق می‌شود. شهید مطهری می‌گوید: عالی‌ترین اخلاق، اخلاق اعتدالی و موزون است و اگر در جامعه‌ای اعتدال حاکم نباشد، این طبیعتاً در اخلاق فردی هم تأثیرگذار خواهد بود و اخلاق اشخاص موزون و معتدل نخواهد بود. این عدم توازن و تعادل بر طبقهٔ خاصه و عامه تأثیرگذار خواهد بود و هر دو قشر زیان خواهند دید (مطهری، ۱۳۷۹، ج ۲۳: ص ۷۴۲).



پیامبر گرامی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در این زمینه می‌فرماید: «اَسْتَوُوا تَسْتَوِ قُلُوبُكُمْ؛ با یک دیگر برابر شوید تا دل‌هایتان برابر شود» (پیامبر اکرم ص، ۱۳۸۲، ص ۲۱۰)؛ یعنی اگر بخواهیم در جامعه دل‌ها به هم نزدیک شود باید در بین افراد جامعه اعتدال حاکم باشد و تبعیض‌ها از بین برود و گرنه بین دل‌های مردم شکاف و فاصله خواهد افتاد که اثر آن در سطح کلان و اجتماع خودش را نشان خواهد داد (مطهری، ۱۳۷۹، ج ۲۳: ص ۷۴۳). شهید مطهری مهم‌ترین و مؤثرترین عوامل عدم تعادل اجتماعی را چنین برشمرده است: اول اینکه نظام فکری و اعتقادی به هم خورده و چیزهایی که در سعادت انسان تأثیرگذارند مثل تقوا، علم، عقل و عمل بی‌اثر تلقی شود؛ و دوم، سوءظن به خالق هستی (همان، ص ۷۳۸).

۳. عوامل افراط و تفریط (موانع اعتدال)

در این بخش، موانع اعتدال از دیدگاه شهید مطهری بررسی خواهد شد.

۳-۱. جمود و جهالت

شهید مطهری، اعتدال و علم و عمل را عامل پیشرفت و ترقی می‌داند و در مقابل، دو بیماری «جمود» و «جهالت» را مایه سقوط و انحراف فرد و جامعه تلقی می‌کند و می‌گوید: از جمله خاصیت‌های بشر افراط و تفریط است. انسان اگر در حد اعتدال بایستد، کوشش می‌کند زمان را با نیروی علم و ابتکار و سعی و عمل جلو ببرد، خود را با مظاهر ترقی و پیشرفت زمان تطبیق دهد و جلو انحرافات زمان را بگیرد و از همرنگ شدن با آن‌ها خود را برکنار دارد. اما متأسفانه همیشه این‌طور نیست.

شهید مطهری، جهالت و جمود را دو بیماری خطرناک خوانده که عواقب و نتایج بدی به دنبال دارند. او این پیامدها را چنین برشمرده است:

یک. نتیجه بیماری جمود، سکون و توقف و عدم توسعه و پیشرفت است و

عاقبت بیماری جهل، انحراف و سقوط است؛



دو. آدمی که جمود دارد، از هر چیز تازه و نو نفرت دارد و فقط با چیز کنهه انس و خو می‌گیرد، ولی آدم جاهل هر چیز نوپدید را مقتضای زمان دانسته و نام ترقی و تجدد موجه بر آن می‌گذارد؛

سه. شخص جامد هر چیز تازه و نو را دارای انحراف و فسادانگیز می‌خواند، ولی آدم جاهل، نام پیشرفت علم و آگاهی و تمدن بر آن می‌نهد؛

د) جامد میان هسته و پوسته و وسیله و هدف فرق نمی‌گذارد. از نظر او دین مأمور حفظ آثار باستانی است. از نظر او قرآن نازل شده است برای اینکه جریان زمان را متوقف کند و اوضاع جهان را به همان حالی که هست می‌خکوب کند، اما جاهل، برعکس، چشم دوخته ببیند در دنیای مغرب چه مد تازه و چه عادت نوی پیدا شده است تا فوراً تقلید کند و نام تجدد و جبر زمان روی آن بگذارد؛

ه) جامد و جاهل متفقاً فرض می‌کنند هر وضعی که در قدیم بوده است جزء مسائل و شعائر دینی است، با این تفاوت که جامد نتیجه می‌گیرد این شعائر را باید نگهداری کرد و جاهل نتیجه می‌گیرد اساساً دین ملازم است با کهنه پرستی و علاقه به سکون و ثبات (مطهری، ۱۳۷۹، ج ۱۹: ص ۱۱۰).

۲-۳. ظلم و استعمار

دومین سبب افراط و تفریط، ظلم و ستم است که نابودی فرد و جامعه را به دنبال دارد. شهید مطهری در این زمینه می‌گوید: هر اجتماعی مرکب و متشکل از افراد گوناگون است و اگر بخواهیم جامعه‌ای پایدار و از انسجام لازم برخوردار باشد، باید آن جامعه از اعتدال و حالت تعادل برخوردار باشد و اگر به افراط و تفریط گرایش پیدا کند، آن جامعه سقوط می‌کند و از بین می‌رود.

شهید مطهری معتقد است در جامعه باید عدالت بین افراد حاکم باشد تا جامعه به تعادل اجتماعی، روحی و مادی برسد. اگر در یک جامعه، کسی هم‌نوع خود را



استثمار کند یا به او ظلم کند، جامعه از حالت تعادل خواهد افتاد و عاقبت آن به انفجار و نابودی منجر خواهد شد (همان، ج ۱۵: ص ۷۴۴-۷۴۳).

۳-۳. سوسیالیسم

شهید مطهری یکی دیگر از عوامل افراط و تفریط را آراء سوسیالیست‌ها می‌داند. آن‌ها منکر عدالت و وجدان بشری در جامعه هستند و در واقع، عدالت و اعتدال را تخیل می‌دانند. وی در این زمینه می‌گوید: عدالت از نظر مادی گراها، مارکسیست‌ها و سوسیالیسم چندان ارزشی ندارد تا جایی که طرفداران عدالت را هم تخطئه می‌کنند. از دیدگاه شهید مطهری مارکسیست‌ها، سوسیالیسمی را قبول دارند که ریشه و مبدأ آن عدالت نباشد، بلکه ریشه و مبدأ آن جبر زمانی باشد؛ یعنی وضع اقتصادی است که جبراً جوامع را سوسیالیستی می‌کند (همان، ج ۲۱: ص ۲۷۵). بنابراین، این‌ها چون با دید مادی‌گرایانه به انسان نگاه می‌کنند، عدالت را آگاهانه یا ناآگاهانه منکر می‌شوند و وجدان بشری را باور ندارند؛ به همین دلیل هم معتقدند اشتراکی را که منشأ و مبدأ آن عدالت است نباید دنبال کرد که تخیلی بیش نیست (همان، ص ۲۷۶).

استاد مطهری، دیدگاه کسانی مثل سوسیالیست‌ها را که اعتدال و عدالت در جامعه را انکار می‌کنند، مردود می‌داند و می‌گوید: هر اجتماعی از حالت حد وسط و اعتدالی برخوردار است که اگر جامعه و افراد آن به این حد پایبند باشند و رعایت کنند، به بقا و پایداری دست خواهند یافت، ولی اگر از حالت معتدل منحرف شدند و آن را رعایت نکردند، حکم موت جامعه را امضا کرده‌اند (همان، ص ۲۷۶). سعدی در این باره این گونه سروده است:

چهار طبع مخالف سرکش چند روزی با هم شوند خوش

گریکی زین چهار شد غالب جان شیرین برآید از قالب

(سعدی، ۱۳۶۳، ص ۱۰۶)



بنابراین، از منظر شهید مطهری، زمان با رفتن به سوی عدالت و اعتدال تکامل پیدا می‌کند. در زندگی بشر عوامل مؤثر و زیادی باید وجود داشته باشد که یکی از آن‌ها علل اقتصادی است. این عوامل هم باید به یک نسبت معین وجود داشته باشند. اگر آن نسبت محفوظ باشد، جامعه سالم است و اگر نباشد، جامعه بیمار است (مطهری، ۱۳۷۹، ج ۲۱: ص ۲۷۷).

۳-۴. هوی و هوس

یکی دیگر از موانع اعتدال از دیدگاه استاد مطهری، تمایلات نفسانی و شهوت‌هاست که عقل عملی انسان را نیز تحت تأثیر خود قرار می‌دهند. اگر هوا و هوس‌های نفسانی از حالت اعتدال خارج شوند، بر عقل و وجدان آدمی چیره می‌شوند؛ به طوری که عقلی که باید چراغ راهنمای انسان در همه زمینه‌ها باشد، دیگر نمی‌تواند وظیفه اصلی خود را انجام دهد (همان، ج ۲۳: ص ۷۱۵). امام صادق علیه السلام در این زمینه می‌فرماید: «الهُوَى عَدُوُّ الْعَقْلِ؛ هوا و هوس دشمن عقل است» (امام صادق علیه السلام، ۱۴۰۰ق، ص ۱۰۳) و به گفته سعدی:

حقیقت سرایی است آراسته هوی و هوس گرد برخاسته
نبینی که هر جا که برخاست گرد نبیند نظر گرچه بیناست مرد
(سعدی، ۱۳۷۱، ص ۲۸۹)

۳-۵. نگاه تک بُعدی به ارزش‌ها

شهید مطهری از توجه تک بُعدی به ارزش‌ها انتقاد می‌کند و معتقد است در توجه به ارزش‌ها باید حالت اعتدال حفظ شود و به گونه‌ای نباشد که به یک ارزش بیش از اندازه اهمیت داد و از ارزش‌های دیگر غافل شد که این همان افراط است و به شدت نهی شده است. وی در این زمینه می‌گوید: انسان در صورتی به کمال



می‌رسد که از همه قوا و استعدادهای خود به‌طور توافقی و تعادلی استفاده کند؛ به‌طوری که همه قوا و استعدادها هم‌زمان و همراه یکدیگر به رشد و هماهنگی لازم برسند و رشدشان هم در حد اعلی باشد. یعنی این‌طور نباشد که ما از برخی از استعدادها و قوا استفاده بهینه کنیم، اما بعضی دیگر را تعطیل کنیم. حقیقت و ریشه عدل به هماهنگی و توازن برمی‌گردد. امام علی علیه السلام مصداق و نمونه انسان کامل است؛ برای اینکه همه ارزش‌های انسانی، در حد اعلی و به‌طور هماهنگ در او رشد کرده است (مطهری، ۱۳۷۹، ج ۲۳: ص ۱۱۲).

شهید مطهری افراط و تفریط در التزام به ارزش‌ها را خارج شدن از جاده تعادل اسلام و انحراف و اشتباه می‌داند و می‌گوید: باید درباره ارزش‌ها حالت اعتدال به‌طور همه‌جانبه رعایت شود و این‌طور نباشد که به ارزشی مثل عبادت گرایش افراطی پیدا شود و ارزش دیگر مورد غفلت واقع شود یا به‌طور افراطی به گرایش‌های اجتماعی اسلام توجه شود، اما گرایش‌های الهی آن فراموش شود که این بزرگ‌ترین اشتباه و انحراف محسوب می‌شود. بنابراین، شهید مطهری عبادت‌گرایان جامعه‌گریز و جامعه‌گرایان خداگریز را خارج از جاده معتدل اسلام می‌داند (همان، ص ۱۵۱).

بنا بر آنچه گفته شد، انسان باید در همه حوزه‌ها و ابعاد زندگی به گونه‌ای عمل کند که از حالت اعتدال خارج نشود. اهمیت دادن به یک بُعد و غافل شدن از جنبه‌های دیگر، افتادن در ورطه سقوط و افراط و تفریط محسوب می‌شود که در دین مقدس اسلام به‌شدت از آن نهی شده است.

نمونه‌های افراط در رشد یک ارزش خاص

۱. عبادت

به گفته شهید مطهری، یکی از ارزش‌های انسانی که در دین اسلام به آن اهمیت داده شده، عبادت است. البته او معتقد است نباید با افراط و زیاده‌روی در عبادت،



ارزش‌های دیگر را فراموش کنیم. استاد در این باره می‌گوید: عبادت که یک ارزش و فضیلت محسوب می‌شود، انسان به‌طور خاص و جوامع به‌طور عام باید حالت اعتدال را رعایت کنند و این‌طور نباشد که در این زمینه دچار افراط شویم و ارزش‌های دیگر به کلی فراموش یا محو شوند. در تاریخ اسلامی کسانی بودند که بدون اینکه قصد و غرضی داشته باشند، در این زمینه دچار افراط و عدم تعادل شدند. بنابراین، انسان باید به‌طور هماهنگ ارزش‌های گوناگون را در خود رشد و اعتلا دهد (مطهری، ۱۳۷۹، ج ۲۳: ص ۱۱۴).

وقتی به پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خبر رسید که برخی از اصحاب کارشان را به عبادت منحصر کرده‌اند و از بقیه امور زندگی غافل شده‌اند، ناراحت شد و آن‌ها را موعظه کرد. پیامبر گرامی اسلام هم وقتی احساس می‌کند در جامعه اسلامی، یک ارزش از ارزش‌های اسلامی سایر ارزش‌ها را در خود محو می‌کند، شدیداً با آن مبارزه می‌کند؛ مثلاً گاهی جامعه به سوی زهد که یک ارزش است و فوایدی دارد، کشیده می‌شود و دیگر ارزش‌ها مورد غفلت قرار می‌گیرند که این همان افراط است (همان، ص ۱۱۵).

۲. خدمت‌گزار خلق بودن

یکی دیگر از ارزش‌های انسانی که دین مقدس اسلام آن را تأیید و مردم را به آن تشویق و ترغیب می‌کند، خدمت به مردم است. قرآن در زمینه خدمت، تعاون و کمک به یکدیگر می‌فرماید:

﴿لَيْسَ الْبِرُّ أَنْ تُولُوا وُجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَ
الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ الْمَلَائِكَةِ وَ الْكِتَابِ وَ النَّبِيِّنَ وَ آتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَى وَ
الْيَتَامَى وَ الْمَسَاكِينَ وَ ابْنَ السَّبِيلِ وَ السَّائِلِينَ وَ فِي الرِّقَابِ﴾؛ نیکوکاری آن نیست که
روی خود را به سوی مشرق و [یا] مغرب بگردانید، بلکه نیکی آن است که کسی به
خدا و روز بازپسین و فرشتگان و کتاب [آسمانی] و پیامبران ایمان آورد و مال





[خود] را با وجود دوست داشتنش، به خویشاوندان و یتیمان و بینویان و در راه‌ماندگان و گدایان و در [راه آزاد کردن] بندگان بدهد» (بقره: ۱۷۷).

البته خدمت به خلق نباید باعث شود آدمی از فضایل اخلاقی دیگر غافل شود یا به عبارت دیگر، دچار افراط در این زمینه شود. شهید مطهری با استناد به این گفته سعدی که: «عبادت به جز خدمت خلق نیست»، می‌گوید: برخی با برجسته کردن خدمت به خلق، می‌خواهند ارزش‌های بزرگ و عالی مورد توصیه اسلام مثل زهد، علم، جهاد و عبادت را نفی و انکار کنند.

مخصوصاً بعضی از این روشنفکرهای امروز خیال می‌کنند به یک منطق خیلی عالی دست یافته‌اند و اسم آن منطق خیلی عالی را انسانیت و انسان‌گرایی می‌گذارند (مطهری، ۱۳۷۹، ج ۲۳: ص ۱۱۶). خطاب سعدی متوجه بعضی از متصوفه است که کارشان را فقط در سجاده و تسبیح خلاصه کرده بودند و از کارهای خیرخواهانه غافل بودند. دین مقدس اسلام با احسان به مردم و خدمت به آن‌ها مخالف نیست، بلکه آن را نوعی کمال و ارزشی از ارزش‌های والای الهی و انسانی می‌داند اما با انحصارش مخالف است (همان، ص ۲۸۰). پس، اگر انسانیت را در خدمت به خلق منحصر بدانیم و به هیچ ارزش دیگری اهمیت ندهیم، باز دچار افراط می‌شویم.

۳. آزادی

از دیدگاه شهید مطهری یکی از مهم‌ترین و برجسته‌ترین ارزش‌ها، آزادی است که مافوق ارزش‌های مادی و از معنویات محسوب می‌شود. انسان‌های بامعنویت، زندگی در شرایط سخت را تحمل می‌کنند، ولی حاضر نیستند در اسارت و بند یک انسان دیگر باشند؛ یعنی دوست دارند آزاد و آزادانه زندگی کنند (همان، ص ۱۱۷). عده‌ای در موضوع آزادی انسان دچار افراط شده و معتقدند ارزش دیگری غیر از آزادی وجود ندارد و همه چیز را در آزادی منحصر کرده‌اند،

در حالی که ارزش‌های فراوان دیگری مثل عدالت، عرفان، حکمت و... نیز وجود دارد (همان، ص ۱۱۸).

۴. عشق

شهید مطهری نگاه افراطی و تک بُعدی به مبحث عشق را شدیداً مذمت می‌کند و می‌گوید: گاهی عشق مثل آنچه در عرفان و تصوف و غزلیات عرفانی ما هست، تنها ارزش انسانی تلقی می‌شود و تمام ارزش‌های دیگر مثل عقل مورد غفلت واقع می‌شوند. برخی از عرفا که گرایش آنان به ارزش عشق است، اصلاً گرایش ضد عقل دارند و رسماً با عقل مبارزه می‌کنند. حافظ می‌گوید:

صوفی از پرتو می‌راز نهانی دانست گوهر هر کس از این لعل توانی دانست
قدر مجموعه گل مرغ سحر داند و بس که نه هر کو ورقی خواند معانی دانست

(حافظ، ۱۳۷۸، ص ۴۸)

بنابراین، از دیدگاه برخی صوفیان اصل و اساس انسان و آدمیت، عشق است و عقل را به خاطر پای‌بند بودنش، به‌طور کلی محکوم می‌کنند و مذموم می‌دانند. آنان غافل‌اند از اینکه غیر از عشق، ارزش‌های فراوان دیگری مثل محبت، عبادت، عقل، خدمت به خلق و آزادی وجود دارد.

شهید مطهری معتقد است هیچ کدام از این ارزش‌ها به تنهایی انسان را به مقصد و مقصود و کمال نمی‌رسانند. او انسان کامل را انسانی می‌داند که همه این ارزش‌ها در بالاترین درجه و به‌طور هماهنگ در وجود او به رشد و شکوفایی لازم رسیده باشد. مصداق اتم و اکمل انسان کامل، معصومین و از جمله امام علی علیه السلام است (مطهری، ۱۳۷۹، ج ۲۳: ص ۱۱۹-۱۱۸).



نتیجه گیری

از دیدگاه شهید مطهری اعتدال یا حد وسط مرز مطلوب تمام امور است و رعایت اعتدال بر فرد و جامعه لازم است و این دو بر هم تأثیر متقابل دارند؛ اگر فرد در کارهایش اعتدال را رعایت کند و از افراط و تفریط دوری کند، طبیعتاً رفتار او در اجتماع تأثیر گذار خواهد بود و متقابلاً اگر جامعه‌ای راه اعتدال را بی‌مایید، افراد آن جامعه به سعادت دست می‌یابند.

شهید مطهری معتقد است اجتماع در حد خودش حالت اعتدالی دارد و اگر از این اعتدال منحرف شود، سقوط می‌کند. به نظر وی، جامعه مانند بدن انسان به اعتدال احتیاج دارد. همیشه راه اعتدال یک خط باریک است که اندکی بی‌توجهی موجب خروج از آن می‌شود. جمود و جهالت، ظلم و استثمار و هوای نفس همواره آدمی را تهدید می‌کند و باعث می‌شود او از اعتدال خارج شود و به سوی افراط و تفریط گرایش یابد. نتیجه اینکه انسان کامل کسی است که همه ارزش‌های انسانی را به‌طور هماهنگ و در حد اعلی در خود رشد داده باشد. از دیدگاه شهید مطهری، معصومین علیهم‌السلام از این ویژگی برخوردارند و مصادیق انسان کامل هستند. دیگران هم باید به تبعیت از این بزرگواران در عمل بر جاده اعتدال قدم بگذارند. اعتدال منشأ رسیدن به کمالات و مایه پیشرفت مادی و معنوی انسان و در نتیجه، موجب سعادت‌مندی فرد و جامعه می‌شود.



کتابنامه

۱. قرآن کریم (۱۳۷۳)، ترجمه محمد مهدی فولادوند، تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
۲. آلوسی، محمود بن عبدالله (۱۴۲۰ق)، روح المعانی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳. آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۳۶۶)، تصنیف غررالحکم و درر الکلم، قم: مرکز النشر التابع لمکتبة الاعلام الاسلامی.
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۲ق)، لسان العرب، بیروت: دارالفکر و الطباعة و النشر و التوزیع.
۵. اترک، حسین و مریم خوشدل روحانی (۱۳۹۳)، «نقد و ارزیابی نظریه اعتدال در اخلاق»، آینه معرفت، سال ۱۴، ش ۳۸، ص ۱۵۳-۱۲۴.
۶. ارسطو (۱۹۷۹)، الاخلاق، ترجمه اسحاق بن حنین، کویت: وكالة المطبوعات.
۷. اسلامی، حسن (۱۳۸۷)، «اخلاق فضیلت مدار و نسبت آن با اخلاق اسلامی»، پژوهش نامه اخلاق، سال اول، ش ۱، ص ۲۲-۱.
۸. امام صادق علیه السلام (منسوب به) (۱۴۰۰ق)، مصباح الشریعة، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
۹. امام علی علیه السلام (۱۳۸۰)، نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، چ ۳، تهران: زهد.
۱۰. امانی، زکیه (۱۳۹۴)، «اعتدال در قرآن»، فصلنامه نقد کتاب قرآن و حدیث، سال اول، ش ۴، ص ۶۰-۴۱.
۱۱. بهنام، رسول و حسن فامیان (۱۳۹۶)، «اعتدال در نظر استاد مطهری و شاعران پارسی گو به به عنوان یکی از شاخصه های تربیتی»، دومین کنفرانس ملی علوم انسانی اسلامی.
۱۲. پیامبر اکرم ﷺ (۱۳۸۲)، نهج الفصاحه، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: دنیای دانش.



۱۳. جر، خلیل (۱۳۷۲)، فرهنگ لاروس، ترجمه سید حمید طیبیان، چ ۲، تهران: امیرکبیر.
۱۴. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۵)، تفسیر انسان به انسان، قم: اسراء.
۱۵. حافظ، شمس‌الدین محمد (۱۳۷۸)، دیوان حافظ، به کوشش رضا کاکائی دهکردی، تهران: ققنوس.
۱۶. حدادیان، مهین (۱۳۹۰)، بررسی و نقد نظریه اعتدال از دیدگاه علامه مهدی نراقی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: حسین اترک، دانشگاه زنجان.
۱۷. دورانت، ویل (۱۳۳۵)، تاریخ فلسفه، ترجمه عباس زریاب خویی، تهران: کتابخانه دانش.
۱۸. سعدی، مصلح بن عبدالله (۱۳۶۳)، گلستان، شرح محمد خزایلی، چ ۵، تهران: جاویدان.
۱۹. _____ (۱۳۷۱)، بوستان، به کوشش خلیل خطیب رهبر، تهران: صفی‌علی شاه.
۲۰. سیدقریشی، ماریه (۱۳۹۳)، اخلاق عقلی و فلسفی (۱) (اخلاق ارسطویی)، تهران: راشدین.
۲۱. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم (۱۳۸۸)، الحکمة المتعالیة فی اسفار العقلیة الاربعة، ترجمه محمد خواجوی، چ ۳، تهران: مولی.
۲۲. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۶۵)، المیزان فی تفسیر القرآن، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۳. طوسی، خواجه نصیرالدین (۱۳۷۳)، اخلاق ناصری، چ ۵، تهران: خوارزمی.
۲۴. عبداللهی، سوسن (۱۳۹۳)، اعتدال، مؤلفه‌ها و آثار آن در قرآن و حدیث، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: سهراب مروتی، دانشکده علوم انسانی، مؤسسه آموزش عالی باختر ایلام.



۲۵. فارابی، محمد بن محمد (۱۹۷۱)، *فصول منتزعه*، تحقیق فوزی متری نجار، بیروت: دارالمشرق.
۲۶. فرجی، مجتبی (۱۳۸۰)، *زندگی در آینه اعتدال*، قم: بوستان کتاب.
۲۷. قرشی، علی اکبر (۱۳۷۱)، *قاموس قرآن*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۸. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، *بحار الانوار*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۹. مصطفوی، حسن (۱۳۶۰)، *التحقیق فی الکلمات القران الکریم*، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۳۰. مطهری، مرتضی (۱۳۷۹)، *مجموعه آثار*، ۲۷ جلد، چ ۳، تهران: صدرا.
۳۱. یوسفی راد، مرتضی (۱۳۹۳)، «نظریه اعتدال در فلسفه سیاسی اسلامی»، *مجله حکمت اسلامی*، ش ۳، ص ۹۱-۱۱۲.



مناسبات اخلاق و اقتصاد در اسلام (تطبیق انتقادی نظریه رشد اخلاقی کلبرگ)

حسن بوسلیکی*، مهدی علیزاده**

چکیده

رشد اخلاقی فرایندی است که به بهبود شاخص‌های اخلاقی از قبیل استدلال و نگرش اخلاقی، هیجان‌ات اخلاقی، درونی‌سازی اصول اخلاقی و التزام علمی به هنجارهای اخلاقی منجر می‌شود. از جمله نظرات شایع در رشد اخلاقی، نظریه کلبرگ است. در پژوهش حاضر با پذیرش چارچوب نظری او (نظام شش مرحله‌ای رشد استدلال اخلاقی) به واکاوی رابطه این رشد با رشد مطلوبیت‌های اقتصادی (تولید، توزیع و انباشت ثروت) پرداخته‌ایم. این پژوهش ماهیت کتابخانه‌ای دارد و با اتکا به اسناد صورت گرفته است. پرسش اصلی این است که چه رابطه‌ای میان ساز و کار و مراحل رشد قضاوت و استدلال اخلاقی با عملکرد مطلوب اقتصادی افراد وجود دارد؟ این رابطه به صورت دوسویه (تأثیر دوجانبه) بررسی شده است. نتیجه‌ای که از این پژوهش حاصل شد، این بود که مراحل رشد اخلاقی رابطه‌ای مستقیم با شاخص‌های رشد اقتصادی دارند، البته برخی مراحل رشد، نیازمند ضمیمه

* استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران.

** استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران.

H.boosaliki@isca.ac.ir

M.alizadeh@isca.ac.ir

تاریخ تأیید: ۱۳۹۹/۰۲/۲۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۲/۳۱



کردن فرهنگ عمومی خاصی می‌باشند تا این رابطه ایجاد شود. از سوی دیگر، ارتقای وضعیت اقتصادی (تولید ثروت پاک و توزیع عادلانه آن)، زمینه‌ساز رشد اخلاقی کلبرگی می‌باشد. در این بین اخلاق اسلامی، هم در سطح حداکثری و هم در سطح حداقلی، نه تنها به زهد مذموم تشویق نمی‌کند، بلکه زمینه‌ساز رشد اقتصادی می‌باشد.

کلیدواژه‌ها

رشد اخلاقی، تولید ثروت، ثروت پاک، توزیع ثروت، اخلاق اسلامی.

درآمد

سال‌هاست که رابطه اخلاق و اقتصاد محل نزاع اندیشمندان است. این رابطه که از یونان باستان مورد قبول بوده است، با سیطره تفکر کلاسیک اقتصادی (با تکیه بر آرای آدام اسمیت و پیروان او) به محاق رفت. امروزه ارتباط اخلاق و اقتصاد اهمیت خود را بازیافته است و نظریه پردازانی همچون آمارتیا سن و فریمن هر کدام به گونه‌ای به احیا و ترمیم این رابطه (هم در سطح دانشی و هم در سطح فعالیت‌های اقتصادی) همت گماشته‌اند. در این میان، پیوند روان‌شناسی اخلاق و اقتصاد می‌تواند افقی جدید در این عرصه بگشاید. نوشتار حاضر، حاصل نگاهی میان‌رشته‌ای بین روان‌شناسی اخلاق و اقتصاد است. بدین منظور، نظریه لارنس کلبرگ که شخصیت برجسته‌ای در روان‌شناسی اخلاق محسوب می‌شود، به‌منزله چارچوب نظری پژوهش برگزیده شد. تلاش بر این بود که مراحل شش‌گانه نظریه کلبرگ با توجه به مطلوبیت‌های اقتصادی و با تأکید بر تولید ثروت پاک، توزیع عادلانه ثروت و انباشت ثروت بررسی شود.

در این مطالعه، رابطه دوسویه رشد اخلاقی و رونق اقتصادی بررسی شده است. از این رو، نوشتار حاضر مشتمل بر دو نهاد است: یکم. رشد اخلاقی افراد جامعه



موجب توزیع مطلوب و اخلاقی ثروت و افزایش تولید ثروت پاک می‌شود. دوم. رشد شاخص‌های اقتصاد سالم زمینه‌ساز رشد اخلاقی افراد جامعه است. در ادامه، ابتدا نظریه رشد اخلاقی کلبرگ را مرور می‌کنیم و بعد، به توضیح دو نهاد یادشده می‌پردازیم.

الف) نظریه رشد اخلاقی کلبرگ

لارنس کلبرگ (Lawrence Kohlberg) یکی از تأثیرگذارترین روان‌شناسان در زمینه رشد اخلاقی است. او راهی را که ژان پیاژه (Jean Piaget) در زمینه شناسایی مراحل رشد اخلاقی آغاز کرده بود، پی گرفت و طرح او را توسعه داد. روش کلبرگ از روش مصاحبه پیاژه الگوبرداری شده بود (پیاژه، ۱۳۷۹، ص ۹۷). او داستان‌هایی حاوی معماهای اخلاقی برای کودکان تعریف می‌کرد و از آنها می‌خواست درباره آن قضاوت کنند.

۱-الف) مراحل رشد قضاوت اخلاقی

کلبرگ توانست شش مرحله رشد قضاوت اخلاقی را شناسایی کند. وی این شش مرحله را در سه سطح سامان داد: سطح پیش‌عرفی، سطح عرفی و سطح فراعرفی (کدیور، ۱۳۷۸، ص ۴۷).

۱. سطح پیش‌عرفی

در سطح پیش‌عرفی، کودک فقط به نیازها و خواسته‌های خود توجه دارد. بایستی یا نابایستی اعمال ملاکی خودگروانه دارند. این سطح شامل دو مرحله است: «اطاعت و تنبیه» و «لذت‌گرایی ابزاری - نسبی گرایانه».

در مرحله اول، اساسی‌ترین اصل حاکم بر رفتار، اطاعت از مراجع قدرت و گریز از تنبیه است. کودک در این مرحله اساساً نمی‌تواند درک کند که دیگران نیازها و



تمایلاتی متفاوت با نیازها و تمایلات او دارند (Snarey & Samuelson, 2008: p.60). در مرحله دوم، کودک متوجه می‌شود که خواسته‌ها و علایق دیگران با علایق او متفاوتند (Ibid). پی بردن به این تفاوت، دو نتیجه دارد: اول اینکه کودک درمی‌یابد ملاک خوبی و بدی، تمایلات متفاوت افراد است و به عبارتی، او به نسبی‌گرایی معتقد می‌شود. نتیجه دوم این است که او برای اینکه به خواسته‌های دیگران (از جمله پدر و مادر خود) عمل کند، از آنها می‌خواهد که آنها هم به خواسته او عمل کنند؛ به بیان دیگر، کودک وارد یک معامله پایاپای لذت می‌شود: تو خواسته مرا برآورده کن تا من هم خواسته تو را برآورده کنم (Kohlberg & Hersh, 1977: p.55).

۲. سطح عرفی

در این سطح از رشد اخلاقی، کودک از خودگرایی محض فاصله می‌گیرد. دو مرحله این سطح در این خصوصیت مشترک هستند که توجه اصلی به خواسته‌های دیگران است. اصلی‌ترین جهت‌گیری این سطح، همنوایی با دیگران و قوانین آنهاست (Ibid). سطح عرفی شامل دو مرحله است: «هم‌گامی میان‌فردی» (interpersonal concordance) و «قانون و نظم» (The "law and order" orientation).

در مرحله سوم رشد اخلاقی (اولین مرحله از سطح دو)، کودک تلاش می‌کند نظر اطرافیان خود را جلب کند و در نظر آنها «پسر خوب/ دختر ناز» باشد. لازمه رسیدن به این مرحله توانایی اتخاذ نقش است. او باید بتواند خود را جای اطرافیان بگذارد تا درک کند چه چیزی برای آنها مهم است. مسئله اصلی برای او تأیید دیگران است. او به روابط میان‌شخصی بیش از هر چیز اهمیت می‌دهد، خود را جزئی از یک گروه می‌بیند و برای نقش‌های گروهی اهمیت خاصی قائل است (Ibid).



در مرحله چهارم رشد اخلاقی، نگاه فرد از گروه محدود خود به کل جامعه معطوف می‌شود. آنچه برای او در اولویت قرار دارد، عمل به قانون (اطاعت از مراجع اقتدار اجتماعی) و حفظ نظام اجتماع است (Ibid). او به ملاک‌هایی که فراتر از قانون باشند و بتوان با آن‌ها قانون را محک زد، فکر نمی‌کند.

۳. سطح فراعرفی

در این سطح، فرد آشکارا تلاش می‌کند برای خود، اصول و ارزش‌های اخلاقی‌ای تعریف کند که جدا از مرجعیت گروه‌ها یا اشخاص از اعتبار و کاربرد برخوردار باشند (Ibid). دو مرحله این سطح عبارتند از: «قانون‌گرایی بر اساس قرارداد اجتماعی» و «اصول اخلاق جهانی».

در مرحله پنجم رشد اخلاقی (اولین مرحله سطح سوم)، فرد در ضمن اینکه قوانین مورد توافق عمومی را محترم می‌شمارد، بر این باور است که می‌توان قوانین را نقد و برای بهبود آن‌ها تلاش کرد. البته تا زمانی که توافق جدیدی برای قانون شکل نگرفته است، مراعات قانون برای همه الزامی است. در این مرحله شخص به نوعی سودگرایی قاعده‌نگر باور پیدا می‌کند (Kohlberg, 1981: p.150)؛ یعنی تلاش می‌کند بر پایه قوانین وضع شده، سود را برای همه مردم به حداکثر برساند.

در مرحله ششم، فرد بر اساس اصول انتخابی خود عمل می‌کند. این اصول جهان‌شمول و فراتر از معیارهای فرهنگی و قانونی جامعه خاص هستند. دو اصل عدالت و احترام به ارزش ذاتی انسان‌ها بر تفکر اخلاقی این مرحله سایه افکنده‌اند. مطابق اصل اول، در موقعیت‌های تعارض باید به مطالبات همه طرف‌ها یکسان توجه شود. مطابق اصل دوم (احترام به انسان‌ها)، باید فارغ از جایگاه اجتماعی افراد، به شأن انسانی آن‌ها احترام گذاشت و انسان‌ها را به چشم هدف نگریست نه وسیله. چنین نگاهی تنها زمانی حاصل می‌شود که از پرده جهل رالز بهره گرفته شود.





قواعد اجتماعی که بر اساس این اصول بنا شده باشند، در این مرحله نیز مانند مرحله پنجم محترم هستند، ولی هرگاه شخص احساس کند مراعات این قوانین به نقض اصول اخلاقی منجر می‌شود، تخلف از آن‌ها را مجاز می‌شمارد. گفتنی است در مرحله ششم، نگرشی وظیفه‌گرایانه (Deontological) بر تفکر شخص حاکم است.^۱ محوری‌ترین مفهوم اخلاقی در نظریه کلببرگ، مفهوم عدالت است. می‌توان مراحل رشد اخلاقی را مراحل توسعه فهم عدالت دانست؛ در مرحله اول رشد اخلاقی، عدالت به معنای اطاعت مؤدبانه از دستورها فهمیده می‌شود. در مرحله دوم، عدالت، مساوات کمی پایاپای تفسیر می‌شود. در مرحله سوم، عدالت آن است که سبب بهبود و پایداری روابط میان افراد شود. در مرحله چهارم، عدالت این است که همه افراد در مقابل قانون مساوی باشند. در مراحل پنجم و ششم، عدالت به برابری فرصت‌ها و امکان رقابت مساوی برای رسیدن به مساوات ذاتی تفسیر می‌شود (Kohlberg, 1981: p.144).

حال که نظریه رشد اخلاقی کلببرگ را به اجمال مرور کردیم، به توضیح دو نهاد اصلی این نوشتار می‌پردازیم: یکم، رشد اخلاقی افراد جامعه موجب توزیع مطلوب و اخلاقی ثروت و افزایش تولید ثروت پاک در جامعه می‌شود. دوم، رشد شاخص‌های اقتصاد سالم زمینه‌ساز رشد اخلاقی افراد جامعه است.

ب) تأثیر رشد اخلاقی در افزایش مطلوبیت‌های اقتصادی

شاید بتوان در یک نگاه کلی مطلوبیت‌های اقتصادی را در سه مقوله تولید، توزیع و مصرف ثروت خلاصه کرد (دادگر و رحمانی، ۱۳۸۶، ص ۴۲). در این نوشتار، موضوع مصرف از نظر انباشت ثروت بررسی شده و به همین دلیل، سه محور تولید، توزیع و انباشت ثروت، مبنای تحلیل قرار گرفته است. در این نوشتار، تولید مشروع ثروت مدنظر است. بنابراین اگر ادعا شود که رشد اخلاقی، تولید ثروت را افزایش

۱. برای توضیح اینکه چرا مراحل بالاتر بهتر از مراحل پایین‌تر هستند، رک: Kohlberg, 1981.

می‌دهد، منظور این است که رشد اخلاقی، میزان تولید مشروع را افزایش می‌دهد. این سخن بدین معنا نیست که میزان تولید ثروت، ثابت می‌ماند و تنها نسبت مشروع به نامشروع افزایش می‌یابد، بلکه منظور این است که به فرض مشروع بودن همه طرق تولید ثروت، انسان‌های اخلاقی بیش از دیگران به تولید ثروت کمک می‌کنند؛ یعنی به فرض مساوی بودن دیگر شرایط، رشد اخلاقی افراد با رشد تولید ثروت رابطه مستقیم دارد.

از آن رو که توزیع ثروت اساساً مشحون از مفاهیم هنجاری است، ارتباط آن با رشد اخلاقی روشن‌تر از شاخص‌های دیگر اقتصادی است. توجه به مراحل رشد درک مفهوم عدالت (مراحل پنج‌گانه کلب‌رگی) روشن می‌کند که هر چه شخص به مراحل بالاتر نزدیک می‌شود، به برداشت خالص‌تری از عدالت می‌رسد.

اما لازم است به رابطه رشد اخلاقی و شاخص تولید ثروت بیشتر و جزئی‌تر توجه شود. آنچه درباره مراحل شش‌گانه کلب‌رگی گفتنی است این است که به ترتیب ملاک قضاوت شخص از «خود» به «دیگران مفید» و از آن به «دیگران مهم»، آنگاه به «جامعه خود» و در نهایت، به «کل بشریت» (جامعه جهانی) توسعه می‌یابد.

تغییر محسوس دیگری که در خلال پیشرفت افراد در مراحل رشد رخ می‌دهد این است که از نوعی سودگرایی به وظیفه‌گرایی ارتقا می‌یابند؛ بدین معنا که ملاک قضاوت، تا مرحله پنجم، لذت و سودی است که عاید خود شخص یا دیگران می‌شود، ولی در مرحله ششم، فرد بدون توجه به میزان سودی که حاصل می‌شود، اصولی را معتبر می‌شمرد و آن‌ها را ملاک قضاوت خود قرار می‌دهد. البته نباید از خاصیت تراکمی بودن مراحل رشد غافل بود. کلب‌رگی بر این باور است که ملاک‌های مراحل پایین‌تر در مراحل بالاتر جذب می‌شوند؛ بدین معنا که آن ملاک‌ها در مراحل بالاتر وجود دارند، ولی شخص برای قضاوت از آن‌ها استفاده نمی‌کند، زیرا تمایل دارد همیشه طبق بالاترین ملاک قضاوت کند.





مرحله اول کلبرگ ظاهراً با نظریه اقتصاد خرد اسمیت (Adam Smith) سازگار است. زیرا همان‌طور که گفته شد، در این مرحله شخص تنها به سود خود می‌اندیشد. اسمیت بر این باور بود که در صورتی ثروت ملل افزایش می‌یابد که هر کس فقط منافع خود را دنبال کند (دادگر، ۱۳۸۳، ص ۲۲۸)؛ یعنی در نگاه نخست، مفاد مرحله اول کلبرگ برای تأمین نظریه اسمیت لازم و کافی است و به نظر می‌رسد به رشد بیشتری نیاز نیست. طبق این منطق، چه بسا رشدهای افراد به مراحل بالاتر به کاهش تولید ملی و ثروت ملل منجر شود، اما توجه به دو نکته لازم است: نکته نخست - مراحل کلبرگ حالت تراکمی دارند؛ یعنی در مراحل بالای رشد، ملاک سود شخصی هنوز موجود است و از بین نرفته است.

نکته دوم - باید میان خودگرایی (Egoism) و خودپسندی (Selfishness) تمایز قائل شد. خودگرایی نظریه‌ای در باب ارزش اخلاقی است، ولی خودپسندی رذیلتی اخلاقی است. یک خودگرای عاقل ممکن است کاملاً به اصول اخلاقی مانند صداقت، وفاداری و احترام به حقوق دیگران پایبند باشد، در حالی که حالت کودک در مرحله اول، بیشتر شایسته عنوان خودپسندی است. آنچه برای تبیین نظریه اسمیت لازم است، خودگرایی است؛ به تعبیر دیگر، برای آنکه نظریه اسمیت تحقق یابد، کافی است افراد خودگرای واقعی باشند. بنابراین، چنین نیست که نظریه اسمیت با رشد اخلاقی ناسازگار باشد و تنها با مرحله اول کلبرگ سازگار باشد. خودپسندی مرحله اول، با رشد اخلاقی تبدیل به خودگرایی می‌شود.

درباره مرحله دوم کلبرگ باید گفت که این مرحله نیز ظاهراً با نظریه اسمیت سازگار است؛ زیرا در این مرحله نیز همانند مرحله اول، توجه شخص به خواست‌ها و امیال خود معطوف است. تفاوت این مرحله با مرحله نخست در این است که شخص به منطقی مبادله‌ای دست می‌یابد. مبادله عادلانه منافع او را وامی‌دارد تا برای عرصه تبادل، کالایی درخور فراهم کند؛ از این رو، مرحله دوم کلبرگ (نسبت به مرحله اول) برای تعاملات اقتصادی مناسب‌تر و برای توزیع عادلانه ثروت

باضمانت تر است. البته این مفهوم عدالت، مانع تحقق بهینگی پارتو می‌شود؛ چرا که شخص هنوز در مرحله خودگرایی قرار دارد و بیش از آن که به توزیع بهینه منابع بیندیشد، به فکر منافع خویش است. لذا تخصیص منابع با منطق چنین شخصی، جامعه را به بهینگی پارتو نزدیک نمی‌کند.

در مرحله سوم، شخص از خودگرایی محض فاصله می‌گیرد و توجهش به امیال و نیازهای دیگران جلب می‌شود. تأیید اجتماعی دیگران برای او مهم است؛ به همین دلیل، این مرحله یک تیغ دو دم است. اگر در جامعه‌ای ثروت و تکاثر ارزش تلقی شود و به پاکی و سلامت ثروت توجهی نشود، شخص برای جلب تأیید اجتماعی به دنبال افزایش ثروت «از هر راهی» خواهد بود. بدیهی است نمی‌توان این شکل از فعالیت اقتصادی را برای رشد اقتصادی سالم قابل قبول دانست. برای اینکه افراد مرحله سوم را به تولید ثروت پاک تشویق کنیم، باید بکوشیم در فرهنگ عمومی جامعه، ثروت پاک ارزش تلقی شود؛ یعنی اولاً، پی‌جویی ثروت ارزش باشد نه ضد ارزش و ثانیاً، مشروع بودن روش تحصیل ثروت نیز از ارزش‌های جامعه (مخصوصاً عرف خاص هر حرفه‌ای) باشد.

وقتی شخص به مرحله چهارم کلبه‌گی ترقی می‌کند، بیش از هر چیزی نظم اجتماعی و رفتار قانون‌مدار مطمح نظر او می‌شود. این نگاه خود مستقیماً انگیزه تولید ثروت پاک نیست، ولی اگر این نگاه به فرهنگ عمومی تبدیل شود و همه افراد جامعه به این سطح برسند، زمینه فعالیت‌های اقتصادی مطمئن فراهم می‌شود. التزام افراد جامعه به حرکت در چارچوب قانون، نتایج اقتصادی چون امنیت شغلی، امنیت سرمایه‌گذاری و جذب سرمایه‌های خارجی به ارمغان می‌آورد که همه آنها زمینه‌ساز تولید ثروت پاک هستند. در مرحله چهارم، عدالت یعنی اینکه همه در برابر قانون مساوی باشند. این برداشت از عدالت - با برچیدن زمینه‌های رانت‌خواری و امتیازدهی خارج از ضوابط و با شکل‌دهی بازی‌های «برد-برد» - بستر افزایش ثروت و حرکت جامعه به سوی وضعیت بهینه پارتو را فراهم می‌کند.





اما دربارهٔ مرحلهٔ پنجم باید گفت سوگیری اصلی این مرحله، توجه به اصول اخلاقی جهان‌شمولی است که می‌توانند ملاک نقد قوانین موجود باشند؛ یعنی اگر قوانین حاکم بر فعالیت‌های اقتصادی، غیراخلاقی و ناعادلانه وضع شده و زمینهٔ سوءاستفادهٔ فرصت‌طلبان را فراهم آورده‌اند، می‌توان امید داشت که با نگاهی نقادانه و مبتنی بر اصول اخلاقی جهان‌شمول، برای اصلاح آن‌ها اقدام شود. همین امیدواری، فعالیت‌های اقتصادی را افزایش می‌دهد و امنیت اقتصادی، اعتماد متقابل بخش خصوصی و دولتی، استحکام روابط کارگر و کارفرما، بهبود فضای کسب و کار و بهینه شدن مصرف ثروت تولیدی را ارتقا می‌بخشد. در این مرحله، پایبندی به اصول اخلاقی جهانی، زمینه‌ساز اعتماد بین‌المللی شده، ورود به تجارت جهانی را برای کشور ممکن می‌سازد. تجارت جهانی از چند جنبه به رشد شاخص‌های اقتصادی کمک می‌کند؛ ورود به تجارت جهانی، انحصارگرایی شرکت‌های داخلی را محدود می‌کند. انحصارگرایی، شرکت‌ها را به جای اینکه قیمت‌پذیر باشند، قیمت‌گذار می‌کند و این مسئله سبب تورم بی‌دلیل می‌شود و ارزش پول ملی را کاهش می‌دهد. همچنین، تجارت جهانی بر سطح توقع مصرف‌کننده داخلی می‌افزاید و شرکت‌های تولیدی را به سوی یک رقابت مثبت برای ارتقای کیفیت و کاهش قیمت سوق می‌دهد. تجارت جهانی، کشورها را بر مزیت نسبی خود متمرکز می‌کند و همین امر سبب مصرف بهینه منابع طبیعی می‌شود.^۱

عنصر مهم‌تر در این مرحله، نگاه سودگرایانه به قوانین است. ارزش قوانین و اصول اخلاقی به این است که بیشترین میزان خیر عمومی را نصیب حداکثر افراد کند؛ یعنی افراد در این مرحله نه تنها در پی توزیع عادلانهٔ سود موجود هستند، بلکه در صدد افزایش سود هم هستند. چنین نگاهی، علاوه بر اینکه به نفع بهینگی پارتو است، شاخص توسعهٔ انسانی (HDI) را نیز ارتقا می‌دهد.^۲ البته روشن

۱. توضیح رابطه میان تمرکز بر مزیت نسبی و مصرف بهینه منابع طبیعی نیازمند نوشتاری مستقل است.

۲. Human Development Index (شاخص توسعهٔ انسانی): یک اندیکس ترکیبی خالص است که متوسط موفقیت یک کشور را در سه جنبهٔ اساسی توسعه اندازه می‌گیرد: طول عمر، دانش و استاندارد مناسب زندگی. طول عمر با امید



است که منطق کسی که در مرحله پنجم کلبرگی قرار دارد، با دیدگاه اسمیت در اقتصاد سازگار نیست.

در مرحله ششم کلبرگی هر چند نگاه‌های سودگرایانه مرحله پنجم حاکم نیست، پایبندی به اصول اخلاقی همچنان به قوت خود باقی است. شخص در این مرحله به دو اصل عدالت و احترام به دیگران دست یافته است. او برای همه انسان‌ها ارزش یکسانی قائل است و در تعاملاتش سعی نمی‌کند به خاطر منافع خود به دیگران آسیبی وارد کند. کسی که به این مرحله از رشد اخلاقی رسیده هرگز دیگران را وسیله رسیدن خود به اهدافش قرار نمی‌دهد. اگر قرار است دیگران برای او کاری انجام بدهند، باید حقوقی نیز داشته باشند. چنین نگاهی به وضوح به ارتقای شاخص توسعه انسانی کمک می‌کند. تفکر اخلاقی مرحله ششم به توسعه تجارت جهانی می‌انجامد؛ چرا که با رفع نسبیته گرایانه ارزشی یکی از موانع اصلی رونق تجارت بین‌المللی را از میان برمی‌دارد. افراد در مرحله ششم به اصولی مشترک و جهانی دست می‌یابند که تعامل میان کشورها را تسهیل می‌کند.

روشن است که رونق تجارت جهانی بر اعتماد بین‌المللی به شرکت‌های چند ملیتی، فعالان بازارهای جهانی، دولت‌ها، فعالان تجارت جهانی و... استوار است. اگر اصولی همچون صداقت، امانتداری، احترام به کرامت انسان‌ها، احترام به فرهنگ کشورها، مراعات حقوق مشتری و... به منزله اصولی نسبی که ممکن است در جوامع مختلف متفاوت باشند، تلقی شوند (نسبت‌گرایی اخلاقی)، سرمایه اجتماعی تجارت جهانی از میان خواهد رفت و در فضای بی‌اعتمادی، رونق اقتصادی شکل نخواهد گرفت و بخش زیادی از انرژی افراد صرف نظارت و مقابله با کلاه‌برداری‌ها و رفع اتهامات و... خواهد شد. کما اینکه یکی از دلایل حضور نداشتن بعضی از کشورها

به زندگی در بدو تولد اندازه‌گیری می‌شود. دانش با ترکیبی از نرخ باسوادی بزرگسالان و نسبت ثبت نام خالص ترکیبی از آموزش ابتدایی، متوسطه و دانشگاهی (میانگین سال‌های تحصیل) اندازه‌گیری می‌شود. استاندارد زندگی با GDP سرانه یا درآمد اندازه‌گیری می‌شود (محمد علیخانی و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۴۱۶).



در تجارت جهانی، نگرانی درباره ارزش‌های بومی است که ممکن است در تجارت جهانی در معرض آسیب واقع شوند.

درباره مراحل پنجم و ششم گفتنی است که نگاه عدالت‌طلبانه این دو مرحله مستلزم ایجاد زمینه رشد مساوی برای کل جامعه است؛ یعنی همه افراد جامعه (مخصوصاً دهک‌های پایین) به رونق فضای کسب و کار امیدوار می‌شوند و همین امید، زمینه‌ساز فعالیت و رونق اقتصادی می‌شود.

تنها مسئله‌ای که در مرحله ششم اختلال ایجاد می‌کند این است که شخص اصول اخلاقی را فراتر از قانون می‌داند؛ بدین معنا که در تزامم قوانین موجود با اصول اخلاقی، منتظر اصلاح قانون نمی‌ماند و به وظیفه اخلاقی خود عمل می‌کند. پس، احتمال اینکه اشخاص مرحله ششم بر اساس تشخیص خود، از قوانین تخطی کنند، زیاد است. این مسئله ممکن است امنیت شغلی، اعتماد بازار و امنیت سرمایه‌گذاری را به خطر اندازد، ولی باید توجه کرد که کسی که در مرحله ششم رشد اخلاقی از قوانین موجود تخطی می‌کند، فقط به دلایل اخلاقی چنین کاری می‌کند. او با احترام کامل به حقوق همه انسان‌ها و بی‌آنکه خود را برتر از دیگران بداند، این کار را می‌کند؛ یعنی می‌توان مطمئن شد که او از سر سودجویی و فرصت‌طلبی، از قانون تخطی نکرده است. در واقع، رفتار او مانند این است که قانون ناقصی را بر پایه اصول اخلاقی اصلاح کرده باشیم.

نکته شایان ذکر این است که اگر درباره اخلاق‌بنگاه‌های اقتصادی، به جای مفروضه جدایی (ST)^۱، نظریه ذی‌نفعان (Stakeholders) را بپذیریم (Werhane & Freeman, 2003: p.543) و بخواهیم به جای انحصار سود به سهامداران، به سود همه کسانی که به نحوی در کارکردهای شرکت دخالت دارند یا

۱. Separation thesis: این مفروضه را که بیشتر فریدمن مطرح کرد، بیانگر این است که مسیر کسب و کار می‌تواند از مسیر اخلاق جدا شود. بنابراین، جمله «الف یک تصمیم مربوط به کسب و کار است» هیچ محتوای اخلاقی ندارد و «الف یک تصمیم اخلاقی است» هیچ محتوای مربوط به کسب و کار ندارد (Werhane & Freeman, 2003, p.541)

از آن متأثر می‌شوند^۱، بیندیشیم، آنگاه می‌توانیم بگوییم که تحقق این نظریه جز با نگاه مراحل پنجم و ششم به انسان‌ها حاصل نمی‌شود؛ چرا که تنها در این مراحل است که انسان به خودی خود مورد احترام است و خصوصیاتش در این احترام دخالتی ندارند.

ج) تأثیر بهبود شاخص‌های اقتصادی بر رشد اخلاقی

در این بخش می‌خواهیم به نهاده دوم، یعنی نقش بهبود وضعیت اقتصادی در رشد اخلاقی پردازیم؛ به عبارت دیگر، می‌خواهیم تأثیر افزایش تولید ثروت پاک و توزیع عادلانه آن را در فرایند رشدی کلبرگی بررسی کنیم.

اولین نکته‌ای که می‌توان به استناد آموزه‌های دینی، نظیر «کاد الفقر أن یكون کفراً» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲: ص ۳۰۷) و با بهره‌گیری از هرم نیازهای مزلو (Abraham Maslow) بیان کرد، این است که در شرایط عادی و در بیشتر موارد اگر نیازهای اولیه فیزیولوژیکی انسان تأمین نشوند، نیازهای مرتبه بالاتر مانند احساس تعلق و همبستگی فعال نمی‌شوند (شولتز، ۱۳۸۸، ص ۳۴۷). هر چند این نظر به‌طور کلی نقد شده است، ولی می‌توان آن را تا این حد پذیرفت که نوع انسان مادام که در تلاش برای تأمین نیازهای اولیه است، به نیازهای بالاتر مانند محبت، احترام و امنیت توجه ویژه‌ای نمی‌کند.

از سوی دیگر، تا هنگامی که شخص در نیازهای خود غوطه می‌خورد، توجهش به خود و نیازهایش معطوف است و به نیازهای دیگران توجه ندارد؛ به همین دلیل، تأمین حداقلی زندگی مادی به افراد کمک می‌کند تا به نیازهای دیگران و خواسته‌های آن‌ها نیز توجه کنند. یکی از اصلی‌ترین عوامل زمینه‌ساز رشد اخلاقی در نظریه کلبرگ، اتخاذ نقش (Role taking) است. لازمه اتخاذ نقش این است که شخص ابتدا به نیازهای دیگران توجه کند، آنگاه آن نیازها را در خود بازسازی کند؛ بنابراین، تأمین نیازهای اولیه افراد می‌تواند زمینه‌ساز اتخاذ نقش باشد.

۱. برای وصف دقیق‌تر ذی‌نفعان در این نظریه ر.ک: Werhane & Freeman, 2003, p.543.



البته شایان ذکر است رفاه‌زدگی و فاصله گرفتن از زندگی مردم متوسط و حتی نیازمند سبب می‌شود که اتخاذ نقش، دشوار، بلکه ناممکن شود. بنابراین، تولید و توزیع ثروت باید از یک سو، رفاه اولیه را تا اندازه‌ای برای افراد فراهم کند تا از پیلۀ نیازهای خود بیرون آیند و متوجه نیازهای هم‌نوعان خود شوند و از سوی دیگر، آن‌ها را چنان غرق رفاه نکند که قدرت همدلی با انسان‌های نیازمند را از دست بدهند.

موضوع درخور توجه آن است که گسترش مقبولیت شاخص توسعه انسانی (HDI) به منزله معیار توسعه یافتگی به جای توجه خام به سرانه تولید ناخالص داخلی (GDP)^۱ است. «در واقع توسعه انسانی مبتنی بر این ایده اساسی است که پیشرفت جوامع انسانی را نمی‌توان تنها با درآمد سرانه اندازه‌گیری کرد، بلکه لازمه دستیابی به زندگی بهتر علاوه بر داشتن درآمد بیشتر، پرورش و بسط استعداد و ظرفیت‌های انسانی است. بنابراین، توسعه انسانی عبارت است از فرایند بسط انتخاب‌ها و ظرفیت‌های انسانی» (محمد علیخانی و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۴۱۶). هدف کشورها برای ارتقای شاخص توسعه انسانی، ارتقای کیفیت زندگی همه شهروندان است. این هدفی اخلاقی است. یکی از شاخص‌های توسعه انسانی، بهره‌مندی افراد از دانش و آموزش است. توسعه دانش شرط لازم (نه کافی) برای ارتقای شناخت اخلاقی افراد است؛ از این رو، می‌توان ادعا کرد رشد اقتصادی به‌طور غیرمستقیم بر رشد شناخت اخلاقی افراد تأثیر می‌گذارد.

جنبه دیگر رابطه رشد اقتصادی با رشد اخلاقی به عدالت توزیعی مربوط است. در فضای اقتصاد اگر همه از فرصت مساوی برای تلاش اقتصادی برخوردار باشند، درمی‌یابند که ممکن است عده‌ای در وضعیت کاملاً منصفانه و صرفاً به دلیل تلاش

۱. Gross Domestic Product (تولید ناخالص داخلی): ارزش همه کالاها و خدماتی است که در بازه زمانی مشخص، داخل مرزهای یک کشور تولید و به واحد پولی جاری محاسبه می‌شود.





یا هوش بیشتر و یا موهبت‌های دیگر، از بقیه پیشی گیرند و کسی به ناعادلانه بودن چنین فرآیندی و نتایج آن حکم نمی‌کند؛ یعنی رویه‌های عادلانه مهم‌تر از نتایج تلقی می‌شوند (ملاک مراحل ۵ و ۶).

عده‌ای تصور کرده‌اند که نظریه اقتصاد خرد اسمیت بهترین خدمت را به رشد اخلاقی می‌کند؛ چرا که مهار غرایز منفی و تکانه‌های ضد اخلاقی تنها از این راه ممکن است که یکی از غرایز را علیه دیگر غرایز بشورانیم. یعنی با مجال دادن به غریزه نفع‌جویی و خودگرایی، دیگر غرایز مخرب را مهار کنیم (غنی‌نژاد، ۱۳۷۲ «الف»، ص ۶۶). طبق این نظر، نه تنها دخالت دادن ارزش‌های اخلاقی در فضای اقتصاد مخرب است، بلکه آزادی اقتصادی و تشویق افراد به پیگیری سود شخصی راه اصلاح اخلاق است (همان، ص ۶۴).

به بیان دیگر، اقتصاد نباید ابزاری برای ارزش‌های اخلاقی باشد، بلکه اگر خود اقتصاد هدف باشد، به طور خودکار به بهبود وضع اخلاق و امور اجتماعی خواهد انجامید (همان‌جا). اینکه بخواهیم افراد از نفع شخصی خود چشم‌پوشند، نه تنها صحیح نیست، بلکه ممکن هم نیست. بنابراین، به جای اینکه امری غیرممکن را پیش شرط تولید ارزش‌ها قرار دهیم، بهتر است از غریزه «نفع‌جویی و خودگرایی» برای پیشبرد اهداف اخلاقی استفاده کنیم. از این رو، توصیه اسمیت مبنی بر اینکه هر کس باید نفع شخصی خود را دنبال کند، بهترین و ممکن‌ترین راه اصلاح اخلاق است (غنی‌نژاد، ۱۳۷۲ «ب»، ص ۷۷).

در بررسی این دیدگاه باید توجه کرد که اساس این پیشنهاد، نفی گرایش‌های اصیل دیگر گرایانه در انسان است. اگر بتوان نشان داد که عواطف و گرایش‌های نوع‌دوستانه در خلقت انسان و حتی در سازمان عصبی انسان ریشه دارد (این انگاره امروزه در عصب‌روان‌شناسی اخلاقی مستندسازی شده است^۱)، آنگاه نمی‌توان به صرف این ادعا که تصمیمات انسان بر اساس عواطف است نه عقلانیت، توسعه و

۱. برای مطالعه بیشتر ر.ک: هاستینگز و دیگران، ۱۳۸۹؛ لور، ۱۳۸۹.

تجویز خود‌گرایی را تنها راه اصلاح اخلاق دانست؛ چرا که می‌توان عواطف نوع‌دوستانه را علیه عواطف و هیجانات ضداخلاقی چون حرص، طمع و بخل تقویت کرد و به اهداف اخلاقی دست یافت. حتی می‌توان با وجود حفظ حب ذات، با توسعه «خود»، دیگران را هم در دایره این حب ذات وارد کرد و باز به ملاحظات اخلاقی اصالت بخشید.

از سوی دیگر، روشن است که این پیشنهاد (دامن زدن به نفع‌جویی شخصی) نه تنها کمکی به فرد نمی‌کند تا در مراحل کلبرگ بالا رود، بلکه او را در مراحل پایین نگه می‌دارد. دلیل اصلی آن است که توان اتخاذ نقش را از او سلب می‌کند. کسی که فقط به نفع خود می‌اندیشد، توجهی به نیازهای دیگران ندارد و اگر هم متوجه دیگران شود، از زاویه نیازهای خود به نیازهای آنان می‌نگرد. این بدان معناست که تشویق خود‌گرایی، اتخاذ نقش را عملاً ناممکن و حذف خواهد کرد.

د) تأثیر رشدیافتگی متعالی دینی در افزایش مطلوبیت‌های اقتصادی

نظریه رشد اخلاقی کلبرگ، با وجود قدرت تبیین و شواهد تجربی فراوان، در تاریخ روان‌شناسی اخلاق بارها رد و تأیید شده است. پرداختن به نقاط قوت و ضعف این نظریه مجال دیگری می‌طلبد. در این نوشتار تلاش می‌کنیم با ارائه دیدگاه اسلام، مجال برای مقایسه فراهم کنیم. آنچه در این نوشتار درباره رشد اخلاقی و معنوی از دیدگاه اسلامی مد نظر است، ابعادی است که با رشد شاخص‌های اقتصادی پیوند دارند.

در این بخش درباره دو محور تولید ثروت پاک و توزیع عادلانه آن سخن خواهیم گفت. بهتر است این بررسی را در دو سطح سامان دهیم؛ سطح اول ناظر به نقاط اوج رشدیافتگی اخلاقی در اسلام و سطح دوم ناظر به حداقل‌های مورد انتظار اسلام.



سطح اول:

د-۱) رشدیافتگی و اخلاق مراقبت

در سطح اول و ناظر به نقاط اوج رشدیافتگی، اولین نکته که در مقام مقایسه باید به آن توجه شود این است که آخرین مرحله رشدیافتگی در نظریه کلبِرگ مشتمل بر نگاهی عدالت‌محور است. چنین نگاهی - همان‌طور که کسانی مانند کارول گیلیگان نیز اشاره کرده‌اند (واکر، ۱۳۸۹، ص ۱۹۷) - ناظر به وظایف و حقوق افراد است و چیزی فراتر از آن را پوشش نمی‌دهد؛ به عبارتی، فرد رشدیافته کلبِرگ تلاش می‌کند وظیفه خود را در قبال دیگران انجام دهد، ولی تعهدی به خیرخواهی و خدمت فراتر از وظیفه ندارد.

در چنین نگاهی جایی برای ایثار و ترجیح دیگران بر خود وجود ندارد. اخلاق اسلامی با رساندن پیروان خود به اعتلای اخلاقی، آن‌ها را آماده ایثار و از خودگذشتگی می‌کند. در این نظام ارزشی، نه تنها فرد خود را برتر از دیگران نمی‌داند (نقطه اوج اخلاق کلبِرگی) بلکه آمادگی دارد دیگران را بر خود برتری دهد و برای منافع آن‌ها از خیر خود بگذرد. چنین نگرشی سبب می‌شود در عرصه فعالیت‌های اقتصادی، حتی اگر فرد نیاز مالی نداشته باشد، برای خدمت‌رسانی و بهبود معیشت هم‌نوعان خویش، نهایت تلاش خود را مبذول دارد. او به این اکتفا نمی‌کند که شاخص‌های زندگی خود را (البته در رقابتی عادلانه) به حد مطلوب برساند، بلکه خواهان این است که برای بهبود زندگی دیگران فراتر از وظایفش تلاش اقتصادی کند.

این رویکرد به ارتقای شاخص توسعه انسانی می‌انجامد؛ چرا که شاخص توسعه انسانی اساساً قابل انباشت در یک جمع محدود نیست و باید در کل افراد جامعه پخش شود. کسانی که با اردوهای جهادی به تأمین نیازمندی‌های اولیه مناطق محروم اقدام می‌کنند، گذشته از ارزش اخلاقی، ارزشی اقتصادی می‌آفرینند و شاخص توسعه انسانی را بهبود می‌بخشند.





توجه اسلام به مفهوم عمیق و پرمایه اخوت و برادری، سطح رشدیافتگی انسان مسلمان را بسیار فراتر از عدالت خواهی می برد: ﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ﴾؛ مؤمنان برادران یکدیگرند» (حجرات: ۱۰). مسلمانان رشدیافته، فراتر از مساوات خواهی، به هم کیشان خود احساس برادری و اخوت دارند.

آنها نه تنها به حقوق دیگران تجاوز نمی کنند، بلکه در صدد خدمت رسانی و مراقبت و حمایت از برادران خویش هستند. امام علی ع می فرماید: «با سایر مردم با انصاف رفتار کن و با مؤمنان ایثار بورز»^۱ (آمدی تمیمی، ۱۴۱۰ ق: ح ۹۱۹۰). جامعه‌ای که از مجموعه چنین انسان‌هایی تشکیل شود، چون جسدی است که آسیب هر عضوی از آن، دیگر اعضا را نیز درگیر می کند (مجلسی، بی تا، ج ۵۸: ص ۱۵۰).

ثبات اقتصادی و امنیت شغلی اعضای دیگر در چنین جامعه‌ای دلمشغولی تک تک افراد آن است. در چنین بافتی، احتمال ورشکستگی، ارتشاء و تبعیض‌های فامیلی در واگذاری موقعیت‌های اقتصادی، تشکیل باندهای اغتشاش اقتصادی، شکل‌گیری مافیای کاغذ و شکر و دلار و هزاران آسیب اقتصادی دیگر بسیار کم می شود.

۲-۵) رشدیافتگی و انگیزش اخلاقی

یکی دیگر از موارد مقایسه نظریه کلبرگ با نظریه اسلام، به حوزه انگیزش برای عمل اخلاقی مربوط است. کلبرگ تلاش کرده با طرح مفاهیمی چون اتخاذ نقش، جو اخلاقی و سرمشق‌های اخلاقی، نیم‌نگاهی به ابعاد انگیزشی عمل اخلاقی داشته باشد، ولی به هر حال محور اصلی نظریه او ابعاد شناختی و استدلال اخلاقی است، تا آنجا که عده‌ای چون هایت، او را مقابل نظریه پردازان هیجانی مانند هیوم قرار می دهند (Haidt, 2001: p.811).

۱. عامل سائر الناس بالانصاف و عامل المؤمنین بالایثار.



انسان تعالی یافته اسلام، در حوزه رفتار اخلاقی، از انگیزه‌هایی به مراتب برتر از انسان رشد یافته کلبرگی برخوردار است. او در تمام فعالیت‌های خود خدا را شاهد و ناظر اعمالش می‌بیند و تلاش می‌کند به‌طور حداکثری خواسته‌های او را انجام دهد. رابطه معنوی و عاطفی او با پروردگار خویش موجب شده همه مخلوقات را متعلق به محبوب خود بداند. این نگرش، قوی‌ترین انگیزه‌ها را برای بهبود وضعیت معیشت مردم به او می‌دهد. چنین کسی نه تنها در قبال انسان‌های دیگر بلکه در قبال همه آفریده‌های خدا احساس مسئولیت می‌کند. او به فکر عمران و آبادی زمین است^۱ و در این راه می‌کوشد از ظرفیت همه منابع (طبیعی و انسانی) به‌نحو بهینه بهره‌برداری کند. این امر نه تنها برای برقراری عدالت بین‌نسلی است، بلکه زمینه توسعه پایدار را فراهم می‌کند.

د-۳) زهد و رشد اقتصادی

مورد دیگری که می‌توان در سطح اول مطرح کرد، زهد است. عده‌ای بر این باورند که آموزه‌های زاهدانه دین مسیحیت یکی از عوامل توسعه اقتصادی در جهان غرب است؛ چرا که زهد و ریاضت‌های دینی اولاً، سبب «به تعویق انداختن ارضای نیازها» می‌شود و این مسئله اصلی‌ترین عامل انباشت ثروت است. ثانیاً، یکی از ریاضت‌های مقبول، کار کردن و تحمل سختی‌های کار بوده و همین مسئله به افزایش نیروی کار و در نتیجه، به تولید ثروت منتهی شده است (هلاینر، ۱۳۸۱، ص ۲۶۵). این مطلب درباره زهد اسلامی نیز صادق است.

البته با اینکه در اسلام بر آموزه‌های زهد و قناعت و ریاضت‌های شرعی تأکید شده، رهبانیت به‌عنوان پدیده‌ای ضد تولید ثروت، مردود شمرده شده است. به تعبیر شهید مطهری، زهد در اسلام کم مصرف کردن به منظور تولید و بهره‌دهی بیشتر است

۱. ﴿هُوَ أَنشَأَكُم مِّنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَ كُمْ فِيهَا﴾؛ او شما را از زمین به وجود آورد و کار آبادی زمین را به شما سپرد (هود: ۶۱).

(مطهری، بی تا، ج ۱۶: ص ۵۳۸). انسانی که به رفاه و آسایش زاید خو می گیرد، نمی تواند به منزله یک نیروی مولد و فعال در عرصه اجتماع ظاهر شود. اکتفا به حد معقول تمتعات دنیوی، روح انسان را از تن پروری دور نگه می دارد و زمینه تکاپوی بیشتر را فراهم می کند. به جرأت می توان گفت زهد اسلامی عامل مؤثری در فعالیت سالم و پویای اقتصادی است.

یکی دیگر از ابعادی که زهد را به عامل رشد اقتصادی تبدیل می کند، این است که زهد و قناعت زمینه همدلی با اقشار کم درآمد را فراهم می کند. عده ای معتقدند این همدلی اصلی ترین عامل رفتار اخلاقی است (لرر، ۱۳۸۹، ص ۲۷۰). همدلی، انگیزه لازم را به فرد می بخشد تا برای کاهش فقر اقتصادی و بهبود شاخص های معیشتی هم نوعان خود تلاش کند؛ یعنی این عامل نه تنها به بهبود شاخص توزیع ثروت، بلکه به افزایش تولید ملی نیز کمک می کند. البته افراط در زهدورزی که به زندگی فقیرانه منجر شود، نتیجه عکس دارد؛ زیرا همان طور که اشاره شد، تأمین نشدن نیازهای اولیه سبب می شود توجه شخص به نیازهای خودش باشد و نیازهای دیگران از محدوده توجه او خارج شوند.

سطح دوم

در سطح دوم و در لایه حداقلی مطلوبیت دین، می توان مبحث را در دو محور پیش برد؛ محور اول ناظر به خصوصیات درونی متدینان است که رابطه مستقیمی با فعالیت اقتصادی دارند و محور دوم ناظر به آموزه های دینی است که فرد از باب تقید به آنها (نه لزوماً به دلیل خصوصیات درونی خود) به تلاش اقتصادی کشیده می شود.

د-۴) عزت نفس و رشد اقتصادی

درباره محور اول (خصوصیات درونی حداقلی مؤمنان) گفتنی است که یکی از ویژگی های شخصیتی که افراد را حائز حدنصاب مقبولیت دینی می کند، عزت نفس





و کرامت انسانی است. انسان ذلیلی که سر بار جامعه باشد، حدنصاب مورد نظر اسلام را ندارد. روشن است که یکی از اصلی ترین زمینه های بروز عزت نفس، امور اقتصادی و مالی است. فعالیت اقتصادی برای حفظ عزت نفس، زمینه را برای رونق اقتصادی در کل جامعه فراهم می کند.

امام صادق علیه السلام فرمود:

«کسی که دوست ندارد مال حلال جمع کند تا آبروی خویش را حفظ کند و

قرضش را پردازد، خیری در او نیست»^۱ (مجلسی، بی تا، ج ۱۰۰: ص ۷).

شاید بتوان دستورهای دینی ای را که به سلطه ناپذیری مسلمانان از غیرمسلمانان^۲

اشاره دارد، از مصادیق عزت نفس برشمرد. بی تردید، یکی از جدی ترین و مؤثرترین

عرصه های سلطه در جهان کنونی، سلطه اقتصادی است.

د-۵) انگیزه های بیرونی رشد اقتصادی

در باره محور دوم (آموزه های حرکت بخش اسلام) باید گفت حتی اگر مسلمان، از

سجایای مطلوب بهره مند نباشد، صرف تقید به آموزه ها و احکام دینی، او را به تولید

ثروت پاک سوق می دهد. اسلام از سویی، پیروان خود را به شدت از کسب نامشروع

و حرام بازمی دارد^۳ و از سوی دیگر، آنها را به کار و تلاش و توسعه اقتصادی

خانواده خویش فرا می خواند.^۴ نتیجه ای که از جمع این دو آموزه حاصل می شود،

۱. لَا خَيْرَ فِي مَنْ لَا يُجِبُّ جَمْعَ الْمَالِ مِنْ حَلَالٍ فَيَكْفَى بِهِ وَجْهَهُ وَ يَقْضِي بِهِ دَيْتَهُ.

۲. ﴿لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا﴾ (نساء: ۱۴۱).

۳. برای نمونه: «قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ مَنْ لَمْ يَبَالِ مِنْ أَيِّ بَابٍ اكْتَسَبَ الدِّينَارَ وَ الدِّرْهَمَ لَمْ أَبَالِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِنْ أَيِّ أَبْوَابِ النَّارِ أَدْخَلْتُهُ» رسول خدا فرمود: خداوند عز و جل فرمود: کسی که اهمیت نمی دهد از چه راهی

درهم و دینار کسب می کند، روز قیامت اهمیت نخواهم داد از کدامین در او را وارد جهنم سازم» (مجلسی،

بی تا، ج ۱۰۰: ص ۱۱).

۴. برای نمونه: «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ لَا تَدْعُ طَلَبَ الرُّزْقِ مِنْ جِلْهِ فَإِنَّهُ عَوْنٌ لَكَ عَلَى دِينِكَ» امام صادق علیه السلام فرمود:

کسب رزق از راه حلال را ترک مکن، چرا که آن کمک کار دینت است» (همان، ص ۶)؛ «قَالَ لِي أَبُو الْحَسَنِ الْأَوَّلُ



توصیه به تولید ثروت پاک است. اگر توصیه اسلام فقط جنبه سلبی می داشت، رابطه مستقیمی با تولید ثروت برقرار نمی کرد، ولی این توصیه جنبه ایجابی نیز دارد؛ امام صادق علیه السلام فرمود: «سه دسته هستند که خداوند آنها را بدون حساب و کتاب وارد بهشت می کند؛ پیشوای عادل، تاجر صادق و پیرمردی که عمرش را در طاعت خدای عز و جل صرف کرده است»^۱ (مجلسی، بی تا، ج ۱۰۰: ص ۵).

د-۶) اسوه های دینی و رشد اقتصادی

عامل سازنده دیگر، توصیه رهبران دینی به کار و تلاش اقتصادی است؛ به عبارت دیگر، اسلام از پیروان خود می خواهد وسعت روزی خود را در قول و فعل از خداوند خواستار باشند. هرگز اهل بیت علیهم السلام از خداوند تنگی روزی طلب نکرده اند، بلکه شواهد فراوانی وجود دارد که ایشان وسعت روزی را از خدا می خواستند.^۲ البته روشن است که این دعاها را با عمل خویش تصدیق می کردند و کار و تلاش اقتصادی را جدی می گرفتند. وقتی مردم رهبران دینی خود چون امام علی علیه السلام و امام باقر علیه السلام را مشاهده می کنند که در عین زهدورزی خالصانه، در کوشش اقتصادی مجتهد هستند، به تقلید از آنها به فعالیت اقتصادی سالم کشیده می شوند.

البته تنها هدف دین اسلام از دعوت به فعالیت اقتصادی رفع نیاز مالی نیست؛ یعنی خود کار و تلاش موضوعیت دارد و رفع نیاز مالی شخصی یکی از اهداف آن است. از این رو، هرگاه افراد متمول از ائمه درباره ترک کار و تلاش سؤال

علیه السلام من طلب هذا الرزق من جلّه لیعود به علی نفسه و عیالیه کان کالمجاهد فی سبیل الله؛ امام کاظم علیه السلام فرمود: کسی که رزق حلال کسب کند تا به خود و خانواده اش رسیدگی کند، مانند مجاهد در راه خداست» (همان، ص ۴).
۱. عن ابي عبد الله علیه السلام قال ثلاثه یدخلهم الله الجنة بغير حساب إمام عادل و تاجر صدوق و شیخ أفنی عمره فی طاعة الله عزّ و جلّ.

۲. برای نمونه، امام سجاده علیه السلام در دعای خود می فرماید: «و لا تفتنی بالسعة و امنحنی حسن الدعة» (صحیفه سجاده، دعای ۲۴).



می کردند، ائمه آن‌ها را به کار و فعالیت تشویق می کردند. بنابراین، فعالیت اقتصادی در اسلام نه تنها یک وظیفه شرعی است، بلکه جزء عبادات شمرده شده است. رسول الله ﷺ فرمود: «عبادت هفتاد جزء دارد که برترین جزء آن کسب حلال است»^۱ (مجلسی، بی تا، ج ۱۰۰: ص ۷). همچنین، فرمود: «کسب حلال بر هر مرد و زن مسلمان واجب است»^۲ (همان، ص ۹).

آنچه در این مقاله گفته شد، تنها گوشه‌ای از آموزه‌های اسلام بود که می‌توانند مستقیماً به تولید ثروت پاک و توزیع مطلوب آن یاری رسانند. البته پاره‌ای از آموزه‌ها نیز به‌طور غیرمستقیم در رشد اقتصادی نقش دارند که برای رعایت اختصار از پرداختن به آن‌ها صرف نظر شد.^۳

۱. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ الْعِبَادَةُ سَبْعُونَ جُزْءًا وَأَفْضَلُهَا جُزْءٌ أَطْلَبُ الْحَلَالَ.

۲. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَطْلَبُ الْحَلَالَ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَمُسْلِمَةٍ.

۳. یکی از این آموزه‌ها، توصیه به علم‌آموزی و تولید علم است. امروزه یکی از منابع جذب ثروت، تولید دانش است. بشر امروز پی برده است که آنچه بیش از مواد صنعتی و مواد طبیعی می‌تواند زندگی او را بهبود بخشد، فناوری و دانش فنی است. کشوری که بتواند پاسخگوی نیاز بشر به دانش فنی باشد، می‌تواند خود را از وابستگی به منابع طبیعی رها کرده، کالایی ارزشمند به بازار جهانی عرضه کند. این مسئله در عرصه علوم انسانی نیز صادق است. دولت‌ها خواهان این هستند که با یافتن راهکارهای علمی و متقن به مشکلات اجتماعی، اخلاقی، سیاسی، فرهنگی خود پایان دهند و سالیانه مبالغ هنگفتی را صرف مسائل این عرصه‌ها نکنند. دین اسلام با تشویق پیروان خود به علم‌آموزی، راه تولید ثروت پاک را هموار می‌کند.

نتیجه گیری

همان طور که بر اساس الگوی رشدی کلبرگ نشان داده شد، رشد اخلاقی به بهبود شاخص های توسعه اقتصادی (با تأکید بر تولید، توزیع و انباشت ثروت) می انجامد. اگر افراد جامعه ای از نظر اخلاقی رشد یافته باشند، آن جامعه بهتر می تواند اهداف اقتصادی خود را پیگیری کند.

برای نشان دادن این امر، از چارچوب رشد اخلاقی کلبرگ بهره گرفتیم و نشان دادیم که هر چه افراد به مراحل بالاتر رشد اخلاقی صعود کنند، مطلوبیت های اقتصادی را در سه حوزه تولید، توزیع و انباشت ثروت پاک، بیشتر تأمین می کنند. این رابطه سوئیچ دیگری نیز دارد؛ رشد اقتصادی سالم (تولید ثروت پاک و توزیع عادلانه آن) نیز به رشدیافتگی اخلاقی افراد کمک می کند، یعنی زمینه ساز رشد اخلاقی است. با برنامه ریزی های تربیتی می توان از این زمینه ها بهره مند شد.

نظام اخلاق اسلامی، هم در سطح آرمانی و هم در سطح حداقلی خود، می تواند زمینه رشد و رونق اقتصادی را فراهم کند. اگر معارف اخلاق اسلامی، به دور از کج فهمی ها، درست تفسیر شوند و مصادیق اقتصادی آن ها به جامعه دینی معرفی شوند، شاهد رونق اقتصادی سالم خواهیم بود. این نظام، از قابلیت هایی برخوردار است که نظام کلبرگ فاقد آن هاست.

نظام کلبرگ فقط به رشد شناختی (آن هم در حوزه استدلال اخلاقی) توجه دارد، ولی نظام اخلاق اسلام علاوه بر شناخت اخلاقی، حوزه های انگیزش اخلاقی و رفتار اخلاقی را نیز پوشش می دهد. این نظام با اهمیت دادن به مفاهیمی همچون زهد، عزت نفس، معادباوری و احساس برادری، به رشد مطلوبیت های اقتصادی یاری می رساند. در این نظام حتی آموزه ای همچون زهد که ظاهراً رابطه معکوسی با رونق اقتصادی دارد، می تواند تفسیری در راستای رونق اقتصادی بیابد.



کتاب‌نامه

۱. قرآن کریم (۱۳۷۳)، ترجمه محمد مهدی فولادوند، تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
۲. صحیفه سجادیه.
۳. آمدی تمیمی، عبد الواحد بن محمد، (۱۴۱۰ ق)، غرر الحکم و درر الکلم، تهران: دار الکتب الاسلامی.
۴. پیازه، ژان (۱۳۷۹)، قضاوت‌های اخلاقی کودکان، ترجمه محمد علی امیری، تهران: نی.
۵. دادگر، یدالله (۱۳۸۳)، تاریخ تحولات اندیشه اقتصادی، قم: دانشگاه مفید.
۶. _____ و تیمور رحمانی (۱۳۸۶)، مبانی و اصول علم اقتصاد؛ کلیاتی از اقتصاد برای همه، قم: بوستان کتاب.
۷. شریفی، احمد حسین (۱۳۸۳)، «قراردادگرایی اخلاقی: نظریه‌ای در باب توجیه گزاره‌های اخلاقی»، نشریه معارف، ش ۲۲ و ۲۳.
۸. شولتز، دوان و سیدنی الین شولتز (۱۳۸۸)، نظریه‌های شخصیت، ترجمه یحیی سید محمدی، تهران: ویرایش.
۹. غنی‌نژاد، موسی (۱۳۷۲ «الف»)، «اخلاق و اقتصاد»، اطلاعات سیاسی و اقتصادی، ش ۶۷ و ۶۸.
۱۰. _____ (۱۳۷۲ «ب»)، «سخنی دیگر درباره اخلاق و اقتصاد»، اطلاعات سیاسی و اقتصادی، ش ۷۳ و ۷۴.
۱۱. کدیور، پروین (۱۳۷۸)، روان‌شناسی اخلاق، تهران: آگاه.
۱۲. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۵)، الکافی، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۱۳. لور، یونا (۱۳۸۹)، تصمیم‌گیری، ترجمه اصغر اندرودی، تهران: دایره.
۱۴. مجلسی، محمد باقر (بی تا)، بحار الانوار، بیروت: مؤسسه الوفاء.



۱۵. محمد علیخانی، سلیمه، سعید آصف‌زاده، رفعت محبی‌فر و علی منتظری (۱۳۹۱)، «بررسی شاخص توسعه انسانی (HDI) در ایران و کشورهای منتخب»، پایش، سال ۱۱، ش ۴، ص ۴۱۵-۴۲۳.
۱۶. مطهری، مرتضی (بی‌تا)، مجموعه آثار، ج ۱۶، تهران: صدرا.
۱۷. واکر، لارنس جی. (۱۳۸۹)، «جنسیت و اخلاق»، ترجمه محمد رضا جهانگیرزاده، در کتاب راهنمای رشد اخلاقی، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۱۸. هاستینگز، پل دی. و دیگران (۱۳۸۹)، «ما طبیعتاً موجوداتی اخلاقی هستیم: مبانی زیست‌شناختی توجه به دیگران»، ترجمه سید رحیم راستی‌تبار، در کتاب راهنمای رشد اخلاقی، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۱۹. هالینر، کی. اف. (۱۳۸۱)، «شرایط اخلاقی رشد اقتصادی»، در کتاب شرایط اخلاقی رشد اقتصادی، دانیل روزیدس و دیگران ترجمه احمد تدین و شهین احمدی، تهران: هرمس.



عناصر تأثیرگذار در کارآمدی رسانه جمعی و مصونیت بخشی به آن (با تأکید بر آموزه های اخلاقی و روان شناختی)

علی احمد پناهی*

چکیده

مهم ترین رسالت رسانه، آموزش، اطلاع رسانی، تحلیل صحیح، تقویت باورهای معرفتی و اصلاح رفتار مخاطب است. یکی از عناصر مهمی که می تواند رسانه جمعی را در نیل به این رسالت مهم یاری رساند و رسانه را از آسیب ها و مشکلات مصون بدارد، رعایت هنجارهای اخلاقی و ارزشی است. هدف پژوهش حاضر، بررسی و تبیین هنجارهای اخلاقی و ارزشی مؤثر در افزایش کارآمدی رسانه جمعی و تلاش برای مصونیت بخشی به آن در برابر آسیب هاست. سؤال اساسی این است که برجسته ترین آموزه های اخلاقی و ارزشی در کارآمدی رسانه و مصونیت بخشی به آن کدامند؟ در این پژوهش، با بهره گیری از روش توصیفی-تحلیلی، آموزه های اخلاقی و روان شناختی مرتبط با رسانه جمعی، تحلیل شده است. برای دستیابی به عناصر مؤثر در کارآمدی و مصونیت رسانه جمعی، آموزه های اسلامی و روان شناختی به طور دقیق و عمیق بررسی و این موارد استخراج شد: ۱. لزوم رعایت

* استادیار پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، دانش آموخته سطح ۴ حوزه علمیه قم، ایران، قم.



جامع‌نگری در محتوا و ابزارهای رسانه‌ای؛ ۲. دقت در پردازش و تحلیل اطلاعات؛ ۳. توجه به تفاوت‌های فردی و ظرفیت‌های شناختی مخاطب؛ ۴. رعایت اصل موقعیت‌شناسی؛ ۵. بهره‌گیری از ارتباط کلامی و غیر کلامی مناسب و فاخر؛ ۶. سعه صدر و انتقادپذیری؛ ۷. التزام به صداقت و راستگویی؛ ۸. رعایت عدالت و انصاف در رسانه؛ ۹. احترام به منزلت و کرامت مخاطب؛ ۱۰. افزایش توانایی خودنظارتی در مخاطب؛ ۱۱. افزایش تاب‌آوری مخاطب؛ ۱۲. بازنمایی واقعیات و عدم تحریف آنها.

کلیدواژه‌ها

اخلاق، رسانه، کارآمدی، مصونیت، روان‌شناختی، هنجارها.

مقدمه

یکی از ابزارهای مهم و پرگستره در ایجاد و تقویت باورهای دینی، باورهای شناختی و اصلاح رفتارهای فردی، رسانه ملی و جمعی است. رسانه‌ها از مؤلفه‌های اساسی تقویت ارتباطات بین فردی، اجتماعی، خانوادگی و... هستند. موفقیت و مقبولیت رسانه‌های جمعی به کمّ و کیف بهره‌گیری از روش‌های عالمانه و تخصصی وابسته است. بسیاری از پژوهشگران معتقدند سبک آموزشی و رسانه‌ای مناسب از مهم‌ترین عناصر تأثیرگذار بر مخاطب است (Raudino, Fergusson & Horwood, 2013, p.331-340).

برخورداری از دانش و مهارت کافی و بهره‌گیری از اصول و ضوابط خبررسانی، از مهم‌ترین عوامل موفقیت در عرصه تربیت و ایجاد تحول در مخاطب به‌شمار می‌آید (Zang, 2011, p.589). تبلیغ (Propaganda)، در بهترین و اصولی‌ترین شکل آن، یک فعالیت آموزشی است که با هدف انتقال دانش و آگاهی‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و نشر ارزش‌ها و سجایای اخلاقی انجام می‌شود. در



تبلیغات رسانه‌ای باید به ساحت‌ها و ابعاد مختلف توجه داشت تا افزون بر تحقق رسالت رسانه‌ای، مصونیت از آسیب‌ها نیز محقق شود. بهره‌گیری از مهارت‌های ارتباطی، در کارآمدی و تأثیرگذاری رسانه بر روابط فردی، اجتماعی و سازمانی اهمیت زیادی دارد (رضاییان، ۱۳۷۹، ص ۲۸۴).

اعتماد متقابل، هم‌افزایی و صمیمیت، در صورتی افزایش می‌یابد که افراد و جریان‌های مختلف بتوانند افکار و عقاید، امیدها و آرزوها و ترس‌ها و نگرانی‌های خود را با دیگران در میان بگذارند و احساس کنند دیگران آن‌ها را درک می‌کنند و می‌پذیرند. کمبود این مهارت موجب بروز بسیاری از سوء تفاهم‌ها، تنش‌ها، ادراکات ناصحیح، اسنادهای غلط و تعارض‌های بین فردی و بین سازمانی می‌گردد (هلر، ۱۳۸۳، ص ۶). در ارتباطات و تعاملات، علاوه بر تبادل اطلاعات و داده‌ها، توقعات، طرح‌ها و اندیشه‌ها، عواطف و احساسات نیز مبادله می‌شود (میرسپاسی، ۱۳۸۴، ص ۳۵۲-۳۵۴). ارتباط سازنده و مؤثر با دیگران، همدلی و صمیمیت را در گروه‌های انسانی بهبود می‌بخشد و تعارض‌ها را به حداقل می‌رساند. بهره‌گیری از آموزه‌های اخلاقی و تربیتی مرتبط با رسانه جمعی و خبررسانی می‌تواند نقش سازنده و فراگیری در ساحت‌های مختلف تبلیغی و مخصوصاً در رسانه جمعی داشته باشد (پناهی، ۱۳۹۶، ص ۵۹).

التزام به هنجارهای اخلاقی و ارزشی از مهم‌ترین عناصر کارآمدی رسانه جمعی است. رعایت این هنجارها باعث افزایش کارآمدی، تأثیرگذاری، مقبولیت و محبوبیت رسانه جمعی می‌گردد؛ برای مثال، ارتباط صمیمی و صادقانه و تهی از ریاکاری می‌تواند مانعی جدی در مقابل شکل‌گیری بی‌اعتمادی و خطای شناختی در افراد گردد و تأثیرگذاری را افزایش دهد (سودانی، امیری و مهربانی‌زاده، ۱۳۹۲، ص ۵-۲۰ به نقل از کومینگز و همکاران، ۲۰۰۸).

امروزه اهمیت اخلاق و هنجارهای اخلاقی در رسانه، دوچندان شده است. رسانه‌های گروهی نقش مهمی در انتقال سریع اطلاعات و آگاهی بخشی به افکار



عمومی و سهم بزرگی در تحولات فرهنگی، اجتماعی و سیاسی دارند. این نقش و اثرگذاری، رسالت حساس و سنگینی را بر دوش رسانه‌ها نهاده است که انجام آن نیازمند رعایت هنجارهای مختلفی (به‌ویژه هنجارهای اخلاقی و ارزشی) است. رسانه‌ها به دلیل گستردگی و تنوع حوزه‌های فعالیت مانند فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، تربیتی، سیاسی و... مسئولیت مهم و منحصر به فردی بر عهده دارند.

صداقت در خبررسانی، تحلیل دقیق، سرعت خبررسانی، امانت‌داری، اقناع اندیشه، مبارزه با جنگ روانی دشمنان، انتقال ارزش‌های دینی، هدایت جامعه به سوی هنجارها و ارزش‌ها، آموزش مهارت‌های اجتماعی و خانوادگی، ایجاد نشاط در آحاد جامعه و... بخشی از رسالت و آرمان‌های این مجموعه فرهنگی و تربیتی است. پایبندی به هنجارهای اخلاقی، از یک سو باعث مصونیت سیاست‌گذاران و کارکنان این مجموعه عظیم از کج‌روی‌ها و ناهنجاری‌ها می‌شود و از سوی دیگر، اعتبار و پذیرش اجتماعی رسانه ملی را افزایش می‌دهد. التزام به هنجارهای اخلاقی در رسانه، بسترهای رشد فرهنگی، تربیتی و اخلاقی فراهم می‌کند، معنویت‌گرایی و رعایت هنجارهای اجتماعی را افزایش می‌دهد و موجب بهبود کنش‌های رفتاری آحاد جامعه می‌شود.

بیشترین میزان یادگیری با مشاهده و از طریق ابزارهای صوتی-تصویری محقق می‌شود و رسانه این امکانات را در اختیار دارد. سؤال مهم این است که مهم‌ترین عناصر اخلاقی و روان‌شناختی که موجب افزایش کارآمدی رسانه می‌شود و آن را از برخی آسیب‌ها مصون می‌دارد، کدامند؟ در پژوهش حاضر تلاش شده مهم‌ترین آموزه‌های اخلاقی و ارزشی و روان‌شناختی که از منابع اسلامی و روان‌شناختی به دست می‌آید، بیان گردد و نقش آن‌ها در کارآمدی و موفقیت رسانه جمعی تبیین شود.



روش پژوهش

طبق تقسیم‌بندی تحقیقات علمی، پژوهش حاضر در ردیف تحقیقات نظری، تحلیلی و کاربردی قرار می‌گیرد و روش تحقیق، توصیفی-تحلیلی است؛ یعنی بعد از مطالعه و تأمل در آموزه‌های اسلامی و روان‌شناختی مرتبط با تبلیغ و به‌ویژه تبلیغ رسانه‌ای، مهم‌ترین مباحث و نکاتی که در کارآمدی و مصونیت رسانه جمعی مؤثر بودند، تبیین گردید. همچنین، در تلاش شد به نکات کاربردی که دارای گستره شمولی حداکثری هستند و با ارزش‌های اخلاقی و اسلامی هم‌ترازند، بیشتر توجه شود.

عناصر تأثیرگذار در کارآمدی و مصونیت‌بخشی به رسانه جمعی

با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی و تحلیل محتوا، می‌توان نکات زیر را از آموزه‌های اسلامی و اخلاقی و روان‌شناختی استنباط کرد.

۱) رعایت جامع‌نگری در محتوا و ابزارهای رسانه‌ای

یکی از مهم‌ترین موضوعات در تربیت و پرورش افراد، توجه به جامع‌نگری در محتوا (پیام) و بهره‌گیری از ابزارهای مناسب است. بر اساس گزاره‌های اسلامی و سخنان اندیشمندان مسلمان، انسان دارای ساحت‌های وجودی مختلف است و این ساحت‌ها بر یکدیگر تأثیر متقابل دارند. لذا در تربیت افراد و در تعامل با آنان باید به این ساحت‌ها توجه گردد و تعاملی جامع‌نگرانه برقرار شود (مصباح یزدی، ۱۳۷۳، ص ۳۴۹؛ دیوانی، ۱۳۷۶، ص ۶۵-۸۶).

در پیام‌رسانی و تبلیغ که هدف از آن، رساندن پیام، ایجاد دگرگونی در بینش و رفتار (رهبر، ۱۳۷۱، ص ۸۰) و تربیت است، رعایت مواردی که ایجاد تحول و پرورش را تسهیل می‌کند، ضروری است. گروه‌ها و سازمان‌هایی که می‌خواهند در عرصه فرهنگی و رسانه‌ای فعالیت کنند و در این راه موفق باشند، باید دانش و





مهارت لازم را داشته باشند و برنامه های خود را با توجه به ظرفیت های افراد عملی سازند. خداوند متعال در قرآن کریم این مطلب را درباره پیامبر اکرم و پیروان راستین او چنین بیان فرموده است: «ای پیامبر، بگو این است راه من؛ مردم را به سوی خدا می خوانم با بینش و بصیرت و پیروان من نیز دعوتشان به سوی خدا آگاهانه و با بصیرت است» (یوسف: ۱۰۸). طبق این آیه شریفه، برخوردار از دانش و آگاهی در هر عرصه ای که انسان می خواهد در آن فعالیت کند، ضروری است.

در آیین مقدس اسلام، یکی از حقوق خداوند بر بندگان این است که از روی علم و بصیرت سخن بگویند و از آنچه نمی دانند لب فروبندند. قرآن کریم می فرماید: «هرگز در پی آنچه علم و اطمینان نداری مرو و ناآگاه قدم برمدار که گوش و چشم و دل آدمی در پیشگاه الهی مؤاخذ و مسئول است» (اسراء: ۳۶). نداشتن مهارت و دانش کافی در عرصه رسانه، خسارات فرهنگی به بار می آورد و عقوباتی در پی دارد. بر اساس سخنی از حضرت علی علیه السلام، کار و تلاشی که بدون علم و تخصص باشد نه تنها شفافبخش [و مفید] نیست، بلکه آسیب زا است.^۱ زراره می گوید: «از امام باقر سؤال کردم: حق خدا بر بندگان چیست؟

در پاسخ فرمود: آن را که می دانند بگویند و در چیزی که نمی دانند توقف کنند» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۷: ص ۲۳). امام سجاد فرمود: «مجاز نیستی هر چه می خواهی بگویی، که رسول گرامی اسلام فرموده است: مشمول رحمت الهی باد آن کس که سخن خوب بگوید و سود برد یا سکوت کند و سالم بماند» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۱: ص ۱۹۳).

علاوه بر اینکه گوینده باید از خطا و صواب سخنش آگاه باشد، باید روش و کیفیت بیان سخن را نیز بداند. امام علی علیه السلام فرموده است: «بپرهیز از اینکه در چیزی

۱. إِنَّ كَلَامَ الْحُكَمَاءِ إِذَا كَانَ صَوَابًا كَانَ دَوَاءً وَإِذَا كَانَ خَطَأً كَانَ دَاءً؛ گفتار حکیمان اگر درست باشد، درمان و اگر نادرست باشد، درد جان است (شریف الرضی، ۱۴۱۴ق، ص ۵۲۱).

سخن بگویی که راه آن را نمی دانی و از حقیقتش آگاهی نداری؛ زیرا گفته‌ات بر درجه عقلت دلالت دارد و از معرفت و دانایی تو خبر می دهد» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۱۵۸). آگاهی از روش برقراری ارتباط از پیش آمدن خطا جلوگیری کرده، اعتماد مخاطب را جلب می کند. رسول گرامی اسلام فرمود: «دین خداوند را کسی حفظ می کند که به تمام جوانب آن احاطه و آگاهی داشته باشد» (همو، ۱۳۶۶، ص ۸۵). در تحلیل‌ها و تعاملات اجتماعی و رسانه‌ای باید با رویکردی جامع‌نگرانه تمام جوانب پیام را ملاحظه کرد و سخنی متقن و عالمانه و سودمند در اختیار مخاطب قرار داد. چنین پیام جامعی، ذهن و روان مخاطب را آماده پذیرش و بسترهای تأثیرگذاری را مهیا می کند. سخنان متقن، خردورزانه، فنی و مبتنی بر مستندات علمی باعث اقناع اندیشه مخاطب می شود و زمینه تحول رفتاری و شخصیتی او را ایجاد می کند (Juvva & Bhatti, 2006, p.61-73).

۲) پردازش و تحلیل درست و بهنجار اطلاعات

لازمه قضاوت درست و سنجیده، بهره‌مندی از اطلاعات موثق و تحلیل دقیق است. بیشتر اطلاعات و داده‌ها از طریق قوای بصری و سمعی به دست می آید و بعد، در پردازنده‌های ذهنی، تجزیه و تحلیل می شود. به عبارتی، مشاهده، دریافت و تحلیل درست در قضاوت نهایی نقش کلیدی دارد. در قضاوت اجتماعی نباید تحت تأثیر تعصبات قومی و سیاسی، استقراء ناقص و حتی پیش داوری و جنگ روانی قرار گرفت، بلکه باید اطلاعات و داده‌ها را به طور کامل و دقیق دریافت و سپس، در فضای روان‌شناختی و ذهنی بی طرفانه و عدالت محور قضاوت کرد. اگر اطلاعات به طور دقیق دریافت نشود، خطای شناختی رخ می دهد و خطای شناختی به بروز رفتار ناسنجیده و ناهنجار منجر می شود. تحلیل نادرست و خطای شناختی درباره دیگران باعث بی‌زاری و نفرت می شود و در نهایت، ممکن است به ناهنجاری رفتاری در مخاطب بینجامد (پناهی، ۱۳۹۳، ص ۱۱۳-۱۳۳).





یکی از دلایل مهم کج‌روی‌ها و انتخاب‌های غلط، خطای شناختی و پردازش نادرست اطلاعات است. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: ﴿هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا الَّذِينَ ضَلَّ سَعِيَّهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا﴾؛ آیا خبر دهیم به شما از زیانکارترین افراد در اعمال؟ زیانکاران آنانند که تباه شد کوشش آن‌ها با عمل‌های نیکونما [خیال می‌کردند کار درستی انجام می‌دهند]» (کهف: ۱۰۴). در هیچ شرایطی رسانه ملی نباید به دروغ‌پردازی و تحلیل ناصواب روی آورد؛ زیرا این رفتار باعث رویگردانی و بی‌اعتمادی مخاطب می‌شود. صداقت و راستی از مهم‌ترین ارزش‌های اخلاقی در تعاملات و مراودات اجتماعی و دروغ، سرچشمه بیشتر ناهنجاری‌های اخلاقی است. صداقت از صفاتی است که از طریق تصدیق قول با فعل یعنی تطابق گفتار با رفتار (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۶: ص ۲۱۳) زمینه‌ساز اعتماد طرفینی و تعامل پایدار می‌شود. در مقابل، ریاکاری و دورویی موجب کاهش اعتماد عمومی می‌شود و فضای روان‌شناختی و اجتماعی مبهم و بدبینانه‌ای را شکل می‌دهد. در گزاره‌های اسلامی، صداقت و راستی با عباراتی چون فضیلت، بهترین کلام، بهترین قرین (همراه)، نشانه جوانمردی و نشانه مسلمانی و ایمان وصف شده است^۱. شماری از نتایج برجسته صداقت و راستی عبارتند از: منزلت اجتماعی، نجات‌بخشی، اصلاح امور، محبوبیت، ارتقاء مقام، سلامت روانی، مورد اعتماد بودن، برخورداری از دلیل محکم، مغلوب نشدن، خوش‌نامی، محبت و هیبت^۲. در گزاره‌های دینی، دروغ‌گویان به شدت مذمت شده‌اند و دروغ‌گویی موجب بی‌اعتباری و ناموثق بودن معرفی شده است^۳.

۱. الصَّدْقُ فَضِيلَةٌ الْكَذِبُ رَذِيلَةٌ؛ الصَّدْقُ أَحْوَى الْعَدْلِ؛ خَيْرُ الْكَلَامِ الصَّدْقُ؛ لِيَكُنْ مَرْجِعُكَ إِلَى الصَّدْقِ فَإِنَّ الصَّدْقَ خَيْرُ قَرِينٍ؛ مَرْوَةَ الرَّجُلِ صِدْقٌ لِسَانِهِ؛ وَأَمْسُ الْإِيمَانِ الصَّدْقُ؛ بِلَاكِ الْإِسْلَامِ صِدْقُ اللِّسَانِ (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۲۱۷-۲۱۸).

۲. الصَّادِقُ مَكْرَمٌ جَلِيلٌ؛ الصَّدْقُ أَنْبَجُ دَلِيلٍ؛ الصَّدْقُ صِلَاحٌ كُلُّ شَيْءٍ؛ إِنَّ الصَّادِقَ لَمَكْرَمٌ جَلِيلٌ وَ إِنَّ الْكَاذِبَ لَكَمْهَانٌ دَلِيلٌ؛ عَلَيْكَ بِالصَّدْقِ فَمَنْ صَدَقَ فِي أَقْوَالِهِ جَلَّ قَدْرُهُ؛ فَوَمَّ لِسَانَكَ تَسَلَّمَ؛ لِيَكُنْ أَوْثَقُ النَّاسِ لَدَيْكَ أَنْطَقَهُمْ بِالصَّدْقِ؛ مَنْ صَدَقْتَ لَهْجَتُهُ قَوِيَتْ حُجَّتُهُ؛ لَا يَغْلِبُ مَنْ يَحْتَجُّ بِالصَّدْقِ؛ يَبْلُغُ الصَّادِقُ بِصِدْقِهِ مَا لَا يَبْلُغُهُ الْكَاذِبُ بِأَخْيَالِهِ؛ يَكْتَسِبُ الصَّادِقُ بِصِدْقِهِ ثَلَاثًا حُسْنَ الثَّقَةِ بِهِ وَ الْمَحَبَّةَ لَهُ وَ الْمَهَابَةَ عَنْهُ (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۲۱۹-۲۲۰).

۳. الْكَذَّابُ مَمْتَهَمٌ فِي قَوْلِهِ وَ إِنْ قَوِيَتْ حُجَّتُهُ وَ صَدَقَتْ لَهْجَتُهُ؛ مَنْ كَثُرَ كَذِبُهُ لَمْ يَصْدَقْ؛ مَنْ عَرِفَ بِالْكَذِبِ قَلَّتِ الثَّقَةُ بِهِ؛ مَنْ عَرِفَ بِالْكَذِبِ لَمْ يَقْبَلْ صِدْقَهُ (همان، ۲۲۰).



۳) توجه به تفاوت‌های فردی و ظرفیت‌های شناختی مخاطب

هیچ یک از انسان‌ها همانند دیگری نیستند و هر کس از خصوصیات درونی و بیرونی منحصر به فرد برخوردار است. در آموزه‌های اسلامی افزون بر آنکه به تفاوت‌های فردی توجه شده است^۱، به در نظر گرفتن توانمندی و ظرفیت‌های شناختی و ادراکی افراد نیز توصیه^۲ و از گفتگویی که فراتر از ظرفیت و مقبولیت مخاطب باشد، نهی شده است^۳. در مبانی روان‌شناسی نیز به تفاوت افراد از حیث دانش، استعداد و ویژگی‌های شخصیتی اشاره شده است (شعبانی، ۱۳۸۹، ص ۱۳۹). رسانه‌ها باید به این تفاوت‌ها حساس باشند. با توجه به اصل تفاوت‌های فردی، ضرورت دارد فعالیت‌های اجتماعی و ارتباطی و تعاملات فرهنگی به مقتضای سطح ادراکی و عاطفی افراد و در چارچوب علایق و نیازهای حقیقی و ملاحظه‌توانایی‌ها و محدودیت‌های افراد صورت بگیرد.

در آموزه‌های دینی، مخاطبان به دسته‌های مختلف تقسیم شده‌اند و کیفیت ارتباط با هر یک تبیین شده است؛ برای مثال، از یکی از معصومان (علیهم السلام) نقل شده که مردم بر چهار دسته‌اند: ۱. کسانی که می‌دانند و می‌دانند که می‌دانند. این گروه عالمانند؛ پس، از آنان پیروی کنید، ۲. کسانی که می‌دانند ولی نمی‌دانند که می‌دانند. این گروه غافلانند؛ پس، بیدارشان کنید، ۳. کسانی که نمی‌دانند و می‌دانند که نمی‌دانند. این گروه جاهلانند؛ پس، به آنان دانش بیاموزید، ۴. کسانی که نمی‌دانند و خیال می‌کنند می‌دانند. این گروه گمراهانند؛ پس، آنان را راهنمایی کنید (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱: ص ۱۹۵). رسانه‌ها باید شرایطی ایجاد کنند که مخاطبان مختلف با هر ظرفیت و توانایی بتوانند پیام آن‌ها را به درستی درک کنند.

۱. النَّاسُ مَعَادِنُ كَمَعَادِنِ الذَّهَبِ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۸: ص ۱۷۷).

۲. إِنَّا مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ نَكَلَّمُ النَّاسَ عَلَى قَدْرِ عَقُولِهِمْ؛ كَلَّمْنَا النَّاسَ بِمَا يَفْرُقُونَ (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۳: ص ۲۲۱).

۳. إِيَّاكَ أَنْ تَتَكَلَّمَ بِمَا يَشِيقُ إِلَى الْقُلُوبِ إِنْكَارُهُ وَإِنْ كَانَ عِنْدَكَ اغْتِدَاؤُهُ فَلَيْسَ كُلُّ مَنْ تُسْمِعُهُ شَرًّا يَمَكِّنُكَ أَنْ تُوسِعَهُ عُذْرًا (همان، ج ۲: ص ۳۲۰).

۴) موقعیت‌شناسی

اقتضای اخلاق اسلامی و هنجارهای ارزشی اسلام این است که همواره موقعیت و شرایط روحی و اجتماعی مخاطب در نظر گرفته شود. طبق دستورهای اسلامی و توصیه‌های اخلاقی، در انتقال پیام باید به ظرفیت افراد از حیث دانش و بینش و اعتقاد توجه شود. همچنین، نباید مفاهیم دشوار و سنگین برای افراد نااهل (کم‌فهم) بیان گردد. در آموزه‌های دینی سفارش شده که سخن حکیمانه را به اهلش بگویید (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۸: ص ۳۴۵) و آن را در اختیار نادان قرار ندهید (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۲: ص ۷۰)؛ زیرا سخن را ضایع می‌کند و اهلیت آن را ندارد (پیامبر اکرم ص، ۱۳۸۳، ص ۱۵۹). علاوه بر اینکه رسانه باید مخاطبان را به سوی ارزش‌ها و هنجارهای اخلاقی سوق دهد، باید از نیازها، اولویت‌ها و اوضاع زمانی و مکانی آنان نیز آگاه باشد؛ سخنان و مطالبی که در زندگی مردم نقش سازنده‌ای ندارند، مطرح نکند و آنان را با برنامه‌های بیهوده و بی‌محتوا مشغول نسازد. رعایت مقتضیات مکانی، زمانی و ارتباط با مخاطب از مسائلی است که در رسانه‌ها باید مورد توجه قرار گیرد.

۵) بهره‌گیری از ارتباط کلامی مناسب و هم‌تراز با مخاطب

ارتباط کلامی و غیر کلامی از ابزارهای مهم در روابط اجتماعی است. برقراری ارتباط کلامی نیکو (نساء: ۹)، بهره‌گیری از گفتار زیبا و دلنشین (نساء: ۸۷) و همراه با صدای ملایم (لقمان: ۱۹) و گفتگوی محترمانه (ابن شعبه، ۱۴۰۴ق، ص ۳۲۳)، مؤدبانه (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق: ۴۵۷) و شیرین و گوارا (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۲، ص ۱۸۶) از توصیه‌های اخلاقی برای تعامل با دیگران است. روابط کلامی مناسب، محبت و نشاط را در جامعه و میان هم‌نوعان جاری می‌کند و باعث تحکیم روابط اجتماعی و تقویت دوستی‌ها می‌گردد (فصلت: ۳۴). کنش کلامی پسندیده، راه را بر کینه و حسد می‌بندد، دل‌ها را به هم پیوند می‌زند و باعث آرامش می‌گردد.





گشاده رویی (آل عمران: ۱۶۰)، اجتناب از خودبرتربینی و رفتارهای مؤدبانه (توبه: ۶۱) بر محبوبیت رسانه می افزاید، در حالی که استفاده از کلمات مبتذل، غیراخلاقی، توهین آمیز، نیش دار، یک جانبه و غلوآمیز باعث دلزدگی مخاطب و کاهش مقبولیت و محبوبیت رسانه می گردد.

۶) سعه صدر و انتقادپذیری

آراسته شدن به صفاتی مانند سعه صدر (زمر: ۲۲)، ظرفیت روانی زیاد (انعام: ۱۲۶) و طه: ۲۶) و صبوری در ناملايمات (معارج: ۵)، از آموزه های اخلاقی مهم در روابط اجتماعی و فرهنگی است. برخورداری از ظرفیت روانی زیاد و سعه صدر - علاوه بر اینکه لازمه تعاملات اجتماعی است - تنش های روانی را می کاهد و باعث سلامت و آرامش روان می گردد. خداوند متعال به پیامبر ﷺ سعه صدر عطا فرمود (الشرح: ۱) تا بتواند در ناملايمات زندگی، سلامت و امنیت خود را حفظ کند و رسالت خویش را به نحو مطلوب انجام دهد.

رسانه ایی که دامنه ارتباطی گسترده ای دارد، باید از وسعت نظر برخوردار باشد و از هم فکری و قضاوت دیگران بهره بگیرد. شنیدن و توجه کردن به انتقادات ضرورت دارد. عده ای انتقاد دیگران را نمی پذیرند یا از نظر عاطفی آزرده می شوند؛ اما به هر حال، آگاهی از نظر دیگران و پذیرفتن انتقادات صحیح، سرمایه باارزشی است که هیچ کس نباید خود را از آن محروم کند. رسانه ها باید به مسائل فرهنگی، اجتماعی و سیاسی جامعه توجه داشته باشند، انتقادهای سازنده را بپذیرند، نظر همه مخاطبان را محترم بدانند و از میان آنها بهترین نظر را با رعایت چارچوبها انتخاب کنند. بهره گیری از نظر مخاطبان، به ویژه مخاطبان اندیشمند و فرهیخته، بر اتقان فعالیت رسانه ای می افزاید و مصونیت رسانه را افزایش می دهد. توجیه خطا و هوچی گری نمی تواند اعتبار از دست رفته رسانه ها را بازگرداند.



۷) التزام به صداقت و اجتناب از ریاکاری

یکی از هنجارهای مهم اخلاقی در تعاملات اجتماعی و مخصوصاً در رسانه‌ها، التزام عملی به صداقت و راستی است. اعتماد پدیده‌ای بسیار مهم در روابط افراد است و بر عملکرد افراد در روابط اجتماعی تأثیر می‌گذارد و تنش‌ها و تعارضات را کاهش می‌دهد (Monji & Ortlepp, 2011, p.199). بی‌صداقتی، عملکرد مطلوب سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی را تضعیف می‌کند (Dirks & Ferrin, 2002, p.615). صداقت و روراستی یکی از ارکان اصلی اعتماد است و اگر افراد صادقانه و بدون ریاکاری با یکدیگر تعامل و ارتباط داشته باشند، عملکرد آنان بهبود می‌یابد و فضای روان‌شناختی اطمینان‌بخشی شکل می‌گیرد (Tan & Tan, 2000, p.253). ریاکاری و دورویی که نقطهٔ مقابل صداقت و راستی است، اعتماد عمومی را کم می‌کند و فضای روان‌شناختی و اجتماعی مبهم و بدبینانه‌ای را شکل می‌دهد. ریاکاری (hypocrisy) یعنی ادعای تقوی، فضیلت و آرمان‌گرایی و انجام رفتارهای مخالف و متضاد با آن؛ یعنی اینکه فرد در ارتباط با دیگران به‌طور آگاهانه و هدفمند، به فریبکاری دست می‌زند و برای جذاب جلوه دادن خویش و نفوذ در دیگران، خود را فردی درستکار، اخلاقی، دلسوز و پایمند به هنجارهای جامعه نشان می‌دهد (Powell & Smith, 2013, p.415). ریاکاری و بی‌صداقتی در رسانه، فرایند تأثیرگذاری را مختل کرده، اعتماد مخاطب را از بین می‌برد و بدبینی را در جامعه منتشر می‌کند.

متون روایی شیعه گنجینهٔ غنی آموزه‌های اخلاقی است و پایندی به این آموزه‌ها (به‌ویژه صداقت) را در تعاملات و مراودات اجتماعی توصیه می‌کند. صداقت از طریق تصدیق قول با فعل (یا تطابق گفتار با رفتار)، زمینه‌ساز اعتماد طرفینی شده، تعاملات را پایدار می‌کند. خداوند، صادقان را به پاداشی عظیم وعده داده است (احزاب: ۳۵). همچنین، در قرآن کریم، حضرت مریم عَلَيْهَا السَّلَامُ به دلیل اتصاف به صداقت ستوده شده است (مائده: ۷۵). صداقت، منشأ کمال است و از نظر مبنا و بار

ارزشی با شفافیت متفاوت است. نفع واقعی در راستگویی و صداقت است و دروغگویی سرچشمه بیشتر ناهنجاری های اخلاقی است. راستگویی و صداقت، گل سرسبد و شاه کلید اخلاق است. از نگاه قرآن کریم، خلف وعده و دروغگویی، نفاق را در دل ها استوار می کند (توبه: ۷۷) و نفاق نیز حسرت و ناآرامی و ترس را به دنبال دارد. دروغگو، پیوسته نگران برملا شدن دروغ است و از این بدنامی در ترس و اضطراب به سر می برد (شعراء: ۷۴ و ۸۷). افراد دروغگو و پیمان شکن، امنیت روانی ندارند؛ چون از طرفی، اعتبار خود را از دست داده اند (یوسف: ۱۸) و از طرف دیگر، از فاش شدن دروغشان در هراسند (انفال: ۵۹). رسانه، ضمن اینکه باید در خبررسانی صادق باشد، باید اخبار موثق را کامل و به موقع به مخاطب برساند. نباید خبرها را گزینشی و جانبدارانه منتقل کند، مگر اینکه مسئله مهمی مانند مصالح امنیتی در کار باشد.

همان طور که گفته شد، در گزاره های دینی، دروغگو به شدت مذمت شده و دروغگویی از عوامل بی اعتباری و ناموثق بودن شمرده شده است. بر پایه این آموزه ها، راستگویی، نجات بخش و دروغ عامل سقوط؛ راستگویی، فضیلت و دروغگویی پستی؛ راستگویی عامل رستگاری و دروغگویی عامل فضاخت و رسوایی؛ راستگویی زمینه ساز اکرام مردم و دروغگویی عامل خواری است. راستگویی، کمال نجابت و بزرگی، صلاح و اصلاح کننده، اساس و پشتوانه ایمان، زیور انسان، بهترین بنای پی ریزی شده و زبان دانش و علم معرفی شده است.^۱ امام صادق علیه السلام دروغ را باعث نابودی منزلت و اعتبار شخصیتی و اجتماعی دانسته و فرموده است: «مَنْ كَثُرَ كَذِبُهُ ذَهَبَ بَهَاؤُهُ»؛ هر که دروغش زیاد شد، آبرو و منزلتش برود» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۳۴۱).

۱. الصدق امانة، الكذب خيانة؛ الصدق ينجي؛ الصدق فضيلة، الكذب رذيلة؛ الصدق نجاح، الكذب فضاخ؛ الصدق خير مبنی؛ ان الصادق لمكرم جلیل و ان الكاذب لمهان ذلیل؛ الصدق كمال التبل؛ الصدق صلاح كل شیء؛ الصدق رأس الايمان و زين الانسان؛ لسان العلم الصدق (لیثی واسطی، ۱۳۷۶، ص ۳۶-۳۷).



ژرفاندیشی و تأمل در گزاره‌های بالا نشان می‌دهد که صداقت و راستی در مراودات اجتماعی و به‌ویژه در رسانه، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است و موجب اعتبار و محبوبیت رسانه و اطمینان و حرف‌شنوی مخاطبان می‌گردد.

۸) رعایت عدالت و انصاف در رسانه

التزام به عدالت، در قضاوت‌های اجتماعی و رسانه‌ای جایگاه خاصی دارد. عدالت به معنی شایسته‌سالاری و قرار دادن هر چیزی در جای مناسب (شریف‌الرضی، ۱۴۱۴ق، ص ۵۵۳)، از آموزه‌های اساسی اسلام است و در حیات اجتماعی و تعاملات بین فردی و سیاست‌گذاری‌ها تأثیر مستقیم دارد. وقتی از حضرت علی علیه‌السلام درباره اهمیت و جایگاه عدالت و بخشش سؤال شد، حضرت فرمود: «عدل امور را در جای خود قرار می‌دهد و جود آن‌ها را از جایگاه خود بیرون می‌برد. عدل حافظ عموم است و جود، سودبخش به عده‌ای خاص. پس، عدالت شریف‌تر و برتر است (همان‌جا). پیامبر گرامی اسلام، رعایت عدالت را عامل برپایی آسمان و زمین و کائنات خوانده و اداره عالم را منوط به رعایت عدل دانسته است (ابن ابی‌جمهور، ۱۴۰۵ق، ج ۴: ص ۱۰۳). از منظر اسلام، عدالت، بنیاد و زیرساخت اصلی زندگی (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۴۴۶)، برپا دارنده حیات مردم (همان، ص ۹۹) و قوام زندگی است (همان، ص ۳۳۹؛ لثی واسطی، ۱۳۷۶، ص ۲۲۳).

در گزاره‌های اسلامی و به‌ویژه در قرآن کریم به اهمیت عدالت و التزام به آن در عرصه‌های مختلف توصیه شده است. رعایت عدالت و قسط، از ویژگی‌های انسان مؤمن و متقی است؛ به طوری که نژاد، دوستی و دشمنی، مذهب و عقیده، سلیقه، نسبت‌های خانوادگی و عواطف و احساسات هیچ تأثیری در داوری‌های او ندارند. قرآن کریم می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، برای خدا به داد برخیزید [و] به عدالت شهادت دهید و البته نباید دشمنی گروهی شما را بر آن دارد که عدالت نکنید. عدالت کنید که آن به تقوا نزدیک‌تر است و از خدا پروا دارید که خدا به



آنچه انجام می‌دهید آگاه است» (مائده: ۸). خداوند متعالدر آیه‌ای دیگر می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، پیوسته به عدالت قیام کنید و برای خدا گواهی دهید، هر چند به زیان خودتان یا [به زیان] پدر و مادر و خویشاوندان [شما] باشد اگر [یکی از دو طرف دعوا] توانگر یا نیازمند باشد، باز خدا به آن دو [از شما] سزاوارتر است. پس، از پی هوس نروید که [در نتیجه از حق] عدول کنید و اگر به انحراف گرایید یا اعراض نمایید قطعاً خدا به آنچه انجام می‌دهید آگاه است» (نساء: ۱۳۵). در حقیقت، خدا به دادگری و نیکوکاری و بخشش فرمان می‌دهد (نحل: ۹۰). لزوم رعایت عدالت و قسط از آیات بالا به روشنی برداشت می‌شود.

رسانه ملی که گسترده‌ترین و تأثیرگذارترین ابزار آموزشی است، باید بر محور عدالت و قسط باشد. امام علی علیه السلام با نگرشی عدالت‌محورانه در امور اجتماعی و حکومتی به مالک اشتر چنین توصیه فرمود: «ای مالک، عنایت و محبت تو به آنان دل‌هایشان را متوجه تو می‌گرداند. برترین چیزی که موجب روشنی چشم زمامداران می‌شود، برقراری عدالت در شهرها و ظهور دوستی و محبت رعیت است و دوستی رعیت آشکار نشود مگر به سلامت دل آنان، و خیرخواهی ایشان درست و راست نگردد جز آنکه زمامداران خود را حمایت کنند و حکومت حاکمان را بر خود سنگین نشمارند و توقع به پایان رسیدن زمان حکومتشان را نداشته باشند» (شریف الرضی، ۱۴۱۴ق، ص ۴۳۳). در روایات به رعایت عدالت درباره همه (دوست و دشمن، خویشان و بیگانگان و...) تأکید شده و نتیجه اجرای عدالت، میمون و پسندیده تلقی شده است. حضرت علی علیه السلام در این باره فرمود: «بر تو باد رعایت عدالت، وقتی کارها را به داوریت آرند. در اجرای حق برای آنان که پابند آنند، چه دور و چه نزدیک، پایداری کن و در این باره شکیا باش و آن را به حساب خدا گذار و با خویشاوندان و نزدیکان نیز در هر درجه‌ای که باشند همچین کن، هر چند بر آنان گران آید. به فرجام حق بنگر که سرانجامش پسندیده است» (ابن شعبه، ۱۴۰۴ق، ص ۱۴۵).



اجرای عدالت به نفع همه افراد جامعه و خانواده است (شریف الرضی، ۱۴۱۴ق، ص ۵۵۳). رعایت عدالت سبب اعتماد و اطمینان قلبی می‌گردد، اما کنش‌های عاطفی-هیجانی و بی‌عدالتی در قضاوت و تشویق و تنبیه سبب ترویج ناهنجاری اخلاقی و اجتماعی می‌شود. امام علی علیه السلام به مالک اشتر به‌عنوان کارگزار خود فرمود: «نیکو کار و بدکار در برابرت یکسان نباشند که این کار، نیکو کار را در انجام کار نیک بی‌رغبت و بدکار را در بدی ترغیب می‌کند. هر کدام را به نسبت کارشان پاداش بخش» (همان، ص ۴۳۰). قضاوت‌های ناعادلانه رسانه درباره جریان‌ها و افراد مختلف، اعتبار رسانه را مخدوش می‌کند و از محبوبیت آن می‌کاهد.

۹) احترام به منزلت و کرامت مخاطب

رسانه باید به منزلت و کرامت مخاطبان احترام بگذارد. در احکام دینی پیوسته بر حفظ کرامت و حرمت افراد تأکید شده است؛ به گونه‌ای که حرمت مؤمن بالاتر از حرمت کعبه به حساب آمده (ابن بابویه، ۱۳۶۲، ج ۱: ص ۲۷) و خون و مال و آبروی او محترم شمرده شده است (ورام، ۱۴۱۰ق، ج ۱: ص ۵۲).

بی‌حرمتی به مخاطب باعث بی‌اعتباری رسانه می‌شود. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «قلب انسان‌ها چنان سرشته شده که هر کس به انسان احسان کند، او را دوست می‌دارد و هر کس به او بدی کند، او را دشمن می‌دارد» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۶: ص ۱۸۴). تقویت پیوند عاطفی بین رسانه و مخاطب، حرف‌شنوی مخاطب را از رسانه بیشتر می‌کند و در اصلاح رفتارهای او مؤثر است. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «هر کس در سخن گفتن نرم باشد و آرام سخن گوید، محبت او در دل‌ها جای می‌گیرد» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۸: ص ۳۹۶). بدیهی است که هر محبوبی کلامش شنیدنی و پذیرفتنی است و الگو قرار می‌گیرد. همچنین، تکریم مخاطبان باعث تقویت خودپنداره آنان می‌شود و به کنش‌های رفتاری آنان جهت می‌دهد.





۱۰) تقویت نیروی خودنظارتی در راستای شکل گیری رفتارهای بهنجار در مخاطب یکی از مهم ترین علل تعارض ها، کشمکش ها و اختلافات اجتماعی و خانوادگی، ضعف افراد در مدیریت رفتارها و هیجانات خویش است. خودنظارتی از مهارت هایی است که به افراد کمک می کند یاد بگیرند احساسات و رفتارهایشان را برای یک تصمیم گیری خوب و درست مدیریت کنند.

توانایی خودنظارتی به کاهش اعمال تکانشی و مقابله مؤثر با ناهنجاری های رفتاری نیز کمک می کند (Vera & Moon, 2013, p.179-193). افرادی که توانایی خودنظارتی بیشتری دارند، کمتر به آسیب های رفتاری و ناهنجاری های اخلاقی مبتلا می شوند. میزان خودنظارتی به منزله یک نیروی درونی، رابطه معنی داری با پرهیز از رفتارهای نابهنجار دارد؛ افرادی که نظارت و مدیریت بیشتری بر رفتار خود دارند، می توانند هیجانات، تمایلات منفی و احساسات خود را مهار کنند، اما افرادی که مدیریت ضعیفی بر رفتار خود دارند، آمادگی بیشتری برای ارتکاب جرم و ناهنجاری دارند (Cheung, 2010, p.321-345).

چنانچه رسانه بتواند مخاطبانش را به گونه ای رهبری کند که خودنظارتی و مدیریت درونی بیشتری بر رفتار خود داشته باشند، از بروز بسیاری از رفتارهای مشکل ساز جلوگیری خواهد شد. در گزاره های دینی، مراد از خودنظارتی و «خویشن داری»، ایجاد حالتی در درون فرد است که بدون وجود عامل نظارتی یا تهدید و تطمیع دیگران، وظایف خود را با میل و رغبت انجام دهد و در انجام نقش ها و وظایف خود مرتکب تخلف نشود. در آیات و روایات به این ویژگی تأکید شده است.

نتیجه خویشن داری ایجاد حالت کف نفس و خودنظارتی در مواقع امکان تعدی و تجاوز به حقوق دیگران و مهار کنش های رفتاری است. خدا باوری و اعتقاد به اینکه انسان همواره در محضر خداست و در آخرت باید پاسخگوی اعمال خود باشد، بهترین عامل تقویت مهار درونی است. کسی که مهار نفس خود را در اختیار

دارد، با قطع نظر از توجه یا عدم توجه دیگران، از رفتارهای ناصواب پرهیز می‌کند. امیرالمؤمنین علیه السلام درباره اهمیت خودنظارتی فرمود: «بدانید همانا آن کس که خود را یاری نکند و پنددهنده و هشداردهنده خویش نباشد، دیگری هشداردهنده و پنددهنده او نخواهد بود (شریف الرضی، ۱۴۱۴ق، ص ۱۲۳).

بنابراین، چنانچه عامل درونی مدیریت رفتار - که همان به کارگیری قوه تفکر پیش از اقدام به هر کاری است - به کار گرفته نشود، عوامل بیرونی اثر چندانی در رفتارهای انسان نخواهند داشت؛ به همین دلیل، در گزاره‌های دینی با بیان‌ها و شیوه‌های مختلف بر تقویت پرهیزکاری، مهار نفس و محاسبه خویش تأکید شده است. بعضی از توصیه‌های مهم در این باره عبارتند از: توجه به تربیت خویشتن (لیثی واسطی، ۱۳۷۶، ص ۲۰۳)، سنجش و حسابرسی از خود (شریف الرضی، ۱۴۱۴ق، ص ۱۲۳)، بیان فواید محاسبه و مضرات غفلت (همان، ص ۵۰۶)، مدیریت خواهش‌های نفسانی و خویشتن‌داری (همان، ص ۲۵۱). حضرت علی علیه السلام یکی از فواید خودپایی و مراقبت از خود را نیل به استواری و مدیریت خویش دانسته و فرموده است: «ای بندگان خدا، شما را به پرهیزکاری (خودپایی) سفارش می‌کنم که عامل مهار نفس و مایه استواری شماست» (همان، ص ۳۰۹).

در سخنان ارزشمند امام علی علیه السلام به راهکارها و بعضی از نمونه‌های خودپایی رفتاری اشاره شده است؛ برای مثال بعضی از این راهکارها عبارتند از: ضرورت تسلط بر خویشتن (همان، ص ۴۴۴)، باور داشتن به استواری دژ پرهیزکاری و سستی دژ گناه (همان، ص ۲۲۱)، ضرورت بازداشتن نفس از هوس‌های آلوده (همان، ص ۴۴۷)، لزوم غلبه بر شهوات (همان، ص ۲۳۱)، کار بست عقل در زمینه خویشتن‌داری و خودنظارتی (همان، ص ۲۳۱)، خویشتن‌داری در شرایط مشکوک (همان، ص ۳۹۲) و وادار کردن نفس به آنچه خداوند واجب کرده است (همان، ص ۴۹). افزون بر این، در گزاره‌های دینی به رفتارهای اساسی و مؤثر در تحقق خودنظارتی و مدیریت خویشتن اشاره شده است: مدیریت و حفظ زبان و توانایی در



گفتار (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۲:ص ۶۲۶)، خودداری از زبری و تیزی گفتار (شریف الرضی، ۱۴۱۴ق، ص ۴۴۴)، پرهیز از کارهای مستلزم عذرخواهی (همان، ص ۴۰۷)، مدیریت خشم (همان، ص ۴۴۴)، مهار حرکات دست و اجتناب از تعدی دست (هنگام غضب)، پرهیز از سخنان نامربوط، سکوت درباره نادانسته ها و دوری از مسیری که احتمال گمراهی در آن وجود دارد (ابن شعبه، ۱۴۰۴ق، ص ۶۹) و مهم تر از همه مدیریت زبان و واداشتن آن به گفتن کلمات عاقلانه، لطیف، منطقی و مبرا از زشتی تا بدین وسیله، هلاکت و آسیب از انسان دور شود (شریف الرضی، ۱۴۱۴ق، ص ۲۵۴).

(۱۱) تلاش برای افزایش تاب آوری مخاطب

کیفیت زندگی شامل سلامت جسمانی و روانی افراد، باورهای معنوی، نوع روابط اجتماعی و کنش های رفتاری آنهاست و بر اساس تجارب ذهنی افراد ارزیابی و قضاوت می شود (Robinson, 2008, p.14-19)؛ به عبارت دیگر، کیفیت زندگی، ساحت های مختلفی از جمله سلامت جسمی، سلامت روانی و سلامت اجتماعی افراد را در بر می گیرد، از تجارب آنان و ادراکشان از زندگی تأثیر می پذیرد و ممکن است طی زمان تغییر کند. هر یک از ساحت های زندگی دارای دو جنبه ذهنی و عینی قابل ارزیابی است، اما آنچه اهمیت دارد انتظارات و ادراکات ذهنی افراد از زندگی است که بیانگر کیفیت زندگی واقعی و تجربه شده آنهاست. عوامل مختلفی ممکن است سلامت روانی، زیستی و اجتماعی افراد را تهدید کند؛ فقر، بیکاری، بیماری، ناامنی و ضعف اخلاق هنجاری در جامعه، از مهم ترین این عوامل است (پناهی، ۱۳۹۶، ص ۵۳-۷۲).

یکی از عناصر مهم در تقویت سازگاری و مقابله با مشکلات و تهدیدات، تاب آوری است. تاب آوری از متغیرهای مهم در رویکرد روان شناسی مثبت است و نقش سازنده ای در زندگی افراد دارد. تاب آوری فرایندی پویا برای سازگاری مثبت



و فراگیر در موقعیت‌های سخت و طاقت‌فرسای زندگی است و به عبارت دیگر، توانایی پایداری و مقاومت در مقابل دشواری‌ها و موقعیت‌های سخت زندگی است؛ به گونه‌ای که باعث انطباق فرد با موقعیت‌ها و رویدادها می‌شود و تهدیدها را به فرصت تبدیل می‌کند. به طور کلی، تاب‌آوری توانایی سازگاری موفقیت‌آمیز با مسائل و تهدیدات و بهره‌گیری از تفکر خلاق و منعطف برای حل مسائل و رفع مشکلات است. بوگار و دیانا بر این باورند که کسی که از ویژگی تاب‌آوری برخوردار است، در مواقع نیاز از دیگران یاری می‌گیرد، کاردان است، دارای درجه‌ای از سلامت و استقلال است، اعتماد به نفس دارد، به توانایی خویش در غلبه بر مشکلات اطمینان دارد و محیط اطراف خود را مثبت ارزیابی می‌کند (Bogar & Diana, 2006, p.318-327).

برخورداری از جهان‌بینی صحیح، شناخت جهان و خویشتن، رابطه معنوی با پروردگار و راضی بودن به خواست الهی، از مؤلفه‌هایی است که تاب‌آوری و استقامت افراد را افزایش داده، آن‌ها را برای مقابله با سختی‌های زندگی تواناتر می‌کند. جهان‌بینی صحیح به انسان بینشی عقلانی و منطقی می‌بخشد و راه‌های روشن و امیدوارانه به او هدیه می‌کند. معنویت و جهان‌بینی صحیح، نوعی راهبرد مقابله‌ای است که هنگام بروز هر گونه شکست یا ناملایمات، به افراد کمک می‌کند تا تعادل روحی خویش را حفظ و با مشکلات مقابله کنند.

در آموزه‌های دینی برای مقابله با سختی‌ها به مؤلفه‌هایی مانند اصلاح جهان‌بینی، تکیه بر قدرت خداوند، صبر، توکل، تن دادن به قضای الهی و... اشاره شده است که هر یک به گونه‌ای در افزایش تاب‌آوری انسان دخیل است. مهم‌ترین آموزه‌های دینی بر محور مؤلفه‌های شناختی (معرفتی) و اخلاقی متمرکز است. باورهای معرفتی و شناختی از اساسی‌ترین عوامل تأمین سلامت روانی است. بسیاری از محققان بر این باورند که اگر مذهب و باورهای ارزشی افراد به شایستگی شکل بگیرند، زمینه بسیاری از اختلالات و مشکلات از بین





می رود (De Mamani, Tuchman & Duarte, 1020, p.348-357). مطالعات نشان می دهد که باورهای دینی و اعتقادی، عاملی بسیار قوی برای پیشگیری و درمان اختلال های روان شناختی است (Karekla & Constantinou, 2010, p.143). در آموزه های دینی، برخورداری از معرفت و باور درست به خدا، نبوت، معاد، هدف خلقت و زندگی دنیوی، از عوامل سلامت روان، افزایش تاب آوری و توانایی مبارزه با مشکلات بیان شده است (رک: کاویانی و پناهی، ۱۳۹۳).

۱۲) اجتناب از مکر، خدعه و غوغاسالاری رسانه ای

قدرت تأثیرگذاری رسانه ملی بر افکار عمومی بسیار مهم است. قدرتمندان اقتصادی و سیاسی می توانند به وسیله رسانه و با غوغاسالاری و جنگ روانی به اهداف خود برسند. کسانی که از ارزش های اخلاقی بی بهره اند، با استفاده ابزاری از رسانه به فریب افکار عمومی می پردازند و با فضا سازی مسموم به اغراض خود دست می یابند. نتیجه این اقدامات به ظاهر زیرکانه و خلاف اخلاق دینی، عرفی و حرفه ای، تأثیرگذاری ماندگار و جهت دهی به افکار عمومی و فضای اجتماعی و سیاسی مخاطبان است.

حضرت علی علیه السلام در بیان سیاست های تبلیغی معاویه، فرمود: «به خداوند سوگند معاویه زیرک تر از من نیست، اما شیوه او پیمان شکنی [و نیرنگ و خیانت] و گناهکاری است. اگر پیمان شکنی ناخوشایند نبود، زیرک تر از من کسی نبود. اما هر پیمان شکنی به گناه برانگیزد، هر چه به گناه برانگیزد، دل را تاریک گرداند. روز رستاخیز، پیمان شکن را در فشی است افراخته و او بدان درفش شناخته شود. به خدا مرا با فریب غافل گیر نتوانند کرد و با سخت گیری ناتوانم نتوانند شمرد» (شریف الرضی، ۱۴۱۴ق، ص ۳۱۸). بنابراین، از جمله فضایل و بایدهای اخلاقی، اجتناب از مکر و حيله و غوغاسالاری رسانه ای است. رسانه ملی باید از نشر رداییل اخلاقی در

جامعه دینی (به ویژه در عرصه رسانه) و فریب دادن مخاطبان اجتناب کند. فریب دادن، اشاعه اطلاعات و اخبار نادرست، معرفی غیر واقعی یک شخصیت سیاسی و ارائه اطلاعات نادرست از فرهنگ، سرزمین و قومیت‌ها، امری غیر اخلاقی و ناپسند شمرده می‌شود.

اسلام غوغاسالاری و بی‌صداقتی را حتی درباره دشمن مجاز نمی‌داند. امروزه عصر ارتباطات دیجیتالی و ماهواره‌ای است و هر خبری به سرعت در دنیا منتشر می‌شود؛ لذا رسانه‌ها باید حداکثر صداقت و راستی را در سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌های خود رعایت کنند. ممکن است بتوان با غوغاسالاری و حيله‌گری برای مدت کوتاهی مخاطب را فریب داد، اما در درازمدت همه این تلاش‌های فریبکارانه بر باد خواهد رفت.



نتیجه گیری

رسانه جمعی، رسالت مهمی در مسئله آموزش و ترویج فرهنگ اخلاقی و اسلامی بر عهده دارد. بر پایه مطالعه و ژرف اندیشی و تتبع کیفی و کمی در آموزه های اسلامی، اخلاقی و روان شناختی می توان گفت رعایت موارد زیر کارآمدی رسانه جمعی را افزایش می دهد، باعث مصونیت رسانه از مسائل و آسیب ها می شود و بر محبوبیت و مقبولیت آن می افزاید:

توجه به تفاوت های فردی و جنسیتی، تکریم مخاطب، انتقاد پذیری، تحلیل صحیح، ارتباط شناختی-هیجانی هوشمندانه، تشویق و تنبیه آگاهانه، روابط کلامی و غیر کلامی نیکو، بهره گیری از واژه های فاخر و دلنشین، رعایت ادب و عفت، تاب آوری و خودمهارگری، از مهم ترین نکاتی است که از آموزه های اخلاقی و روان شناختی به دست می آید. همچنین، توجه به جامع نگری، توجه به اخلاق و ارزش های والای انسانی، تعامل مسئولانه (نه سهل انگارانه)، تعامل آگاهانه (نه مبتنی بر آزمایش و خطا)، دوران دیشی، ارتباط مبتنی بر کرامت و احترام، اقناع اندیشه، اخلاص و دوری از ریاکاری، اعتدال گرایی، مهرورزی عدالت گرایانه، عدم قضاوت عجولانه، پرهیز از ورود به موضوعات بحث انگیز و حساس، رعایت عفت و پاکدامنی کلامی و رفتاری، تقوآمحوری، اولویت دادن به یادگیری الگویی، رعایت اصل تدریج و آموزش گام به گام، آسان سازی محتوا، هنجارهای کنشی هوشمندانه، تعامل مبتنی بر افزایش انگیزش و امیدواری، توجه به زیبایی ظاهری، احترام به تفاوت های فرهنگی و منطقه ای و رفتار عفیفانه و امانت دارانه، از دیگر عناصر مهم در موفقیت و مقبولیت رسانه است.



کتابنامه

۱. قرآن کریم (۱۳۸۷)، ترجمه ناصر مکام شیرازی، قم: مدرسه امیرالمؤمنین.
۲. آذربایجانی، مسعود و همکاران (۱۳۸۲)، روان‌شناسی اجتماعی با نگرش به منابع اسلامی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۳ق)، من لا یحضره الفقیه، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۴. _____ (۱۳۶۲)، الخصال، قم: جامعه مدرسین.
۵. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴ق)، تحف العقول، قم: جامعه مدرسین.
۶. ابن ابی جمهور، محمد بن زین‌الدین (۱۴۰۵ق)، عوالی اللئالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة، قم: دار سید الشهداء للنشر.
۷. الوانی، سید مهدی (۱۳۸۹)، مدیریت عمومی، تهران: نی.
۸. پناهی، علی احمد (۱۳۹۳)، «اصول و تکنیک‌های اخلاقی روان‌شناختی در بهبود روابط دانشگاهیان»، پژوهش‌نامه اخلاق، ش ۲۵، ص ۱۱۳-۱۳۳.
۹. _____ (۱۳۹۶)، «بررسی نقش سازنده فضایل اخلاقی در سلامت روانی با رویکرد دینی-روان‌شناختی»، فصلنامه اخلاق، ش ۴۹، ص ۵۳-۷۲.
۱۰. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله (۱۳۸۳)، نهج الفصاحه، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: دنیای دانش.
۱۱. تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد (۱۴۱۰ق)، غرر الحکم و درر الکلم، قم: دار الکتاب الإسلامی.
۱۲. _____ (۱۳۶۶)، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۱۳. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، وسائل الشیعه، قم: آل‌البیت.
۱۴. دیوانی، امیر (۱۳۷۶)، حیات جاودانه، قم: معاونت امور اساتید.
۱۵. رضاییان، علی (۱۳۷۹)، مدیریت رفتار سازمانی، تهران: سمت.





۱۶. رهبر، محمد تقی (۱۳۷۱)، پژوهشی در تبلیغ، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
۱۷. سودانی، منصور، علی امیری مقدم و مهناز مهربانی زاده هنرمند (۱۳۹۲)، «اثر بخشی رویکرد ارتباطی ستیر بر تعارضات زناشویی و انطباق پذیری»، پژوهش های روان شناسی بالینی و مشاوره، سال ۳، ش ۱، ص ۵-۲۰.
۱۸. شریف الرضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴ق)، نهج البلاغه (للصبحی صالح)، قم: هجرت.
۱۹. شعبانی، حسن (۱۳۸۹)، مهارت های آموزشی و پرورشی: روش ها و فنون تدریس، تهران: سمت.
۲۰. کاویانی، محمد و علی احمد پناهی (۱۳۹۳)، روان شناسی در قرآن، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۲۱. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، الکافی، تهران: دار الکتب الإسلامية.
۲۲. لیثی واسطی، علی بن محمد (۱۳۷۶)، عیون الحکم و المواعظ، قم: دار الحدیث.
۲۳. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق)، بحار الانوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۴. مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۷۳)، خودشناسی برای خودسازی، قم: مؤسسه امام خمینی رحمته الله علیه.
۲۵. مصطفوی، حسن (۱۳۶۰)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: بنگاه نشر و ترجمه.
۲۶. میرسپاسی، ناصر (۱۳۸۴)، مدیریت منابع انسانی و روابط کار، تهران: شروین.
۲۷. هلر، رابرت (۱۳۸۳)، ارتباط مؤثر، ترجمه سید علی میرزایی، تهران: ساراگل.
۲۸. ورام بن ابی فراس، مسعود بن عیسی (۱۴۱۰ق)، تنبیه الخواطر و نزهة النواظر، قم: مکتبه فقیه.

تفاوت‌های اخلاقی در ازدواج؛ آثار و پیامدهای آن از منظر قرآن و حدیث

سید محمدرضا حسینی نیا*

چکیده

یکی از شروط همسرگزینی از دیدگاه قرآن و حدیث، کفویت و تشابه حداکثری زوجین از جنبه‌های مختلف، از جمله از جنبه ویژگی‌های اخلاقی است. این پژوهش با هدف آگاهی‌بخشی به نسل جوان و به روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است؛ ابتدا آیات و روایات مربوط به موضوع استخراج شد و بعد، با رویکردی جدید، ضمن بیان اهمیت کفویت، آثار و پیامدهای ازدواج‌های متفاوت از نظر اخلاقی بررسی و تحلیل شد.

یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که عدم تشابه زوجین در مسائل اخلاقی و تفاوت آن‌ها در این مسائل، آثار و پیامدهای خطیر و جبران‌ناپذیری را در پی خواهد داشت. شماری از این پیامدها عبارتند از: اختلال شخصیتی فرزندان، گسست خویشاوندی خانواده، محرومیت از داشتن فرزندان شایسته، پیمان‌شکنی در نظام خانواده، انحرافات اخلاقی فرزندان، ایجاد بسترهای اخلاق‌گریزی از راه وراثت، انتقال صفات اخلاقی از راه شیردهی و سرپیچی فرزندان از فرمان والدین.

* استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات دانشگاه ایلام، ایلام، ایران. Mohhos313@yahoo.com



کلیدواژه‌ها

همسرگزینی، کفویت زوجین، تفاوت‌های اخلاقی، ازدواج متفاوت.

مقدمه

دین مبین اسلام، برخلاف دیگر ادیان و مکاتب بشری، توصیه‌های فراوانی در انتخاب همسر دارد و ملاک‌هایی مانند ایمان، عفت و حیا، کرامت اصل و نسب، عقل و ادب و... را معیارهای انتخاب همسر بیان کرده است (مصدر، ۱۳۹۸، ص ۳۹). از مجموع سخنان فقها در مبحث کفویت زوجین چنین برمی‌آید که اساسی‌ترین معیار موفقیت در امر ازدواج، توجه به تفاهم اخلاقی و سازگاری از حیث ایمان است (فرهادی آجرلو و دیگران، ۱۳۹۸، ص ۱۹۷).

کفویت به معنای برابری و تشابه حداکثری زوجین در امور متعددی از جمله مسائل اخلاقی است. نقطه مقابل آن، عدم کفویت و تفاوت‌های زوجین در این مسائل است. با توجه به اینکه مسائل اخلاقی پرشمارند و بررسی همه آن‌ها در یک مقاله نمی‌گنجد، در پژوهش حاضر، بعضی از مصادیق تفاوت‌های اخلاقی زوجین بررسی می‌شود؛ برای مثال، یکی از مصادیق این تفاوت‌ها، ازدواج زنان و مردان پاکدامن و متقی با مردان و زنان تبه‌کار، فاسد و فاسق است که در قرآن کریم و روایات معصومین (۴) از آن نهی شده است.

روش پژوهش

روش تحقیق، توصیفی-تحلیلی است؛ آیات و روایات مربوط به کفویت و همسان همسری از منابع کتابخانه‌ای و نرم‌افزاری استخراج و بعد، تحلیل شد و برای هر یک از آن‌ها عنوان مناسبی تعیین شد.

هدف پژوهش

صنعت ارتباطات و فناوری رسانه پیشرفت روزافزونی دارد و ابزارهای رسانه‌ای و فضای مجازی گسترش یافته است. جوانان با تأثیرپذیری از فضای مجازی به



ازدواج‌هایی تمایل پیدا کرده‌اند که اصل همسانی اخلاقی در آن مورد توجه نیست. هدف از نگارش مقاله حاضر، آگاهی‌بخشی به جوانان درباره آثار و پیامدهای این گونه ازدواج‌هاست.

سؤال پژوهش

از منظر قرآن و حدیث، تفاوت‌های اخلاقی در ازدواج چه آثار و پیامدهایی دارد؟

پیشینه پژوهش

درباره کفویت و همسان همسری پژوهش‌هایی انجام شده است؛ برای مثال، فاطمه اقتدایی در پایان‌نامه خود با عنوان «بررسی مسئله کفویت زوجین از دیدگاه فرق و مذاهب اسلامی»، موضوع کفویت را از دیدگاه فقهای امامیه و اهل سنت بررسی کرده است و به این نتیجه رسیده که معیارهای کفویت از دیدگاه اهل سنت عبارتند از: همسانی در نسب، دین، حریت، اسلام آباء و از نگاه امامیه عبارتند از: اسلام، ایمان و تمکن زوج.

اعظم شمس‌الدین مطلق، در پایان‌نامه خود با عنوان «بررسی فقهی و حقوقی کفویت در نکاح و ضمانت اجرای آن در حقوق ایران»، به بررسی معنای شرعی و عرفی کفویت و ضمانت اجرایی آن پرداخته و به این نتیجه دست یافته است که مواردی مانند تدلیس و عیوب هر یک از زوجین موجب فسخ نکاح می‌شود و این در حالی است که فقه و قانون درباره این موارد بحثی به میان نیاورده است.

مقالاتی نیز درباره این مسئله نگاشته شده است؛ از جمله «رابطه همسان همسری و مطلوبیت روابط زناشویی» نوشته طاهره قادری و سمیه مردانی. نویسندگان این مقاله ۴۰۵ زوج را از نظر رابطه همسان همسری و مطلوبیت روابط زناشویی بررسی کرده و به این نتیجه دست یافته‌اند که همسان همسری سنی با ۹۹/۹٪، همسان همسری تحصیلی با ۹۹/۹٪، همسان همسری شغلی با ۹۹/۹٪ و همسان همسری طبقاتی با ۹۹٪ تأیید شده است.



غلامرضا رجیبی، باب‌الله بخشی‌پور و قدرت‌الله عباسی در مقاله «بررسی و مقایسه نظریه همسان همسری بر اساس ویژگی‌های شخصیتی» دریافته‌اند که افراد تمایل دارند، شریک زندگی خود را بر اساس پنج مؤلفه روان‌رنجورخوبی، برون‌گرایی، باز بودن، توافق‌پذیری و وجدانی بودن انتخاب کنند. همچنین، دختران، برون‌گراتر، توافقی‌تر و وجدانی‌تر و پسران، روان‌رنجورترند.

سیده سمیه هاشمی‌نژاد و همکارانش در مقاله «همسان همسری از دیدگاه روان‌شناسی و مقایسه آن با کفویت در فقه» به این نتیجه رسیدند که روان‌شناسان نیز مانند فقها، همسان همسری را تأیید کرده و با فرض تحقق معیارهای اصلی می‌توان از دیگر معیارهای غیرضروری چشم پوشید.

با توجه به پیشینه پژوهشی مسئله کفویت، وجه امتیاز مقاله حاضر این است که فقط به بررسی جنبه اخلاقی ناهمسان همسری و آثار و پیامدهای آن در انحرافات اخلاقی فرزندان می‌پردازد. یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که ناهمسان همسری از نظر اخلاقی، می‌تواند آثار و پیامدهای خطرناک و جبران‌نشدنی به جای بگذارد.

مفهوم‌شناسی

کفویت:

کفویت از ریشه «کفا» به معنی مثل و نظیر بودن و تساوی در امور است (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۵: ص ۴۱۴؛ مصطفوی، ۱۴۳۰ق، ج ۱۰: ص ۸۲) و در اصطلاح یعنی تساوی زوجین در اموری مانند دین (شریف مرتضی، ۱۴۱۷ق، ص ۳۲۷)، تقوی و انسانیت (حلی، ۱۴۱۰ق، ج ۱: ص ۱۰)، سلامت از عیوب، حریت، نسب و رضاع (نووی، بی‌تا، ج ۱۶: ص ۱۸۴). شایان ذکر است در ادبیات معاصر، به جای کفویت از اصطلاح «همسان همسری» استفاده می‌شود که به معنی وصلت کردن یک زن و یک مرد با بیشترین وجوه مشابهت است (سالاری و دیگران، ۱۳۹۲، ش ۱۹: ص ۹۸).



۱- اهمیت همسان همسری در روایات

درباره همسان همسری روایات متعددی در منابع روایی شیعه و اهل سنت وارد شده است که به شماری از آن‌ها اشاره می‌گردد؛ پیامبر گرامی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در پاسخ کسی که از آن حضرت سؤال کرد: «دخترانمان را به چه کسانی تزویج کنیم؟» فرمود: «به اکفاء» و هنگامی که از مصداق اکفاء سؤال شد، فرمود: «الْمُؤْمِنُونَ بَعْضُهُمْ أَكْفَاءُ بَعْضٍ؛ بعضی از مؤمنان همسان دیگر مؤمنان هستند» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵: ص ۳۳۷). این حدیث به خوبی دلالت دارد بر اینکه مردان مؤمن باید همسران خود را از میان زنان مؤمن برگزینند و زنان مؤمن نیز باید همسران خود را از میان مردان مؤمن انتخاب کنند. پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در روایت دیگری فرمود: «أَنْكُحُوا الْأَكْفَاءَ وَانْكَحُوا فِيهِمْ وَاخْتَارُوا لِنُطْفِكُمْ؛ از افراد هم‌شان خود همسر انتخاب کنید و به افراد هم‌شان خود همسر بدهید و برای نطفه‌هایتان محل مناسب اختیار کنید» (همان، ص ۳۳۲). اهل سنت نیز روایاتی درباره همسان همسری نقل کرده‌اند، از جمله: «لا تَنْكَحُوا النِّسَاءَ إِلَّا الْأَكْفَاءَ؛ ازدواج نکنید مگر با همسان‌های خود» (دارقطنی، ۱۳۸۶ق، ج ۳: ص ۲۴۴).

۲- آثار ناهمسان همسری اخلاقی

۲-۱. اختلال شخصیتی فرزندان:

یکی از پیامدها و آثار سوء ناهمسانی همسران، اختلال شخصیتی فرزندان است. شخصیت یعنی الگوی نسبتاً پایدار و بی‌همانند اندیشیدن، احساس و رفتار هر فرد (اسدورو، ۱۳۹۳، ص ۴۶۷). شخصیت انسان مجموعه‌ای است از رفتارهای خوب و شایسته یا بد و ناشایست. رفتارهای خوب و بد از دیدگاه ادیان مختلف، متفاوت است. با توجه به تأثیر مستقیم و غیرمستقیم دین بر رفتارهای آدمی، ناگزیر شخصیت انسان نیز متأثر از دینی است که بدان گرایش دارد؛ به‌طور مثال، شخصیت فرد معتقد به دین اسلام با شخصیت فرد معتقد به ادیان ابراهیمی مانند مسیحیت، یهودیت و زرتشت و یا ادیان غیرابراهیمی مانند بودیسم و کنفوسیوس متفاوت است.



خانه و خانواده از جمله عوامل سازنده شخصیت انسان هستند (مرتضی، ۱۴۱۵ق، ج ۴: ص ۳۱۸). بر این اساس، اگر در محیط خانه و میان اعضای خانواده اختلاف و ناهمسانی دینی وجود داشته باشد، فرزندان دچار اختلال شخصیتی می‌شوند و این مشکل به نوبه خود موجب بروز مشکلات فراوانی در جامعه خواهد شد. یادآوری می‌گردد اختلال شخصیتی فرزندان همسرانی که از نظر دین ناهمسان هستند، از دو عامل مهم وراثت و محیط تأثیر می‌پذیرد.

۲-۲. گسست خویشاوندی

یکی از مصادیق ناهمسان همسری اخلاقی، ازدواج زنان و مردان باتقوا با مردان و زنان شرابخوار است. در حدیثی از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «مَنْ رَزَّجَ كَرِيمَتَهُ مِنْ شَارِبِ الْخَمْرِ فَقَدْ قَطَعَ رَحِمَهَا؛ کسی که دختر باکرامت خود را به همسری مرد شرابخوار درآورد، به تحقیق خویشاوندی او را قطع کرده است» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵: ص ۳۴۷).

این روایت بیانگر یکی از آثار سوء ناهمسان همسری، یعنی قطع رحم است. درباره اثر یادشده تبیین‌های مختلفی مطرح شده است؛ عده‌ای آن را به معنی متضرر شدن دختران باکرامت در ازدواج با شاربان خمر دانسته (قاسمی، ۱۴۱۸ق، ج ۷: ص ۳۲۳) و بعضی این گونه وصلت را مایه تولد فرزندان ناقص الخلقه و موجب گسست خویشاوندی و ضایع شدن نسل خوانده‌اند (فلسفی، ۱۴۲۶ق، ج ۱: ص ۷۷). تبیین دیگر آن است که دائم الخمر بودن شرابخوار، کانون خانواده و به‌ویژه فرزندان را تحت تأثیر قرار می‌دهد و شرابخوار هیچ اقدامی برای تربیت فرزندان انجام نمی‌دهد و آن‌ها را به حال خود رها می‌کند.

در روایت دیگری از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله نقل شده که آن حضرت فرمود: «هرگاه زنی فرمان مرد شرابخوارش را اطاعت کند، برای آن زن به عدد ستارگان آسمان گناه نوشته می‌شود و هر فرزندی که از آن همسر به دنیا بیاورد، نجس است و



هیچ عملی از او مورد قبول واقع نمی‌شود تا اینکه همسر شرابخوارش بمیرد یا زن از او طلاق خلع بگیرد^۱ (دیلمی، ۱۴۱۲ق، ج ۱: ص ۱۷۵).

۲-۳. محرومیت از داشتن فرزندان شایسته

داشتن فرزندان شایسته از آرزوهای هر انسان شایسته است. خداوند متعال از قول برخی پیامبرانش مانند حضرت زکریا فرموده است: ﴿هُنَالِكَ دَعَا زَكَرِيَّا رَبَّهُ قَالَ رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ﴾؛ آنجا [بود که] زکریا پروردگارش را خواند [و] گفت: پروردگارا، از جانب خود فرزندی پاک و پسندیده به من عطا کن که تو شنونده دعایی) (آل عمران: ۳۸). همچنین، خداوند درباره داشتن فرزندان ناشایست هشدار داده و فرموده است: ﴿وَلْيَخْشَ الَّذِينَ لَوْ تَرَكَوْا مِنْ خَلْفِهِمْ ذُرِّيَّةً ضِعَافًا خَافُوا عَلَيْهِمْ فَلْيَتَّقُوا اللَّهَ وَلْيُؤْتُوا قَوْلًا سَدِيدًا﴾؛ و آنان که اگر فرزندان ناتوانی از خود بر جای بگذارند بر [آینده] آنان بیم دارند، باید [از ستم بر یتیمان مردم نیز] بترسند.

پس باید از خدا پروا دارند و سخنی [به جا و] درست بگویند» (نساء: ۹). یکی از زمینه‌ها و عوامل داشتن فرزندان شایسته انتخاب همسران همسان از نظر دینی و اخلاقی است. در مقابل، یکی از عوامل و زمینه‌های محرومیت از داشتن فرزندان شایسته، انتخاب همسران ناهمسان است.

در روایتی از حضرت علی عليه السلام آمده است: «إِيَّاكُمْ وَ تَرْوِيحَ الْحَمَقَاءِ فَإِنَّ صُحْبَتَهَا بَلَاءٌ وَ وُلْدَهَا ضِيَاعٌ؛ از ازدواج با زنان احمق پرهیزید؛ چرا که همنشینی با آنان مایه گرفتاری و زایش آنان ضایع کردن است» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵: ص ۳۵۴). در این روایت، به یکی از مصادیق ازدواج ناهمسان اشاره شده و آن، ازدواج مردان عاقل با زنان غیرعاقل است. معنی لغوی واژه «حمقاء» در این روایت کمی عقل است

۱. أَيْمَا امْرَأَةٍ أَطَاعَتْ زَوْجَهَا وَ هِيَ شَارِبُ الْخَمْرِ كَانَ لَهَا مِنَ الْخَطَايَا بَعْدَ نُجُومِ السَّمَاءِ وَ كُلُّ مُؤَلُّودٍ يَلِدُ مِنْهُ فَهُوَ نَجِسٌ وَ لَا يَقْبَلُ اللَّهُ تَعَالَى مِنْهَا صَرْفًا وَ لَا عَدْلًا حَتَّى يَمُوتَ زَوْجُهَا أَوْ تَخْلَعَ عَنْهُ نَفْسَهَا.



(جوهری، ۱۳۷۶، ج ۴: ص ۱۴۶۴؛ طریحی، ۱۳۷۵، ج ۵: ص ۱۵۲) و در اصطلاح، به کسی گفته می‌شود که به دلیل جهل درباره کارهای زشت، هیچ چیزی را در جای خود قرار نمی‌دهد (مازندرانی، ۱۴۲۱ق، ج ۵: ص ۸۷).

به نظر می‌رسد ضایع شدن فرزندان که از آثار ناهمسان همسری و ازدواج عاقلان با احمقان است، به معنای هلاکت آنها است که به صورت‌های مختلفی قابل تصور است؛ هم می‌تواند هلاکت جسمانی باشد، به این معنا که احمق توان نگهداری فرزندان را از خطرهای محتمل ندارد و موجب هلاکت آنان می‌گردد و هم می‌تواند هلاکت معنوی، اخلاقی و تربیتی آنان باشد. بر این اساس، انتخاب همسران کم‌عقل در محرومیت انسان از داشتن فرزندان شایسته تأثیر زیادی دارد.

۲-۴. پیمان شکنی در نظام خانواده

خداوند متعال مؤمنان را به وفا کردن به پیمان‌ها امر کرده است: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ﴾؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به قراردادهای خود وفا کنید» (مائده: ۱). همچنین، یکی از ویژگی‌های مشرکان و کافران را نقض عهد و شکستن پیمان‌ها دانسته است؛ آنها گاهی عهد و پیمان‌های خداوند را می‌شکنند: ﴿الَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ﴾؛ همانانی که پیمان خدا را پس از بستن آن می‌شکنند و آنچه را خداوند به پیوستنش امر فرموده می‌گسلند» (بقره: ۲۷) و گاهی عهدهای خود با پیامبر و مؤمنان را نقض می‌کنند: ﴿الَّذِينَ عَاهَدْتَ مِنْهُمْ ثُمَّ يَنْقُضُونَ عَهْدَهُمْ فِي كُلِّ مَرَّةٍ وَهُمْ لَا يَتَّقُونَ﴾؛ همانان که از ایشان پیمان گرفتی ولی هر بار پیمان خود را می‌شکنند و [از خدا] پروا نمی‌دارند» (انفال: ۵۶).

گفتنی است که خداوند در عبارت «وَهُمْ لَا يَتَّقُونَ»، منشأ این نقض پیمان‌ها را بی‌تقوایی دانسته است. بدیهی است که این ویژگی را می‌توان به دیگر افراد و حتی به زندگی خانوادگی نیز تسری داد. آیه شریفه ﴿وَلَا تُنْسِكُوا بَعْضَ الْكُوفِرِ﴾؛ و به پیوندهای قبلی کافران متمسک نشوید [و پایبند نباشید] (ممتحنه: ۱۰) نیز مؤمنان و





مسلمانان را از اعتماد به پیمان مشرکان و کافران در زندگی مشترک و خانوادگی بر حذر داشته است.

در آیه یادشده، واژه امساک از ماده «مسک» به معنی بخل (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۵: ص ۳۲۰)، تعلق، دل بستن به چیزی و نگاهداری آن است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۷۶۸)، واژه عَصَم جمع «عصمه» به معنی سبب و بند (زمخشری، ۱۴۱۷ق، ج ۲: ص ۳۶۹) و کوافر نیز جمع «کافره» و به معنی زنان کافر است (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۵: ص ۹). معنی این فراز از آیه آن است که نکاح‌های زنان کافر را نگاه ندارید (همان‌جا).

مفسران برداشت‌های مختلفی درباره این آیه بیان کرده اند؛ شماری آن را به معنی امید نداشتن به همسر مشرک و کافر دانسته (مقاتل، ۱۴۲۳ق، ج ۴: ص ۳۰۴) و برخی نیز آن را به معنی نفی هرگونه پیوند میان کافر و مؤمن دانسته‌اند (دینوری، ۱۴۲۴ق، ج ۲: ص ۴۰۰). بنابراین، آیه بیانگر فسخ و بطلان عقد نکاح مردان مسلمان و زنان کافر و مفهوم آن به طریق اولویت، حرمت و نهی از ازدواج ابتدایی مردان مسلمان با زنان کافر است.

۳- پیامدهای ناهمسان همسری اخلاقی

۳-۱. انحرافات اخلاقی فرزندان

ناهمسانی و عدم تشابه همسران در مسائل اخلاقی، نقش عمده‌ای در انحرافات اخلاقی فرزندان دارد. خداوند متعال در قرآن کریم فرموده است: ﴿وَالْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرُجُ نَبَاتُهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَالَّذِي خَبثَ لَا يَخْرُجُ إِلَّا تَكْدًا﴾؛ و زمین پاک [و آماده]، گیاهش به اذن پروردگارش برمی‌آید؛ و آن [زمینی] که ناپاک [و نامناسب] است [گیاهش] جز اندک و بی‌فایده بر نمی‌آید» (اعراف: ۵۸). بعضی از دانشمندان معاصر مبحثی را با عنوان تبعیت در ولادت ذیل این آیه مطرح کرده و معتقدند از موجود خبیث جز فرزند خبیث و از موجود پاک جز فرزند پاک متولد نمی‌شود. همچنین،



معتقدند طهارت و کرامت دو موروث و زائیده خانواده اصیل و صاحب دین هستند (گلپایگانی، ۱۴۱۳ق، ص ۱۱۸).

بر این اساس، خداوند متعال برای پیشگیری از چنین پیامدی، هر گونه ازدواج ناهمساز را به ویژه در بعد اخلاقی منع کرده و فرموده است: ﴿الزَّانِي لَا يَنْكِحُ إِلَّا زَانِيَةً أَوْ مُشْرِكَةً وَالزَّانِيَةُ لَا يَنْكِحُهَا إِلَّا زَانٍ أَوْ مُشْرِكٌ وَحُرْمٌ ذَلِكَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ﴾؛ مرد زناکار جز زن زناکار یا مشرک را به همسری نگیرد و زن زناکار را جز مرد زناکار یا مشرک به زنی نگیرد و بر مؤمنان این [امر] حرام گردیده است» (نور: ۲). شایان ذکر است قرار گرفتن دو گناه شرک و زنا در یک ردیف نشان از برابری آن دو نزد خداوند متعال دارد و بدین دلیل فرموده است: ﴿وَالَّذِينَ لَا يَدْعُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ وَ لَا يَقْتُلُونَ النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَ لَا يَزْنُونَ وَ مَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ يَلْقَ أَثَامًا﴾؛ و کسانی اند که با خدا معبودی دیگر نمی خوانند و کسی را که خدا [خونش را] حرام کرده است جز به حق نمی کشند و زنا نمی کنند، و هر کس این ها را انجام دهد سزایش را دریافت خواهد کرد» (فرقان: ۶۸).

مسئله محوری در آیه بالا، زنا است. گناه زنا از جمله گناهانی است که در آیات و روایات متعدد نهی شده است: ﴿وَ لَا تَقْرَبُوا الزَّانِيَةَ إِنَّهَا كَانَتْ فَاحِشَةً وَ سَاءَ سَبِيلًا﴾؛ و به زنا نزدیک مشوید، چرا که آن همواره زشت و بد راهی است» (اسراء: ۳۲). در روایتی از امام رضا علیه السلام آمده است:

«وَ حَرَّمَ اللَّهُ تَعَالَى الزَّانَا لِمَا فِيهِ مِنَ الْفُسَادِ مِنَ الْقَتْلِ الْأَنْفُسِ وَ ذَهَابِ الْأَنْسَابِ وَ تَرَكَ التَّزْوِيَةَ لِلْأَطْفَالِ؛ خداوند متعال زنا را حرام کرد به دلیل آنچه در آن است از فساد در کشتن جانها و از بین رفتن نسبها و رها کردن تربیت کودکان» (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۳: ص ۵۶۵).

با توجه به بزرگی گناه زنا از سویی و برحذر داشتن ازدواج با زناکاران از سویی دیگر به نظر می رسد، در صورت رخداد چنین ازدواجی آثار شوم آن هم گریبان گیر زنان و مردان پاکدامن می شود و هم فرزندان آنان؛ زیرا بر اساس قانون وراثت، اگر میل به عمل زنا در نفس رسوخ کرده باشد، احتمال انتقال آن به فرزندان



نیز ممکن است. امام هادی علیه السلام در این باره فرمود: «پس، هنگامی که مردی با همسرش، با قلب و رگ‌هایی آرام و بدنی نامضطرب همبستر می‌شود، نطفه در رحم جای می‌گیرد و فرزندی که متولد می‌شود، به پدر و مادر شباهت دارد»^۱ (صدوق، ۱۳۸۵، ج ۱: ص ۹۷).

از آن رو که عبارت «یَشْبَهُ أَبَاهُ وَ أُمَّهُ» اطلاق دارد، شباهت فرزندان به پدر و مادر را در همه ویژگی‌ها شامل می‌شود. بنابراین، اگر پدر و مادر به انجام گناه تمایل داشته باشند، فرزندی که از آنان متولد می‌شود نیز ممکن است این ویژگی را داشته باشد.

با توجه به آنچه گفته شد، زنا نظام خانواده را فاسد می‌کند و زمینه‌های تربیت غیراخلاقی و نادرست را فراهم می‌کند؛ از این رو، لازم است برای پیشگیری از تولید و تربیت نسل غیراخلاقی و غیردینی، به مسئله همسان همسری به‌ویژه از نظر اخلاقی توجه شود.

بنابراین، تشابه زوجین در داشتن همه فضایل اخلاقی و عاری بودن آن‌ها از رذایل اخلاقی ضروری است. خداوند متعال با تأکید بر این ضرورت فرموده است: ﴿الْخَبِيثَاتُ لِلْخَبِيثِينَ وَالْخَبِيثُونَ لِلْخَبِيثَاتِ وَالطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ وَالطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ﴾؛ زنان پلید برای مردان پلیدند و مردان پلید برای زنان پلید. و زنان پاک برای مردان پاکند و مردان پاک برای زنان پاک» (نور: ۲۶). بعضی از مفسران، این آیه را از جمله آیات دلالت‌کننده بر همسان همسری اخلاقی دانسته‌اند (طبرسی، ۱۴۱۲ق، ج ۲: ص ۶۱۳؛ تستری، ۱۴۲۳ق، ج ۱: ص ۱۱۴؛ طبرانی، ۲۰۰۸، ج ۴: ص ۴۱۷؛ نحاس، ۱۴۲۱ق، ج ۳: ص ۹۲؛ جصاص، ۱۴۱۵ق، ج ۳: ص ۴۰۰؛ مراغی، بی‌تا، ج ۱۸: ص ۹۲). خبیث، در لغت، به معنی هر چیزی است که در مقابل طیب باشد و به اعمالی مانند زنا اطلاق می‌شود (مصطفوی، ۱۴۳۰ق، ج ۳: ص ۱۲) و در اصطلاح، به هر چیز

۱. فَإِنَّ الرَّجُلَ إِذَا أَتَى أَهْلَهُ بِقَلْبٍ سَاكِنٍ وَ عُرْوِقٍ هَادِيَةٍ وَ بَدَنِ غَيْرِ مُضْطَرِبٍ اشْتَكَنَتْ تِلْكَ النُّطْفَةُ فِي تِلْكَ الرَّجْمِ فَخَرَجَ الْوَلَدُ يَشْبَهُ أَبَاهُ وَ أُمَّهُ.



فاسدی گفته می‌شود که مانند گیاه پیوسته در حال رشد کردن است (طوسی، بی‌تا، ج ۷: ص ۴۲۴).

۳-۲. ایجاد بسترهای اخلاق‌گزیزی از راه وراثت

یکی از اصول پذیرفته شده در علوم جدید، انتقال صفات از والدین به فرزندان از طریق وراثت است. قرآن کریم درباره انتقال صفات کمالی و فضایل اخلاقی پیامبران پیشین به پیامبران پسین از نسل خود، از راه وراثت، فرموده است: «ذُرِّيَّةٌ بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ؛ فرزندان آنی که بعضی از آنان از [نسل] بعضی دیگرند» (آل عمران: ۳۴). همچنین، در حدیثی از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «مَثَلُ أَوْلَادِكُمُ الَّذِينَ يُولَدُونَ مِنْكُمْ كَمَثَلِ الزَّيْتِ الَّذِي يَعْصُرُ مِنَ الزَّيْتُونِ؛ مثل فرزندان شما که از شما متولد می‌شوند، مثل روغنی است که از زیتون گرفته می‌شود» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۸: ص ۳۸۱).

به نظر می‌رسد وجه تشبیه آن است که چنانکه خواص دانه‌های زیتون به روغن آن انتقال می‌یابد، ویژگی‌های والدین نیز به فرزندان منتقل می‌شود. بر این اساس، یکی از آثار سوء ناهمساز همسری در نظام خانواده، انتقال صفات زشت و رذایل اخلاقی راسخه در همسران به فرزندان (از طریق وراثت) است. البته پذیرش این سخن هرگز به معنای نفی اراده و اختیار انسان در تصمیم‌گیری‌ها و کارهای خود نیست، بلکه چنانکه برخی صاحب‌نظران معاصر گفته‌اند، انتقال صفات والدین به فرزندان به منزله علل ناقصه‌اند و نقش بسترسازی و زمینه‌ای دارند و علت تامه نیستند (مصباح‌یزدی، ۱۳۹۱، ج ۱: ص ۲۷؛ جوادی‌آملی، ۱۳۸۸، ج ۲: ص ۲۴۵).

یکی از مصادیق انتقال صفات از والدین به فرزندان، مردمان عصر حضرت نوح علیه السلام هستند. آن حضرت پس از قرن‌ها تلاش بی‌وقفه و شبانه‌روزی در امر هدایت مردمان عصر خویش و بی‌نتیجه بودن زحمات، آنان را نفرین کرد و به خداوند متعال عرض کرد: ﴿رَبِّ لَا تَذَرْ عَلَيَّ الْأَرْضَ مِنَ الْكَافِرِينَ دَيَّارًا﴾؛ و نوح گفت:



پروردگارا، هیچ کس از کافران را بر روی زمین مگذار» (نوح: ۲۶). حضرت نوح، حکمت نفرین خود را پیشگیری از تولد فرزندان بدکار و کافر دانسته است: ﴿إِنَّكَ إِن تَذَرَهُمْ يَتَّبِعُوا عِبَادَكَ وَلَا يَلِدُوا إِلَّا فَاجِرًا كَفَّارًا﴾؛ چرا که اگر تو آنان را باقی گذاری، بندگانت را گمراه می‌کنند و جز پلید کار ناسپاس نزنند» (نوح: ۲۷).

این آیه بیانگر مسئله انتقال رذایل اخلاقی و اعتقادات انحرافی از والدین به فرزندان است. شماری از مفسران پیش‌بینی حضرت نوح علیه السلام را درباره تولد فرزندان فاجر و کافر، از اخبار غیبی خداوند به حضرت نوح در این آیه شریفه دانسته‌اند: ﴿وَأَوْحِي إِلَىٰ نُوحٍ أَنَّهُ لَنْ يُؤْمِنَ مِنْ قَوْمِكَ إِلَّا مَن قَدْ آمَنَ فَلَا تَبْتَئِسْ بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ﴾؛ و به نوح وحی شد که از قوم تو جز کسانی که [تاکنون] ایمان آورده‌اند هرگز [کسی] ایمان نخواهد آورد. پس، از آنچه می‌کردند غمگین مباش» (هود: ۳۴). (طبرسی، ۱۴۱۲ق، ج ۵: ص ۳۶۹؛ طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۲۹: ص ۶۳، طوسی، بی‌تا، ج ۱۰: ص ۱۴۲).

از مجموع آیات بالا به دست می‌آید که دلیل تولد فرزندان با ویژگی‌های کفر، فجور و بی‌ایمانی به حضرت نوح (۷)، تأثیرگذاری والدین بر فرزندان از راه وراثت بوده است.

۳-۳. انتقال صفات اخلاقی از راه شیردهی

انتقال صفات مادر به فرزندان از طریق شیردهی از جمله مسائلی است که اگرچه به‌طور صریح در روایات نیامده است، با تحلیل روایاتی که درباره ویژگی‌های زن شیرده آمده می‌توان به آن دست یافت. در روایتی از امام باقر علیه السلام آمده است که آن حضرت به محمد بن مروان فرمود:

«اشْتَرَوْضِعَ لَوْلَدِكَ بِلَبَنِ الْحَسَنِ وَ إِيَّاكَ وَ الْقَبَاحَ فَإِنَّ اللَّبْنَ قَدْ يَعْدِي؛ از زنان نیکوکار برای

فرزندت طلب شیر کن و از زنان بدکار و زشت‌منظر بپرهیز؛ چرا که به تحقیق شیر

تأثیرگذار است» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶: ص ۴۴).



همچنین، در روایت دیگری از امام صادق علیه السلام آمده است:

«تَوَفَّوْا عَلَيَّ أَوْلَادِكُمْ مِنْ لَبَنِ الْبَغِيِّ مِنَ النِّسَاءِ وَ الْمَجْثُومَةِ فَإِنَّ اللَّبْنَ يُعْدِي؛ نگاه دارید فرزندان خود را از شیر زنان بدکار و دیوانه، زیرا شیر آنان اثرگذار است» (ابن شعبه، ۱۴۰۴ق، ص ۱۰۵).

عبارت «فَإِنَّ اللَّبْنَ قَدْ يُعْدِي» در روایت اول و عبارت «فَإِنَّ اللَّبْنَ يُعْدِي» در روایت دوم بیانگر آن است که کودک شیرخوار از خوبی‌ها و بدی‌های شیردهنده متأثر می‌شود. از جمله شواهدی که مؤید این تأثیر است، واقعه حرام کردن شیر همه دایه‌ها بر حضرت موسی علیه السلام و هدایت مأموران به سوی مادر آن حضرت از جانب خداوند متعال است: ﴿وَ حَرَّمْنَا عَلَيْهِ الْمَرَاضِعَ مِنْ قَبْلٍ فَقَالَتْ هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ أَهْلِ بَيْتٍ يَكْفُلُونَهُ لَكُمْ وَ هُمْ لَهُ نَاصِحُونَ﴾؛ و از پیش، شیر دایگان را بر او حرام گردانیده بودیم. پس [خواهرش آمد و] گفت: آیا شما را بر خانواده‌ای راهنمایی کنم که برای شما از وی سرپرستی کنند و خیرخواه او باشند؟» (قصص: ۱۲).

برخی مفسران، تحریم تکوینی شیر زنان شیرده بر حضرت موسی علیه السلام را به دلیل آلوده بودن شیرها به حرام از قبیل: دزدی، رشوه و غصب اموال دیگران (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۶: ص ۳۶) و بعضی نیز آن را به دلیل جلوگیری از تأثیرات تربیتی مادر بر فرزند از راه شیردهی دانسته‌اند (کاشانی، بی تا، ج ۷: ص ۵۴؛ شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳، ج ۱۰: ص ۱۰۸). انتخاب حلیمه سعدیه برای شیردادن به پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم نیز شاهی است بر اهمیت این مسئله. بیشتر عالمان از حلیمه به نیکی یاد کرده‌اند و بعضی بر آنند که وی از زنان معروف به پاکدامنی، حیا، شرافت و کرامت بوده است (کجوری، ۱۳۸۰: ص ۱۰۶).

در هر حال، با فرض مشرک بودن زنان، در ازدواج ناهمسان اخلاقی احتمال انتقال صفت رذیله از راه شیردهی به فرزندان وجود خواهد داشت و این احتمال عقلایی خود می‌تواند انگیزه و دلیل قابل قبولی برای پرهیز از این گونه ازدواج باشد. بدین ترتیب، در مسئله ناهمسان همسری، اگر یکی از زوجین یا هر دوی آنها

متصف به رذایل اخلاقی باشند، احتمال تأثیر آن بر فرزندان زیاد است و تنها راه پیشگیری از این پیامد، رعایت همسان همسری از نظر اخلاقی است.

۳-۴. سرپیچی از فرمان والدین

یکی از مباحث اخلاقی، احترام به والدین و اطاعت از اوامر آنهاست. این وجوب اطاعت در برخی موارد شدت می‌یابد؛ به‌ویژه اگر پدر افزون بر مقام پدری دارای مقام نبوت نیز باشد. یکی از مهم‌ترین مصادیق سرپیچی فرزند از پدر، سرپیچی پسر حضرت نوح علیه السلام از آن حضرت است. او در ایمان آوردن به دین آن حضرت و پایبندی به اوامر و نواهی خداوند سرپیچی کرد.

پسر حضرت نوح علیه السلام آنقدر بر نافرمانی از پیامبر خدا و گمراهی خویش اصرار داشت که خداوند متعال درباره او به آن حضرت فرمود: «قَالَ يَا نُوحُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ؛ فرمود: ای نوح، او در حقیقت از کسان تو نیست، او [دارای] کرداری ناشایسته است» (هود: ۴۶). به نظر می‌سد یکی از عوامل انحراف اخلاقی فرزند حضرت نوح علیه السلام ناهمسانی اخلاقی همسر نوح علیه السلام با اوست. خداوند متعال در این باره فرمود: ﴿صَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأَتُ نُوحٍ وَ امْرَأَتُ لُوطٍ كَانَتَا تَحْتَ عَبْدَيْنِ مِنْ عِبَادِنَا صَالِحِينَ فَخَانَتَاهُمَا﴾؛ خدا برای کسانی که کفر ورزیده‌اند، زن نوح و زن لوط را مثل آورده [که] هر دو در نکاح دو بنده از بندگان شایسته ما بودند و به آن‌ها خیانت کردند» (تحریم: ۱۰).

نکته‌ای که خداوند متعال درباره همسر آن حضرت بدان اشاره کرده است، عبارت «فَخَانَتَاهُمَا» است؛ بیشتر مفسران معتقدند منظور از این عبارت، کافر بودن همسران نوح و لوط علیه السلام است (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۲۸: ص ۱۰۹؛ طبرانی، ۲۰۰۸، ج ۶: ص ۳۰۷؛ ثعلبی، ۱۴۲۲ق، ج ۹: ص ۳۵۱؛ واحدی، ۱۴۱۵ق، ج ۲: ص ۱۱۱۴، طوسی، بی تا، ج ۱۰: ص ۵۲؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰: ص ۴۷۹)، اما برخی نیز عبارت مذکور را به معنی خیانت آن‌ها به همسرانشان که پیامبر بودند - با آزار و اذیت آن دو از طریق



افشای اسرار و کمک کردن به دشمنان آنان - دانسته‌اند (مغنیه، ۱۴۲۴ق، ج ۷: ص ۳۶۸؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲۴: ص ۳۰۲). عبارت «فَخَانَتْهُمَا» به هر معنایی که باشد بر ناهمسانی همسران دلالت دارد؛ تفسیر اول بیانگر ناهمسانی دینی و تفسیر دوم بیانگر ناهمسانی اخلاقی است.



نتیجه‌گیری

کفویت زوجین که به معنای تشابه حداکثری زوجین در بسیاری از مسائل و به‌ویژه در اخلاق است، از شروط مهم ازدواج به‌شمار می‌آید. این مسئله از چند آیه قرآن کریم برمی‌آید و بر روایات فراوانی مبتنی است که در منابع روایی شیعه و سنت وارد شده است. از مجموع ادله چنین برداشت می‌شود که رعایت همسان همسری موجب سعادت‌مندی اعضای خانواده، به‌ویژه فرزندان می‌شود و بی‌اعتنایی به آن مایه شقاوت خانواده و فرزندان می‌گردد. ناهمسان همسری اخلاقی دارای پیامدهایی به شرح زیر است:

۱- کانون خانواده محل شکل‌گیری شخصیت انسان است و تحقق این مهم معلول علل و عوامل متعددی است که مهم‌ترین آن‌ها همسانی همسران از نظر اخلاقی است. در نتیجه، ناهمسانی موجب اختلال شخصیتی فرزندان می‌گردد.

۲- اتصال و پیوستگی نسل‌ها از مهم‌ترین اهداف ازدواج است. این هدف هنگامی محقق می‌شود که همسران از نظر اخلاقی همسان باشند. در صورت تخطی یکی از همسران و یا هر دوی آنها از اصول اخلاقی، گسست خویشاوندی و نسلی رخ می‌دهد.

۳- داشتن فرزندان صالح از آرزوهای هر انسان شرافتمندی است. برآورده شدن این آرزو منوط به برابری همسران در رعایت مسائل اخلاقی است. عدول از این اصل، همسران را از داشتن فرزندان شایسته محروم خواهد کرد.

۴- وفای به پیمان، از دستورهای مؤکد اسلام است. برخی از پیمان‌ها میان اعضای خانواده بسته می‌شود و اگر همسان همسری رعایت نشود، پیمان‌شکنی در نظام خانواده حاکم خواهد شد.

افزون بر آثاری که برای ناهمسان همسری شمرده شد، پیامدهای خطیر دیگری نیز بر آن مترتب است؛ در ازدواج‌های ناهمسان، فرزندان در معرض انحرافات اخلاقی قرار می‌گیرند، بسترهای اخلاق‌گریزی از راه وراثت ایجاد می‌شود و



در نهایت، صفات و ویژگی‌های زشت اخلاقی از همسران ناهمسان به فرزندان انتقال می‌یابد.

در پایان، با توجه به اهمیت کفویت در ازدواج، پیشنهادهای زیر برای انجام پژوهش‌های دیگر در این زمینه ارائه می‌گردد:

- تحقیق درباره هر یک از آثار و پیامدهای یادشده به‌طور جزئی و تخصصی؛
- بررسی راه‌های پیشگیری از ازدواج‌های ناهمسان؛
- آسیب‌شناسی روان‌شناختی ناهمسان همسری.



کتاب نامه

۱. قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند، تحقیق هیئت علمی دارالقرآن الکریم، چ ۳، تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
۲. اسدورو، لستر. ام. (۱۳۹۳)، روان شناسی، ترجمه جهانبخش صادقی، چ ۸، تهران: سمت.
۳. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴ق)، تحف العقول، تحقیق علی اکبر غفاری، چ ۲، قم: جامعه مدرسین.
۴. ابن فارس، احمد (۱۴۰۴ق)، معجم مقاییس اللغة، تصحیح عبدالسلام محمد هارون، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
۵. تستری، سهل بن عبدالله (۱۴۲۳ق)، تفسیر التستری، ج ۱، بیروت: دارالکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون.
۶. ثعلبی، احمد بن محمد (۱۴۲۲ق)، الكشف و البیان المعروف تفسیر الثعلبی، تحقیق ابن عاشور، ج ۹، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۷. جصاص، احمد بن علی (۱۴۱۵ق)، احکام القرآن، تحقیق عبدالسلام محمد علی شاهین، ج ۳، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۸. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸)، ادب فنای مقربان، ج ۲، قم: اسراء.
۹. جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۳۷۶ق)، الصحاح، ج ۴، بیروت: دارالعلم للملایین.
۱۰. حلی، حسن بن یوسف بن مطهر (۱۴۱۰ق)، ارشاد الازدهان الی احکام الایمان، تحقیق فارس حسون، ج ۱، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۱. دارقطنی، علی بن عمر (۱۳۸۶ق)، سنن دارقطنی، تحقیق سید عبدالله هاشم یمانی مدنی، ج ۳، بیروت: دارالمعرفة.
۱۲. دیلمی، حسن بن محمد (۱۴۱۲ق)، ارشاد القلوب الی الصواب، ج ۱، قم: الشریف الرضی.



۱۳. دینوری، عبدالله بن محمد (۱۴۲۴ق)، الواضح فی تفسیر القرآن الکریم، ج ۲، بیروت: دارالکتب العلمیة منشورات محمد علی بیضون.
۱۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، مفردات الفاظ القرآن، بیروت: دارالقلم.
۱۵. زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۱۷ق)، الفائق فی غریب الحدیث، ج ۲، بیروت: دارالکتب العلمیة.
۱۶. سالاری، اسماعیل، لادن معین و سوسن حقیقی (۱۳۹۲)، «بررسی رابطه فرهنگ مردسالاری، همسان همسری، با تعارضات زناشویی در بین دبیران و پرستاران زن متأهل»، زن و مطالعات خانواده، دوره ۶، ش ۱۹، ص ۹۵-۱۱۴.
۱۷. شاه عبدالعظیمی، حسین (۱۳۶۲)، تفسیر اثنی عشری، ج ۱۰، تهران: میقات.
۱۸. شریف مرتضی، علی بن حسین موسوی (۱۴۱۷ق)، الناصریات، تهران: رابطه الثقافه و العلاقات الاسلامیه.
۱۹. صدوق، محمد بن علی (۱۴۱۳ق)، من لا یحضره الفقیه، تحقیق علی اکبر غفاری، ج ۲ و ۳، چ ۲، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۲۰. _____ (۱۳۸۵)، علل الشرایع، ج ۱، قم: کتابفروشی داوری.
۲۱. طبرانی، سلیمان بن احمد (۲۰۰۸)، التفسیر الکبیر تفسیر القرآن العظیم، ج ۴ و ۶، اردن: دارالکتب الثقافی.
۲۲. طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۲ق)، تفسیر جوامع الجامع، قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.
۲۳. _____ (۱۳۷۲)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تصحیح فضل الله یزدی طباطبایی، ج ۵ و ۱۰، چ ۳، تهران: ناصر خسرو.
۲۴. طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۲ق)، جامع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ۲۸ و ۲۹، بیروت: دارالمعرفة.





۲۵. طریحی، فخرالدین (۱۳۷۵)، مجمع البحرین، تحقیق احمد حسینی اشکوری، ج ۵، چ ۳، تهران: مرتضوی.
۲۶. طوسی، محمد بن حسن (بی تا)، التبیان فی تفسیر القرآن، تصحیح أحمد حبیب عاملی، ج ۱۰، بیروت: مکتب الاعلام الاسلامی.
۲۷. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق)، کتاب العین، ج ۵، چ ۲، قم: هجرت.
۲۸. فراهیدی آجرلو، صالح، ابوالحسن مجتهد سلیمانی و سیدعلی خزائی (۱۳۹۸)، «ارزش‌گذاری اخلاقی و کفایت فقهی و حقوقی زوجین»، پژوهش‌های اخلاقی، دوره ۹، ش ۴، ص ۱۹۷-۲۱۲.
۲۹. فلسفی، محمدتقی (۱۴۲۶ق)، الطفل بین الوراثة و التربية، تحقیق فاضل الحسینی المیلانی، ج ۱، قم: مکتبة الوجود.
۳۰. قاسمی، جمال‌الدین (۱۴۱۸ق)، محاسن التأویل، تحقیق عون سود، محمدباسل، ج ۷، بیروت: دارالکتب العلمیة، منشورات محمدعلی بیضون.
۳۱. قرشی، علی‌اکبر (۱۳۷۱)، قاموس قرآن، ج ۵، تهران: دارالکتب الاسلامیة.
۳۲. کاشانی، فتح‌الله بن شکرالله (بی تا)، منهج الصادقین فی الذم المخالفین، ج ۷، تهران: کتابفروشی اسلامیة.
۳۳. کجوری، محمدباقر (۱۳۸۰)، الخصائص الفاطمیة، تحقیق سیدعلی جمال اشرف، قم: شریف الرضی.
۳۴. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، الکافی، تحقیق علی‌اکبر غفاری و محمدآخوندی، ج ۵، چ ۸، ج ۴، تهران: دارالکتب الإسلامیة.
۳۵. گلپایگانی، محمدرضا (۱۴۱۳ق)، نتائج الافکار، قم: دارالقرآن الکریم.
۳۶. مازندرانی، محمدصالح (۲۴۲۱ق)، شرح اصول کافی، تحقیق میرزا ابوالحسن شعرانی، ج ۵، بیروت: داراحیاء التراث العربی للطباعة و النشر و التوزیع.
۳۷. محدر، تقی (۱۳۹۸)، «تحلیل فلسفی نقش توحید در فضایل بینشی، گرایشی و رفتاری در نهاد خانواده»، فصلنامه ترویجی اخلاق، دوره ۱۵، ش ۵۷، ص ۶۱-۳۵.

۳۸. مرتضی، سیدجعفر (۱۴۱۵ق)، *الصحيح من سيرة النبي الاعظم*، ج ۴، بیروت: دارالهادی للطباعة و النشر و التوزيع.
۳۹. مراغی، احمدمصطفی (بی تا)، *تفسیر المراغی*، ج ۱۸، بیروت: دارالفکر.
۴۰. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۱)، *اخلاق در قرآن*، ج ۱، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته الله علیه.
۴۱. مصطفوی، حسن (۱۴۳۰ق)، *التحقیق فی کلمات القرآن*، ج ۳ و ۱۰، بیروت: دارالکتب العلمیة.
۴۲. مغنیه، محمدجواد (۱۴۲۴ق)، *التفسیر الکاشف*، ج ۲ و ۷، قم: دارالکتاب الاسلامی.
۴۳. مقاتل بن سلیمان (۱۴۲۳ق)، *تفسیر مقاتل بن سلیمان*، تحقیق عبدالله محمود شحاته، ج ۴، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
۴۴. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱)، *تفسیر نمونه*، ج ۴، ۱۶ و ۲۴، چ ۱۰، تهران: دارالکتب الإسلامیة.
۴۵. نحاس، احمد بن محمد (۱۴۲۱ق)، *اعراب القرآن*، ج ۳، بیروت: دارالکتب العلمیة منشورات دار بیضون.
۴۶. نووی، محیی الدین (بی تا)، *المجموع*، ج ۱۶، بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزيع.
۴۷. واحدی، علی بن احمد (۱۴۱۵ق)، *الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز*، تحقیق ضوان عدنان داودی، ج ۲، بیروت: دارالقلم.



Moral differences in marriage, effects and consequences according to the Qur'an and hadith point of view
Seyed Mohammad Reza Hosaininia*

Abstract

One of the conditions for spouse selection, according to Qur'an's and hadith's point of view, is maximum likeness and similarity between couples and resemblance in many ways, such as ethical and moral characteristics. The purpose of this study was to inform the younger generation in a descriptive-analytical way, by extracting the verses and narratives related to this issue in a new approach, while highlighting the importance of the truth, and analyzing the effects and consequences of ethically different marriages. The findings of the research indicates that couples' dissimilarity in ethical issues and their differences in the mentioned issues will have serious and irreparable consequences and results, some of which these include: personality disorder of children, breakdown of family's relationship, deprivation of decent children, perfidy in family's system, Moral deviation of children, creating the moral divergence of children through inheritance, Transferring ethical characteristics through lactation and Children's disobedience from parents' orders.

Keywords

spouse selection, couples compatibility, moral differences, different marriages.



*Assistant Professor in Department of Quranic and Hadith Sciences, Ilam University, Ilam, Iran. Mohhos313@yahoo.com.

**Influential elements in the effectiveness of mass media and its immunity
(Mass Media with Emphasis on Moral and Psychological Teachings)**
Ali Ahmad Panahi *

Abstract

The most important mission of the media is education, information, sound analysis, reinforcement of epistemic beliefs, and correction of audience behavior. The purpose of the present study is to investigate and explain the ethical norms and values important in enhancing the effectiveness of the mass media and striving to be part of the harm. What are some of the disadvantages in media efficiency and immunity? The present study uses a descriptive-analytical method and the ethical and psychological teachings related to the mass media are analyzed and described. Effective on the effectiveness and immunity of the mass media, the following can be extracted: 1. The need for a holistic approach to media content and tools; 2. Accuracy in information processing and analysis; 3. Observance of individual differences and cognitive capacities of the audience; 4. Observance of the principle of ontology; 5. Making use of good and excellent verbal and nonverbal communication; 6. 7. Commitment to honesty and truthfulness; 8. Observing justice and fairness in the media; 9. Observing the dignity and dignity of the audience; 10. Increased ability of self-control in the audience; increased resilience in the audience; 12. Representing the facts and not distorting it.

Keywords

Ethics, Media, Efficiency, Immunity, Psychology, Norms.

*Assistant Professor, Institute of Domain and University Research, Iran, Qom.
apanahi@rihu.ac.ir



Relationship between ethics and economics in Islamic: Critical comparison of Kohlberg's theory of moral development

Hassan Boosaliki^{*}, Mahdi Alizadeh^{**}

Abstract

Moral development is a process leading to improvement of moral standards such as moral reasoning and attitude, moral emotions, internalization of moral principles and practical commitment to moral norms. Among the prevalent views on moral development is Kohlberg's view. In the present study, while accepting his theoretical framework (six-stage system for development of moral reasoning), we have dealt with exploring the relationship between this type of development and development of economic utilities (production, distribution and accumulation of wealth). This study is a library research and has been conducted using written documents. The main question is as follows: "What is the relationship between mechanism and stages of development of moral reasoning and judgment on the one hand and individuals' favorable economic performance on the other hand?" This relationship has been studied in a reciprocal way (mutual effect). The results of the research show that the stages of moral development have a direct relationship with the indexes of economic development. Some stages of development, however, require the attachment of a certain public culture pack so that the aforementioned relationship may be established. On the other hand, promotion of economic conditions (production of refined wealth and just distribution of it) prepares the ground for moral development in Kohlberg's view. Here, Islamic ethics - both on maximum and minimum levels - not only avoids encouragement of despicable austerity but also prepares the ground for economic development.

Keywords

Moral development, wealth production, clean wealth, wealth distribution, Islamic ethics.



^{*} Assistant Professor of Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran.
H.boosaliki@isca.ac.ir

^{**} Assistant Professor of Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran.
M.alizadeh@isca.ac.ir

A study of moderation, its effects and obstacles from the perspective of Martyr Motahhari

Ali Ahmadpour*

Abstract

Moderation is one of the most important moral issues in the holy religion of Islam, which has been considered by many philosophers and thinkers, including Martyr Motahhari. Not only does Islam have special recommendations for moderation in the field of practice, but it also considers the happiness of society and the formation of a utopia to be dependent on moderation and avoidance of extremism. The purpose of this article is to explain the theory of moderation from the perspective of Martyr Motahhari and to try to examine and investigate the factors and obstacles of moderation with a descriptive and analytical method. And answer the question, what are the most important effects and obstacles of moderation from the perspective of Martyr Motahhari? The research findings show that from the perspective of Martyr Motahhari, the effects of moderation are: perfection, happiness, coordination in the growth of values and scientific and material progress, and the obstacles to moderation include stagnation, ignorance, whims and desires and the destruction of society. The result is that moderation will bring happiness to the individual and to the wider community.

Keywords

Moderation, Martyr Motahhari, Perfection, Extremism, Deviation.



*Assistant Professor in Department of Islamic Education, Mohaghegh Ardabili University, Ardabil, Iran. ali.ahmadpour@uma.ac.ir

Framework for Maintaining Security and Prevention of infringement of users' digital information privacy in the post-mortem digital industry and its ethical challenges

Nahid Khooshian^{*}, Said Rezaei Sharifabadi^{**}

Abstract

Digital age has relied on information technologies to provide opportunity for presence of people and information products on the Internet and social networks. The deaths of users will take up a lot of web space. Business start-up companies aiming to make money, doing business with the title of the posthumous digital industry (DIA). The purpose of this article is to describe the digital industry after death and its services and to explain the need for an ethical framework for this industry. The present research is a documentary or library document and a conceptual analysis approach has been used for the study. Based on the research findings DIA means the digital afterlife industry, covering the following four groups of afterlife services: 1. Information management services 2. Posthumous Messaging Services 3. Online memorial services 4. Recreational services. Start-up companies Enhances the continuity of life after death in the digital space. Maintaining or deleting users in the digital space requires specific policies and ethical frameworks from these companies to ensure their human dignity, privacy and other ethical issues. Development and growth of post-mortem digital debris on social media raises complex ethical issues that need careful scrutiny.

Keywords

post-mortem digital industry, Business start-up companies, life after death, Ethical Framework.



^{*}PH.D Student, Department of Information Science & Knowledge, Al-Zahra University, Tehran, Iran. (Responsible author). nkhooshian@gmail.com

^{**}Professor, Department of Information Science & Knowledge, Al-Zahra University, Tehran, Iran. srezaei@alzahra.ac.ir

Explaining Practical and Theoretical Solutions to Acquire Humility and Modesty based on the Content Analysis of the Ghase'eh Sermon of the Imam Ali ^(PBUH)

Sedigheh Kashefi^{*}, Mohammad Etrat Doost^{**}, Fathiyeh Fattahizadeh^{***}

Abstract

Humility is one of the moral virtues that derives from the heavenly and divine self of man, and since it has a great impact on the evolution of human personality, it has been emphasized in religious teachings. One of the examples of this emphasis can be read in the longest and most important sermon of Imam Ali ^(PBUH), known as the sermon of 'Ghase'eh', which was uttered after the battle of Nehruvan with the Kharijites. Imam Ali ^(PBUH) in his longest and most important sermon, known as the sermon of Qaseh, which was uttered after the battle of Nehruvan, has tried to explain the importance of this moral virtue and its great effect in combating arrogance as the most important solution to the devil's domination. Express the practical and theoretical factors and strategies of acquiring humility and finally express a comprehensive picture of this valuable moral virtue. In this research, we have tried to analyze the proposed propositions in relation to this issue by using the content analysis method as a text-based interdisciplinary research method and finally to draw a comprehensive conceptual model of humility from the perspective of Imam Ali ^(PBUH). Expressing the practical and theoretical factors of creating humility, the characteristics of true humility, the results of humility and introducing the selected examples of the humble are among the topics that Imam ^(PBUH) has mentioned in his longest sermon. Undoubtedly, paying attention to these moral issues and enumerating its comprehensive model based on the words of the Infallibles.

KeyWords

Imam Ali ^(PBUH), Humility, Modesty, Sermon Ghase'eh, Content Analysis Method.

*Master of Quranic and Hadith Sciences, al-Zahra University, Tehran, Iran. skashefi255@gmail.com

**Assistant Professor in Department of Islamic Theology and Education, Shahid Rajaei Teacher Training University, Tehran, Iran. (Responsible author) etratdoost@sru.ac.ir

*** Professor of Quranic and Hadith Sciences Department, al-Zahra University, Tehran, Iran. f_fattahizadeh@alzahra.ac.ir



CONTENTS

Explaining Practical and Theoretical Solutions to Acquire Humility and Modesty based on the Content Analysis of the Ghase'eh Sermon of the Imam Ali ^(PBUH)

Sedigheh Kashefi, Mohammad Etrat Doost, Fathiyeh Fattahizadeh

Framework for Maintaining Security and Prevention of infringement of users' digital information privacy in the post-mortem digital industry and its ethical challenges

Nahid Khooshian, Said Rezaei Sharifabadi

A study of moderation, its effects and obstacles from the perspective of Martyr Motahhari

Ali Ahmadpour

Relationship between ethics and economics in Islamic: Critical comparison of Kohlberg's theory of moral development

Hassan Boosaliki , Mahdi Alizadeh

Influential elements in the effectiveness of mass media and its immunity (Mass Media with Emphasis on Moral and Psychological Teachings)

Aliahmad Panahi

Moral differences in marriage, effects and consequences according to the Qur'an and hadith point of view

Syed Mohammadreza Hosaininia

CONTENTS

ABSTRACTS

IN THE NAME OF ALLAH



Islamic Sciences and Culture Academy
Institute of Family and Theology
Quarterly Journal of Extension in Ethics

No.37 (58th Successive) Spring 2020 / Ten Year
Publisher: Islamic Publicity Office of the Theological Seminary of Qom
Director in Chief: Ghotbi Jashoghani, Mohammad
Editor in Chief: Hadi, Asgahr

*

Editorial Board (in alphaabetical order):

*

Alizadeh, Mahdi/Assistant Professor of the Islamic Science and Culture Academy
Azarbayjani, Masoud/Associate Professor of the Institute of Hawza and University
Diba, Hossein/Assistant Professor of the Islamic Science and Culture Academy
Eslami Ardakani, Sayyed Hassan /Professor of the University of Religions and
Denominations

Habibollahi, Mahdi/Assistant Professor of Bagher-Ol'Oloom University
Hadi, Asghar/Assistant Professor of the Islamic Science and Culture Academy
Salarifar, Mohammadreza/ Assistant Professor of the Institute of Hawza and
University

*

Editorial Board of this Issue:

Sayyed hassan Eslami Ardakani, Sayyed Mahdi Soltani Renani, Maryam
Fatehizadeh, Mohammad Javad Movahhedi, Asghar Hadi

*

Secretary Specialist: Baharloo, Mohammad

Proofreader: shirani, Maryam

English Translator: Habibollahi, Mahdi

Typesetting: Rajabi, Fatemeh

Publication: Isfahan Islamic Preaching Office Publication

Published by: Boostan Ketab Institute of Publication – Islamic Preaching Office

Published by: Institute of Family and Theology, affiliated to the Academy
of Islamic Research, Science and Culture

Address: Islamic Preaching Office (Building No. 2), Soheil Alley, Sarlat
St., Shamsabadi Av., Isfahan 81469-57571, Iran

website: <http://akhlagh.morsalat.ir> E-mail: akhlagh@dte.ir

Tel: 031-32344410 (EX7651) PO Box: 81465-697 Fax: 031-32208005

